

آستان وصال حضرت سید



سید

حسین سمنانی



بهوای روی جانان دل و جان ماست شیدا
ز خیال زلف مشکین بصرم هزار سودا

جمکران

آستان وصال حضرت

دوست

نعیم خلد چه باید وصال دوست طلب
که حیف باشد از او غیر او تمنائی

حسین سمنانی

سمنانی، حسین، ۱۳۲۵ -

جمکران آستان وصال حضرت دوست / حسین سمنانی . - تهران: نخل

دانش، ۱۳۸۱.

۱۲۸ ص.

ISBN : 964 - 6948 - 06 - 5

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. جمکران، قم. ۲. زیارت - آداب و رسوم. ۳. محمدبن حسن

(عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - الف. عنوان.

۲۹۷/۷۵

BP ۲۶۱ / س ۸ ج ۸

۱۷۰۷۳ - ۷۸ م

کتابخانه ملی ایران

نخل دانش

- قم جمکران

مرکز پخش:

تلفن: ۳۳۴۰ - ۲۵۲۳۲۵

حسین سمنانی

جمکران آستان وصال حضرت دوست

چاپ دوم ۱۳۸۱ تهران * شمارگان ۳۳۰۰ نسخه

حروف چینی همراه * چاپ حیدری * صحافی مهرآئین

شابک: ۹۶۴ - ۶۹۴۸ - ۰۶ - ۵

ISBN : 964 - 6948 - 06 - 5

اهداء

ثوابِ اين

عرض ادب به حرم مطهر

جمکران، طورِ تجلی حضرت قدس

اعظم، جلوهٔ جمال حق، بقیةٔ خدا

امام ارض، جانِ روان در

هستی، حجةٔ بن الحسن

العسکری

روحي

فدا

را به ساحت

پاک مجتهدان و عالمان،

خطیبان و ذاکران، معلمان و والدين و

همنشینان که از شباب در تربیت مؤثر

و کوشا بودند می‌نمایم. ایام شهادت

صدیقهٔ مطهرهٔ فاطمه مظلومه

عبدالحجة حسین

بن حسن

ای درس عشقت هر شبم تا روز تکرار آمده
وی روز من بی روی تو همچون شب تار آمده
ای مه غلام روی تو، گشته زحل هندوی تو
وی خور ز عکس روی تو چون ذره در کار آمده
ای در سرم سودای تو، جان و دلم شیدای تو
گردون به زیر پای تو چون خاک ره خوار آمده
جان بنده شد رای ترا روی دلارای ترا
خاک کف پای ترا چشمم به دیدار آمده
چون بر بساط دلبری شطرنج عشقم می‌بری
گشتم زجان و دل‌بری، ای یار عیار آمده
تا نرد عشقت باختم، شش را ز یک نشناختم
چون جان و دل در باختم، هستم به زنهار آمده
ای جزع تو شکر فروش، وی لعل تو گوهر فروش
وی زلف تو عنبر فروش، از پیش عطار آمده

«عطار نیشابوری»

فهرست مطالب

۴۳	اعمال فردی	۵	اهداء
۴۳	صلوات	۱۱	راه دستیابی به زلال وحی
۵۰	تجدید بیعت با حضرت	۱۷	ذوق دیدار
۵۵	زیارت حضرت	۲۰	راز موفقیت
۵۵	زیارت آل یاسین	۲۲	شرایط قبل از توسل
۶۱	دعا برای فرج	۲۵	چراغ راه
۶۲	تسبیح حضرت قائم	۲۸	ادای حق آل محمد
۶۳	حرز امام زمان	۲۸	آداب قبل از حرکت
۶۴	اعمال جمعی	۳۰	مقامات منسوب به حضرت
۶۴	ختم قرآن در یک مجلس	۳۱	زمان شناسی
	ختم ۱۵۱ هزار صلوات در یک	۳۱	نظافت
۶۴	مجلس	۳۲	غسل توبه و زیارت
۶۵	دعاهای وارده از ناحیه مقدسه	۳۲	وسائل مورد نیاز
۶۸	زیارت عاشورا	۳۲	صدقه
۶۸	نماز جماعت	۳۳	شستشوی باطن
۶۹	زیارت جامعه	۳۳	در آستانه حرکت
۶۹	دعای علوی مصری	۳۴	آداب بین راه
۷۰	خلاصی از بند	۳۷	آداب قبل از تشرّف
۷۱	استغاثه به امام زمان	۴۱	آداب تشرّف به حرم

دارو دردِ فراق.....	۹۸	تأسی در دعا به امام عصر.....	۷۲
توسل به امام زمان (عج).....	۹۹	سوگند دادن به امام زمان.....	۷۴
نماز هدیه.....	۱۰۲	شفیع نزد خدا و امام.....	۷۸
نماز حاجت.....	۱۰۲	خوابیدن در حرم جمکران.....	۸۰
ضامن استجاب دعا.....	۱۰۵	زمان خواب.....	۸۱
خدمت نزدیکترین راه به قرب.....	۱۰۸	جایگاه خواب.....	۸۳
انواع خدمت.....	۱۱۱	عذر زائر حرم جمکران.....	۸۵
وظیفه ما در ایام غیبت.....	۱۱۳	شکل خوابیدن.....	۸۸
چگونه برای تشیع زینت باشیم؟.....	۱۱۵	خواب و شکل خوابیدن مذموم.....	۸۹
شوق آفرینی نسبت به امام زمان.....	۱۱۸	احتلام در خواب.....	۹۰
نعمتی که اگر نبود.....	۱۲۵	نشانه خواب روحانی.....	۹۲
امید آن دارم.....	۱۲۷	وقت خواب دیدن.....	۹۴
		دعای به رؤیت رسیدن.....	۹۶

راه دستیابی به زلال وحی

عشق به پیامبران خدا و امامان اهل بیت - علیهم السلام - راهی است برای دستیابی به زلال وحی که تشنگان کویر مادیات را به نوشیدن از این زمزم خوشگوار فرا می‌خواند و تشنه باده سبوی وصال خانه یار را بر آن می‌دارد تا راه رسیدن به این کوثر زلال را برای سیراب شدن آغاز کند. برود تا هر کجا که از آفاق بلند آسمان، آب حیات بر آنجا می‌بارد خود را رحمت باران نموده، از شر خودی ننگین خویش رهائی یافته، به دیدار جمال ولی کامل مکمل اکمل که کتاب آفرینش به نقل فضیلت او اتمام پذیرفته نائل آمده، در جنة اللقاء، دور از خوف نار دوزخ و شوق بهشت، لذت قرب خدا را مزه کرده، در سیر صعودی که عروج به حریم خداست به مرتبتی و منزلتی دست یابد؛ «المؤمن مرآة المؤمن» عینیت یافته، سوئی مؤمن علی الاطلاق، خدای علی رب جلیل است و سوئی عبد خلیل.

جمکران در حریم با حرمت و عزت و قداست حرم فاطمه معصومه - سلام الله علیها - یاران آل الرسول - علیهم السلام - را که شوق دیدار ناصر اهل بیت، امام منصور زیارت عاشورا دامن جانشان را گرفته و آرام و قرار از کف آنان ربوده است فرا می‌خواند، تا بارقه عشق حجت حق که آن به آن از آسمان عنایت لایزال حضرت صاحب الامر و العصر و الزمان (عج) بر

جانهای خسته از زندگی در کویر مادیات زده می‌شود خرمن علاقه‌ها و
 دل‌بستگی‌های مسدود کننده راه ملکوت اعلیٰ به شعله‌های عشق سپرده،
 از فراقِ غمبار رهانیده، چشم عاشقِ خسته‌جان را به وصالِ دلارای بقیه
 خدا در زمین روشن کند و در پرتو نورِ آن خورشیدِ رخشنده به قرب
 حضرتِ دوست رسیده در جمع معتکفان حرمِ انس قدس که همدمانِ
 نسیم وصال و محرمانِ حریمِ جمال، مستِ بادهٔ حضورند، خستگی‌های
 خاک از دوش جانش برداشته شود. بود و نبود برایش یکسان و سیاه و
 سفید یک رنگ، سبک و سنگین یک وزن گردد.

ای عشق تو آتش زده در خرمن جان‌ها

وز سوزِ غمت سوخته دلها و روان‌ها

خون شد دل عشاق ز دست الم عشق

شرح غم عشق تو برونست ز بیان‌ها

از شوق جمال تو دل چرخ پر آتش

بی صبر و قرار از غم تو دور و زمان‌ها

محرم به حریم تو نه نام و نه نشانست

بی نام و نشان در حرمت نام و نشان‌ها

از پرتو حسنت شده تابان همه عالم

وز روی تو روشن همه کون و مکان‌ها

کی حسن رخت شرح دهد نطق کماهی

در وصف جمال تو چو لال است زبان‌ها^۱

به همین اعتبار قم کعبه یاران مهدی و اهل بیت - علیهم السلام - است که امام صادق - سلام الله علیه - به روزگار حیات جسمانی خود به اهل اشارت چنین بشارتی داده‌اند^۱ و امام کاظم - علیه السلام - مردمی را که به قم پناهنده‌اند از بهترین شیعیان^۲ شناسانده‌اند.

در لیلۀ عیدِ ظهورِ جسمانی وجه الله اعظم، شعبان ۱۴۱۸ به اتفاق یارانی که از جام عنایت حضرت دوست شرابِ توفیق نوشیده بودیم سعادتِ عتبه بوسی بنت مظلومه حضرت موسی بن جعفر - سلام الله علیهما - نصیبمان گردیده بود، زمانِ اعتکاف در حرم مقدسه جمکران به استناد رفتار و کردار زائران عاشق، کمبود رساله حاضر را البته به این سبک که تدوین گردیده لمس کرده، مصمم شدم به عصر مجد و عظمت اسلام که ایران به برکت زعامت و نعمت مرجعیت و فیوضات و رحمت ولایت فقیه آل محمد - علیهم السلام - «ام القرای» جهان اسلام و امت ختمی مرتبت (ص) دیده یاری و رهبری از دورترین نقاط اجتماعات بشری که مسلمان نشین است به آن دوخته‌اند، نسبت به آنچه نظرم را به خود جلب نموده، دل مشغولیم شده، فشرده‌ای را تنظیم کنم؛ شاید مقبول نظر شاه عشق که «بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ يَمُنُّهُ رِزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»^۳ است افتد و عاشقان را صحیفه عشقی که مؤسس خلوت جمکران می باشد گردد.

عزیز دائم الحضورم که «مسعود» اقبال و «خسروی» بخت است نیز بدون اطلاع و آگاهی از تصمیمی که مرا به خود مشغول کرده بود و لحظه

۲ - همان: ص ۲۱۹.

۱ - بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۳ - دعای عدیله.

به لحظه می‌رفت تا آرزوئی شود سخن گفته، خواست اگر سعادت رفیق شد و توفیق جلیس شفیق، آدابی برای اعتکاف در حرم جمکران نوشته و به زائران تحفه دهم. که گفتمش «جانا سخن از زبان ما می‌گوئی» ولی تا «یار که را خواهد و میلش به که باشد» همراهان چون طالعی «سعید»^۱ داشتند و به نعمت «نصرالله»^۲ مؤید و «توانا»^۳ بودند، «عمادی»^۴ سخت کوش بر این آرزو شدند و مرا گفتند اگر در این لیلۀ مبارکه به حرمت عتبه بوسی حرم قم به رحمت «غفاری»^۵ الهی شستشو کرده‌ایم و «احمد»^۶ منزلت و «حسن»^۷ خوی شده‌ایم به این عرض ادب «شاهین»^۸ اقبالمان را به عرش سعادت رسانیم.

لا اقل بر نفس خود «حکیمی»^۹ حاذق باشیم. آنچه از صفا و اخلاص که «بیات»^{۱۰} شده‌اند حیات دوباره بخشیم. چون بلور بی بهاء و اساس را به گوهر شب تاب الماس، هوسِ مبارات افتاد آفتابِ عالم تابِ موهبتِ غیبی که بر مظهر جمالِ کمال «هذا من فضل ربی» تابیدن گرفت، خس و خاشاک هر بی‌حُسنی این مبتلایِ به آسایش و آرامش دنیائی را نادیده گرفته، فیض رسان دستگیر، لوح سینه‌ام از نقش مشوشِ تفکر و تأمل پاک کرد، جمع خوش حالان شدم.

به آرزو رسیدم تا قبل از آن که کوکب عمر به افق مغرب رسد بعد از نیم قرن زندگی به چنین سعادتِ شرافت یابم.

- ۱ - سعید مظفریان که در رمضان آن سال صورت عبودیت بر خاک نهاد.
- ۲ - آقای سید نصرالله نقوی.
- ۳ - آقای دکتر امیر توانا.
- ۴ - آقای مهدی عمادی.
- ۵ - آقای دکتر عباس غفاری.
- ۶ - آقای احمد جهانیان «فرشباف».
- ۷ - آقای حسن مظفریان.
- ۸ - آقای شاهین خسروی.
- ۹ - آقای مرتضی حکیمی.
- ۱۰ - آقای سعید بیات.

آغاز رساله به روزگاری که «امیر» بخت و «محمد» شناس با طالعی «اکرم» و اقبالی «کیا» در تالار «زمرد» خاصیت^۱ اولین صفحه دفتر زندگی خویش را در ایام ظهور جسمانی عقیده وحی، طاهره مطهره، زینب کبری - سلام الله علیها - در روز شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۷۸ دوم جمادی الاول ۱۴۲۰ به مرکب مهر و قلم محبت نوشتند صورت گرفت. به خاک پای فروغ جمال خدایم امام زمانم که جانم نثار قدوم عاشقانش باد فیض توجه و عنایتش نصیب تمامی دختران و پسرانی که به ایام امامتش زندگی خود را آغاز می نمایند! «این دعا را از همه خلق جهان آمین باد».

خاک پای شیعیان
حسین بن حسن
سمنانی

۱ - حضرت امام کاظم علیه السلام: «در مورد خاصیت زمرد فرموده اند آسایشی که در آن هیچ دشواری نمی باشد. (ثواب الاعمال ص ۳۹۰)».

«ذوق دیدار»

از آغاز پیدایش، ذوق دیدارِ مردانِ آسمانی که بشر را از کویر خواسته‌های مادی به بهشت راز و نیازِ روحانی می‌کشانند، انسان را شیرین نموده و به خود سرگرم داشته است.

با ظهور اسلام مفهوم حقیقی توسل به عرشیان خاک‌نشین که واسطهٔ بین حق و خلق به شمار می‌روند جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده، تمامی طبقات با سلیقه‌های گوناگون در اوقاتی مختلف از حال و زمان دست‌نیاز به دامنِ **انسان کامل** که حق به کامل‌ترین صورت در او متجلی است زده، تا به واسطهٔ **معلم الملك** که در زمین **نایب الحق** و به تعبیر دلنشین از معصوم - علیه السلام - «**امام الارض**» می‌باشد راه به آسمان بردو با مشاهده به عبادت حق پردازد. یا توسط صورتِ کامل حضرت حق - وجه الله اعظم - که آینهٔ جامع صفات الهی است، مرتبه‌اش از حد امکان برتر و از مقام خلق بالاتر است، اموراتی را که حوائج زندگی خاکی او شده‌اند و دست یافتن به آنها به صورتِ غیر ممکن درآمده است به واسطهٔ التجاء به ساحتِ قدسِ او که **رحمتِ عظیمِ الهی** و «**بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ**»^۱ شأن اوست برآورده نموده، بدون دغدغهٔ خواسته، قبل از آنکه

صورتِ ظاهرش را در گورستانی به صورت ارض گذارند، پیشانی عبودیت بر آستان ربوبیت سائیده، از عالم حقایق و دقایق مطلع شده، خویش را به مرتبه کمال نفس برساند. و این قدر مسلم است که چنین نعمتی بدون تمسک به چشمه ولایت، غیر ممکن می باشد. فقیه عارف، عارف ولی فقیه، آیه الله العظمی خمینی - قدس الله روحه العزیز - می فرماید: «وصول به فنای ذات مقدس و استغراق در بحر کمال برای آنها امکان پذیر نیست جز به طفیل و تبع ذات مقدس انسان کامل - معصوم -^۱ که عالم بالله حقیقی و عارف معارف الهیه و جامع علم و عمل به شمار می رود. چون مظهر جمیع اسماء و صفات مربوط حق تعالی است. صراط المستقیم است که از عبودیت به ربوبیت یا از فرش به عرش یا از خلق به حق محسوب می شود و به تعبیر دلنشین مجتهدی ولی «صراط مستقیم همان صراطی است که رب الانسان الکامل بر آن است».^۲

پس چون دیگر موجودات و سائرین الی الله، هیچ یک جز معصوم - نایب الحق - بر صراط مستقیم نیستند بل اعوجاج دارند یا به جانب لطف و جمال یا به طرف قهر و جلال کشیده می شوند، می باید عاشقانِ قرب ذوالجلال، با تبعیت از انسان کامل که اسوه حسنه قرآن، در حقیقت «راه حریم کبریاست»^۳ طی مسافت عبودیت تا ربوبیت نماید. یعنی قدم خود را در جای قدم او بگذارد و به نور هدایت و مصباح معرفت حضرت او سیر کند و تا تسلیم ذات مقدس انسان کامل قرآن - معصوم - نشوند، به زیارت جمال جمیل هم او که «وجه الله اعظم» است نائل نمی آیند. در معنا راه

۲ - همان: ۵۳۲.

۱ - چهل حدیث ص ۴۱۸.

۳ - به کتابی با این نام که انتشارات سعدی واقع در خیابان ناصر خسرو کوچه امام جمعه چاپ نموده، رجوع کنید.

وصال حضرت بقیة خدا روی زمین را می‌باید با دلالت خود او طی کرد و باید یقین داشت راه رسیدن به ساحت قدس امام ارض که نایب الحق است، صراط مستقیم حضرت اوست و لاغیر.

در حقیقت بافته‌های این و آن اگر مقدمه‌ای باشد برای رسیدن به خط نورانی صراط مستقیم، راه بی‌اعوجاج - سیره عملی معصوم - در صورتی که با بدعتی توأم نشود کارگشااست؛ در غیر این صورت پشت به کعبه مقصود میقات حضور و روی به ترکستان خیال داشتن است.

به راستی در زمانی که زمام طالبان سلوک بر مسالک آل الرسول - علیه السلام - به دست بدعت‌های صوفیانه و طوائف نظیر آن افتاده است و هر کدام به ادعائی، سالک طالب عاشق صادق را به خود دعوت می‌نمایند و از صراط مستقیم قرآن - راه نورانی - منحرف نموده، خیال بافی‌های خویش را هر روز به نام دستورالعملی با عنوان سالکانه عاشقانه عارفانه به او که به مکتب عشق غدیری نرفته و معلم عشق ندیده و درس عشق نخوانده می‌دهند.

خداوند همه را از خطر انحراف از صراط مستقیم قرآن که معارف عرفان از سینه او متجلی است، به عنایت بی‌علت خود در امان بدارد! «یارب دعای خسته‌دلان مستجاب کن».

مردم دیده ما جز به رخت ناظر نیست

دل سرگشته ما غیر ترا ذاکر نیست

اشکم احرام طواف حرمت می‌بندد

گرچه از خون دل ریش دمی طاهر نیست

بسته دام و قفس باد چو مرغ وحشی
 طایر سدره اگر در طلبت طایر نیست
 عاشق مفلس اگر قلب دلش کرد نثار
 مکنش عیب که بر نقد روان قادر نیست
 عاقبت دست بر آن سرو بلندش برسد
 هر که در راه طلب همت او قاصر نیست
 از روان بخشی عیسی نزنم پیش تو دم
 زآنکه در روح فزائی چو لب ماهر نیست
 منکه در آتش سودای تو آهی نزنم
 کی توان گفت که بر داغ دلم صابر نیست
 روز اول که سر زلف تو دیدم گفتم
 که پریشانی این سلسله را آخر نیست.

رازِ موفقیت

دانستن راز موفقیت توسلاتِ قبل از آشنائی با شرایط و آداب از جمله
 ضروریاتِ این وادی است که چه عواملی در تأثیر بخشی و به ثمر نشستن
 راز و نیازهای شخصی مؤثر می‌باشد.

کمر همت و استقامت بر میان جان محکم داشتن و دستارِ آداب بر سر
 نهادن از جمله لوازمِ دانش و موجب بینشِ این حال است که خستگانِ
 مرضِ هجران را موجب انتعاش خواهد بود. به لحاظ اختصار، ترکِ شرح و
 بسط کرده، جبههٔ دل پرشوق را به سوی قبهٔ خشوع و امیدِ استجابتِ
 موضوع داشته تا به عنایتِ بی‌علت، لوای استعلای حضرت بقیهٔ خدا که از

قمهٔ قبهٔ ثریا اعلیٰ بر بوستان جان‌ها می‌تابد نصیبه‌ای داشته باشد.
لکن مقدماتِ استجابت دعا و به نتیجه رساندن زحمات برای رسیدن
به وصال از جمله مقدمات رسیدن به منزلت و مرتبت شایستگی دیدار
است. زیرا جمالِ چهرهٔ مقصود، بی‌ارتکاب صنوف شداید و متاعب
نمی‌توان دید و جواهرِ زواهرِ مراد، بی‌تیشهٔ سعی و اجتهاد، از کانِ امکان
نمی‌توان کشید که حضرت یوسف نبی - علیه السلام - با علو رتبت نبوت و
کمال عطوفت، یعقوب بی‌مشقتِ قعر چاه و تراکم دود آه به اوج جاه نرسید.
وصال دوست طلب می‌کنی جفاکش باش

که خار و گل همه با یکدیگر تواند بود

کسی به گردن مقصود دست حلقه کند

که پیش تیر بالاها سپر تواند بود

واگر تأخیر در استجابت دید، لحاظ‌ها برایش قائل شده‌اند که
مهمترین آن همه لطائف و ظرائف لطف و محبت الهی است. حضرت
صادق - سلام الله علیه - می‌فرمایند: «بنده، خداوند را می‌خواند، پس
خداوند به دو فرشته می‌فرماید دعای او را مستجاب کردم، ولی حاجت او
را حبس کنید، زیرا دوست دارم صدای او را بشنوم»^۱.

و در حدیث قدسی است که به موسی (ع) فرمود: «دوست دارم ملائکه
صدای ناله‌های بندگانم را بشنوند»^۲. مولانا جلال‌الدین مولوی خراسانی
چه دلنشین سروده است:

۱ - طرائف الحکم ج ۱ ص ۴۲۵ به نقل از وسائل.

۲ - جواهر السنیه باب ۷ حدیث ۷۹.

ناله مؤمن همی داریم دوست
گو تضرع کن که این اعزاز اوست
حاجت آوردش ز غفلت سوی من
آن کشیدش موکشان تا کوی من
گر بر آرم حاجتش او وا رود
هم در آن بازیچه مستغرق شود
خوش همی آید مرا آواز او
و آن خدایا گفتن و آن راز او

شرایط قبل از توسل

از هر گونه نفاق با خدا و پیامبر و امامان آل بیت خالی باشیم. بلکه حسب المقدور کمر خدمت از جهت ادای حق نعمت بر میان جان معقود داشته، تا سر بر تن و جان در بدن است بر جاده عبودیت مستقیم، سالک و بر سر کوی وفاداری مقیم باشیم.

مگر به تیغ اجل خیمه بر کنم، ورنی

رمیدن از در دولت نه رسم و راه منست

از آن زمان که برین آستان نهادم روی

فراز مسند خورشید تکیه‌گاه منست

♥: در کنار انواع مشقت، خود تربیتی، نباید از دایره خادمان با

استقامت تجاویزی جوید که بی شبهه بندگان دنیای مذموم، چون عاشق

دلباخته‌ای را سرگرم عشق ورزی ببینند و از دنیای خود فارغ یابند به

طعن سنان لسان، تیر باران کنند که شاید بر اثر عدم استقامت معیوب افتد. محروم و مأیوس مانده، از رسوم توسل دست کشیده به فوز دولت دیدار و ملازمت دلدار نرسد.

♥ : لوازم بندگی را چنان که شایسته شرع نبوی است به طریق فقه آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - فراهم آورد زیرا که عبادت بی تقلید را در صورتی مقبول دانسته‌اند، که با فتوای مجتهدی فقیه از چاکران امام علی (ع) مطابقت کند.

♥ : مایحتاج زندگی که بقاء جسم و جان به آنست و توشه راه عبودیت نیز خواهد بود، از مسیر حلال فراهم آورده، اگر از کسب شرعی تهیه شده و هیچ گونه نهی شرعی در مصرف آن نیست، لکن وجوه شرعی آن پرداخت نشده باشد، بدون تردید ریاضات و مجاهدات را بی اثر خواهد کرد و به طور حتم و یقین این را ماند که آب در هاون ریخته بکوبیم تا سفت شود.

♥ : اگر به استخدام دوائر دولتی می‌باشید، مایحتاج زندگی را از حقوق دریافتی تهیه می‌نمائید، در صورتی زحمت طی طریق خنثی نمی‌شود و نتیجه توسلات به ظهور می‌نشیند که از ساعات کار محوله کم نگذارید.

♥ : احکام واجبه عبادی را که صحت و قبولی اعمال به آن بستگی دارد می‌باید آموخته داشته و همانطور که شرع انور به آن دستور داده است مورد عمل قرار گیرد. زیرا دانستن احکام مربوط به عبادات، شرط صحیح

عمل نمودن آن می باشد. و عبادات چون به تأیید شرع رسید، مقبول خواهد افتاد. دارای خاصیت است. برای نمونه، او که می خواهد به نردبان نماز پرواز کند، اگر قرائت صحیح حمد و سوره را فرا نگرفته باشد عروجی را درک نخواهد کرد.

♥ : دوری از محرّمات زمينه ساز ظهور حقيقت بندگی است. وجود را طوری تجلی نموده، انسانِ طالبِ دیدارِ جمالِ جمیل و جه ذوالجلال - امام زمان - را به مقصود می رساند و لایق نوشیدن شربت وصالش می نماید. و متقابلاً اگر مشاطة نفس به شیطننت ابلیس شخص، نوعروس پری چهرهٔ آمال قدسی را با محرّمات آراسته و با چنین آرایش مذموم در حجر سایه نشینان چتر اقبال نشاند باب شرف دیدارِ عالی شأن ولایت نشان صاحب الامر و العصر و الزمان را به روی خود مسدود داشته است. به هر حال محرّمات از صغیره و کبیره، حاجب دیدهٔ بصیرتِ جنان ارض که وجه **نایب الحق** است می شود. پس مسافران دیار حبیب که از بر و بحر می روند تا بر سر کوی دوست خیمه زنند باید از خوف و خطر کفر نفس بهراسند و بدانند که اگر به دست مشاطة هوی، به رخسارهٔ جمالِ طلبِ طالبِ دیدار خط و خالی بنهند، حضرت نایب الحق از او چهره در نقاب کشد و شربت داربزم وصال، شربت وصال از جمال دلربا را به مذاق جانِ عاشقِ مشتاق که سینه چاک است نمی ریزد.

پس محرّمات، آفاتِ راه عبودیتند و مانع می شوند که آدمی شایستهٔ بزم حضور شود. این مسلم است چشم و گوش و زبان مبتلا به حرام، کجا تواند وجه خدا بیند و صدای دلنشین او شنود و خلاصه با حضرتش به

تکلم پردازد. در این صورت می‌باید آگاه باشیم اعضاء بدن سرمایه و بضاعتی است که خدای جل جلاله به ما عنایت فرموده و امانت‌هایی است که به ما سپرده شده تا با آن برای خویشتن و آخرتمان سوداگری کنیم. پس اگر آن را در کاری به مصرف برسانیم که برای آن آفریده نشده است در طاعات و مراقبات به کار نبریم، یا دمی در غفلت به سر می‌بریم، نفس و شیطان از آنها بهره‌برداری کنند، از سرور و مولای خود دور خواهیم افتاد و به گناه مبتلا می‌شویم که عاقبتش به معاشرت بدتر از آن انس با گناهکاران است.

چراغ راه

از جمله لطافت راه رسیدن به مقصود است و چه بسا اگر مراعات نشود آدمی که به لیاقت استحقاق تا آستانه تشریف راه پیموده، به درون سراپرده حضور پذیرفته نشود؛ او را گویند: تو برون چه اندوخته‌ای که تمنای شأن درون داری.

یکم: معرفت به مولائی که برای دیدار و توسل به سوی او عازم است از ضروریات اولیه به شمار می‌رود. یعنی باید یقین کند خداشناسی در گرو شناخت امام عصر - علیه السلام - می‌باشد. بداند امامت و ولایت و حکومت ائمه - سلام الله علیهم اجمعین - بدون تردید از طرف خداوند عالم به پیامبر بزرگوارش ابلاغ و برنامه کار آن ذوات مقدسه نیز از طرف آفریننده جهان معین شده است.

دوم: نه چون غالیان آنان را خدای شناسد و نه مانند اهل سقیفه و پیشینانِ صوفیان که مقتدایان امروز این طایفه هستند، مانند: حبیب عجمی، داود طائی، حسن بصری، معروف کرخی، جنید بغدادی و... ولایت را بدون امامت این ذوات مقدسه بداند^۱ بلکه یقین داشته باشیم که امامان - علیهم السلام - به اذن خداوند در نظام گردش کائنات و بقاء ارض مؤثرند. اگر نازی کنند بر هم فرو ریزند قالب‌ها و واسطه بین حق و خلق می‌باشند. **بی وجود اینان رسیدن به خدا محال است** و این که واسطه رزق و هرگونه فیض و عنایت الهی هستند.

و این که به اذن خداوند قادرند آتش را گلستان کنند و مردم را زنده نمایند، در این صورت که آتش درون ما گلستان می‌شود و به دمی که دم مسیحائی طفیل آنست زنده می‌شویم.^۲

سوم: از مخالطت با مردمی که امام را با این خصوصیت شناخته‌اند پرهیز داشته باشد. زیرا معاشرت با این گروه، بیماری و دردی سهمگین و کاری است سخت که انسان را از معرفت به امام، در حقیقت یاد خدای جل جلاله باز می‌دارد. پس می‌باید از حضرت مالک یوم‌النشور، ترک مخالطت با اهل دارالغرور را که نمی‌توانند انسانی به ظاهر چون خویش را بر منصبی دون حق و فوق خلق ببیند تمنا داشت.

در احوالات شیخ علاءالدوله سمنانی نوشته‌اند، نتیجه زحمات

۱ - چنان که نیکلسون از خواجه عبدالله انصاری نقل کرده او گفته است: (از دو هزار نفر از مشایخ صوفیه که من می‌شناسم بیش از دو نفرشان شیعه نیستند.) (نگاهی به تصوف و کرامت‌های صوفیان از علامه محمد جواد مغنیه ص ۲۸).

۲ - برای دانستن این موضوع به کتاب ولایت از دیدگاه مرجعیت شیعه رجوع شود.

ریاضات را نمی‌دید. شبی در عالم رؤیا مرادش او را تکلیف کرد که کتاب غزالی را از خود دورسازد چنان کرد به مقصود رسید.

چهارم: به زبان، سروری و ظهور آن حضرت و نفوذ احکام امامتش را واجب نشمرد، بلکه بر جان پذیرای آن باشد.

و چه خوش است قبل از این که مدعی اخلاص شویم، خویش را محک زنیم. بدانیم اگر منکر امام - روحی فداه - به آدمی احسان و مهری داشته باشد به او دل می‌بندیم و مهر خود را صرف او می‌کنیم؟! زیرا همین موجب می‌شود که انسان به لحاظ احسان منکر امام، بقاء عمر و دوستی منکر امام را آرزو کند. که ای وای بر چنین مدعی دوستی!

پنجم: ممکن است به منکر امام، حتی اگر آدمی را مورد احسان قرار دهد توجهی نشود. لکن راضی هم نیست به لحاظ امام، کسی را مورد احسان قرار دهد یا سهم امام - علیه السلام - را که در مال اوست در راه امام مصرف کند؛ به همین لحاظ مورد لعن امام قرار می‌گیرد که فرموده‌اند در توقیع شریف حضرت امام زمان ارواح العالمین فداه است.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَسْتَحَلَّ مِنْ أَمْوَالِنَا دِرْهَمًا حَرَامًا»^۱ یعنی «لعنت و نفرین خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی باد که به مقدار درهمی از مال ما (خمس) را که بر وی حرام است حلال شمرده و بخورد».

ششم: یقین کند اصحاب مهدی «عج» - ارواحنا فدا - کسانی خواهند بود که آن بزرگوار را برای آنچه خدا می‌خواهد خواسته‌اند. خواه به دنیای آنان سودمند باشد یا زیان بخش. در هر حال تابع مشیت الهی هستند. پس اگر او که تمنای دیدار حضرتش را دارد، یا برای رسیدن به حوائج زندگی دست التجاء به سوی آن بزرگوار بلند داشته به مقصود نرسید، مشیت و اراده در حقیقت خیر و صلاح خود را در همان بدانند که تحقق یافته و سهمش قرار داده‌اند.

ادایِ حقِّ آلِ محمد

از جمله ادعیه‌ای که انسان سالک و عاشقِ فارغ از هر کس را به نعمتِ تشریف خدمت حضرت دوست که مولایمان ولی‌العصر و الزمان (عج) است می‌رساند همان دعای شریفی می‌باشد که حضرت امام صادق - سلام الله علیه - دستور داده‌اند:

بعد از نمازها در حالی که دست بر چانه گرفته می‌شود تلاوت گردد و بگوید: «يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلِ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ احْفَظْ غَيْبَةَ مُحَمَّدٍ يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ اِنْتَقِمِ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۱ یعنی «ای پروردگار محمد! فرج آل محمد را زودتر گردان. ای پروردگار محمد! پنهانی محمد را حفظ کن. ای پروردگار محمد! برای دختر محمد انتقام بگیر».

آداب قبل از حرکت

بدون تردید هر سفری به لحاظ مقصود و مقصد دارای آداب و سنن

مخصوص به خود است که اگر به آن توجه نشود، این را ماند، مسافر خراسان بر وسیله نقلیه‌ای نشیند که مقصدش کردستان است.

اول: مسافر باید آنجائی را که می‌خواهد به زیارت حضرت عشق، شاه سریر کائنات، نایب حق نائل آید بشناسد و آوازه این را که دیگران در آن میقات حضور، شرافت تشریف نصیبشان گردیده و به تبار عاشقان دیدار رسیده، که حضرت تجلی اعظم در آن جایگاه نقاب از چهره افکنده‌اند. جسم و جان به آن قبله که کعبه وصال است داشته‌اند مانند مسجد الحرام^۱ در حال طواف^۲ عرفات در محل وقوف^۳ رمی جمرات^۴ که میقات حضور دانسته‌اند.

سرداب: که به سرداب غیبت در سامرا مشهور می‌باشد و عده‌ای از شخصیت‌های برجسته شیعه در آن مکان شرافت دیدار نصیبشان شده‌است.

در احوال مرخوم آیه الله العظمی حاج سید محمد هادی میلانی است که در دوران تحصیل دچار فشار مالی می‌شوند و از ایران به لحاظ اختلافات سیاسی بین دو کشور مسافری نمی‌آمده تا ماهانه ایشان را همراهش کنند در سرداب در عالم واقعه شرفیاب شده مورد لطف قرار می‌گیرد حضرت می‌فرمایند در دولابچه بالای سرتان داخل کاسه‌ای کل بدهکاری شما را گذاشته‌ایم و تا پول برایتان رسد مخارجتان را تأمین کرده، برای ریاست درس نخوانید ما شما را نایب خود قرار دادیم.

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۴۴۰

۲- شیفتگان حضرت مهدی (ع) ص ۲۵۲

۳- که شاهد دعای امام صادق (ع) است اقبال جزء اول ص ۱۳۵ و زادالمعاد ص ۲۷۰

۴- شیفتگان حضرت مهدی (ع) ص ۱۸۶

حرم امام حسین - علیه السلام - به دلیل روایتی که در کامل الزیارات از حضرت صادق - علیه السلام - وارد است. و این که بدون تردید حضرتش از جمله زائران جد بزرگوارشان می باشند.

حرم امام رضا - علیه السلام - به دلیل استنادی که به دعای بعد از نماز بر هر یک از ائمه - علیهم السلام - خوانده می شود^۱.

حرم عسکریین - علیهما السلام - به دلیلی که در زیارت این دو امام وارد می باشد^۲.

حرم امامان - علیهم السلام - به لحاظ این که حضرتش از جمله زائرین اجداد طاهرین خود به شمار می روند^۳.

مقامات منسوب به حضرت

مشاهدی که به جهت اقامت حضرت متبرک شده اند و بعد از آن جهت، مورد توجه مشتاقان حضرت قرار گرفته است، مانند: مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه، مسجد امام حسن مجتبی^۴ و مسجد جمکران در قم که البته شخصیت‌هایی از قبیل علامه محدث حاج شیخ عباس قمی - قدس الله روحه العزیز - برای این اماکن آداب و دستورالعمل‌هایی داده اند.

۱ - کامل الزیارات باب ۷۹ ص ۲۳۸.

۲ - همان ص ۳۱۴.

۳ - همان باب ۱۰۴، ص ۳۱۵.

۴ - مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی (عج) ص ۵۴ و شیفتگان حضرت مهدی (ع) ص ۱۵۶.

دوم: زمان شناسی

وقت دیدار، به این معنا که بداند چه لحظه‌ای حضرت یار بر تخت لطف می‌نشیند و به عنایت بی‌علت عاشق می‌پذیرد. وقتی دانست چه زمانی یار دلارام از پس پرده غیب جمال می‌نماید در همان اوقات بر لب ایوان قصر بلند میقات، یعقوب‌وار به انتظار یوسف حضرت فاطمه - سلام‌الله علیها - می‌نشیند که شبهای چهارشنبه مسجد سهله و جمکران و شبهای جمعه مسجد کوفه را بهترین ایام دیدار حضرت دلدار دانسته‌اند و اما چه ساعتی طالب مشتاق و عاشق شائق، شانس شرفیابی دارد، فرموده‌اند: قبل از غروب تا نیمه شب و به فرموده علامه مقدس اردبیلی یک ساعت به اذان صبح همیشه امام زمان در مسجد خودشان حضور دارند^۱ بهترین اوقات جلوه لطف مظهر حضرت لطیف است.

سوم: نظافت

از جمله ضروریات این سفر است که حتماً می‌باید به آن توجه داشت. زیرا حضرت رسول اکرم - صلوات الله علیه - فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ النَّاسِكَ النَّظِيفَ»^۲ یعنی «همانا خدا عابد پاکیزه را دوست می‌دارد» و مهمتر این که فرموده‌اند داخل بهشت - جنة اللقاء - نمی‌شود مگر شخص پاکیزه «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ»^۳ و این نظافت به طهارت جسم و عصمت درون از هر گونه کژاندیشی نسبت به معارف اسلامی است. و متأسفانه اغلب به این اصل اصیل بی‌توجه می‌باشند، عدم نظافت آنان

۱ - شیفتگان حضرت مهدی (عج) ص ۱۷۶.

۲ - کنز العمال ج ۹ ص ۲۷۷.

۳ - نهج الفصاحه ص ۱۲۲.

موجب می‌گردد، حال توجه که همان حضور قلب است از بعضی گرفته شود.

چهارم: غسل توبه و زیارت

که هر دو از سنت‌های این گونه اسفار است. زیرا شستشویی باید کرد و آنگاه به خرابات خرامید و این که دیدار حضرت حبیب با غسل زیارت، جنبه رسمی به خود می‌گیرد و گویای معرفتِ شخص، به ساحت قدس حضرت ولی الله الاعظم است.

پنجم: وسائل مورد نیاز

این مسلم است آدمی در هر جایگاه به وسائلی مربوط به همان احتیاج دارد تا به وسیله آنها خویش را به مقصد و مقصود رساند. همراه داشتن سجاده، تسبیح که عدد دانه‌های مورد نیاز زائر با وسائلی مشخص شده باشد، کتاب دعا، انگشتر عقیق و فیروزه که در استجابت دعا مؤثرند، از جمله وسائل ضروری این گونه اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه است.

ششم: صدقه

به دو لحاظ می‌باید مورد توجه قرار گیرد: نخست به جهت دفع هر گونه بلیه‌ای که در لوح محفوظ، قرآنِ عمر، محسوب شده است و پرداخت آن بنا بر فرموده رسول خدا «**الْصَّدَقَةُ تَمْنَعُ مَيْتَةَ الشُّوءِ**»^۱ صدقه مرگ بد را منع می‌کند. و هم علی امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرموده‌اند: «**حَصَّنُوا أَنْفُسَكُمْ**

بِالصَّدَقَةِ» یعنی: «نفوس خود را با صدقه دادن بیمه کنید»^۱.

و دیگر به جهت سلامتی وجود اقدس و نازنین امام زمان - روحی فداه - که آدمی را سزاوار عشق و ورزیدن می نماید و سید بن طاووس به فرزندش این سفارش را نموده است^۲.

خلاصه این که رسول اکرم (ص) فرموده اند صدقه وقتی از دست صاحبش بیرون می آید به چهار حرف تکلم می کند:

۱ - فانی بودم، مرا باقی کردی، ۲ - کوچک بودم، بزرگ کردی، ۳ - دشمن بودم، دوست کردی، ۴ - تو حافظ من بودی، مرا حافظ خود کردی.

هفتم: شستشوی باطن

چون با استحمام و غسل، جسم را از هر آلودگی پاک نمودید و عازم میقات حضور شده اید، می باید با استغفار به سحاب رحمتی که برای این ذکر خدا دادی قائل شده اند طهارت کنید و آنگاه به میقات حضور خرامید که اگر باطن و ظاهر آدمی پاک گردد قابل افلاک می شود.

ای وای بر کسانی که جسمهایشان به روی خداست ولی قبله دلهایشان تعلقات نفسانی و شهوانی است! مَثَلِ چنین شخصی مانند کوری می باشد که در دست مشعل نور دارد.

در آستانه حرکت

اگر به آنچه توجه را جلب می کنیم دقت نشود ممکنست مشکلاتی فراهم آید که جز پشیمانی و ندامت نتیجه ای نداشته باشد.

۱ - به صورت وصیت‌نامه‌ای روزانه، حساب دنیائی خویش را مشخص نماید از چه کسی طلب دارد و به چه افرادی بدهکار است و نزد چه اشخاصی امانتی سپرده، که هر کدام از این امور می‌تواند خیر و رحمت یا شر و زحمت همراه آورد.

۲ - از اعضاء منزل که با آنان زندگی می‌کند حلیت طلبد. بخواهد که دعایش کنند؛ زیرا دعای در حق غیر به اجابت قرین است.

۳ - از خدای تعالی یاری و از امام - علیه السلام - همت طلبد تا به او نیروی توفیق عطا فرماید. که اگر چنان کنی و با چنین پشتوانه‌ای حرکت نمائی مسافرت تو به عنایت الهی و مرحمت نایب الحق، تعظیم قدر خدا و امام خواهد بود و از دست پشیمانی می‌رهی.

پس می‌باید توجه داشت که این سفر را از روی هوای نفس و آز نباید آغاز کرد که اگر چنین شود عمر خود را ضایع ساخته، سودی نخواهد برد. زیرا نفس به طمع، پیروی از اهل غفلت نموده است.

آداب بین راه

زمانی که مسافت بین منزل و مقصد طی می‌شود، بسیار حساس است اگر به بطالت سپری گردد؛ در نتیجه سفر و توسل اثر مستقیم می‌گذارد. به همین لحاظ بهتر است به آنچه سفارش می‌کنیم و توجه را جلب می‌نمائیم دقت داشته باشید.

۱ - در حین حرکت به آنچه در بی‌خبری از خدای جل جلاله یا در سهل‌انگاری از طاعت و خدمت او گذرانیده‌اید به خاطر آورید و از کارهایی که باید از آنها توبه شود و نکرده‌اید بی‌درنگ توبه کنید. که اگر چنین نمائید

با مولای جلیل و صاحب مقام بلند خود که نایب الحق است صلح کرده‌ای و در آستان او خاشع و خاضع می‌باشی.

۲ - با یاد حضرت صاحب الامر و العصر و الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - قلب را از یادهای و انوار حضرتش سرشار فرمائید و بدانید این نعمت، ضمیر آدمی را از آلودگی اشتغال به غیر خود - خدای جل جلاله - پاک می‌گرداند.

۳ - اگر در مسیر راه با آبادی برخورد داشتید از کنار گورستان آن دیار عبور می‌کردید حتماً برای مؤمنانی که صورت بر خاک نهاده‌اند حمد و سوره‌ای تلاوت نموده، دعای اهل قبور را بدرقه راه خود سازید و اگر گورستان در مسیر نبود، جهت ارواح مؤمنان آن آبادی فاتحه‌ای بخوانید.

۴ - اگر خوردنی همراه داشتید و مایل بودید مصرف کنید بهتر است به آرامی دور از چشم خلق صرف نمایید. زیرا رسول خدا فرموده‌اند: «مَنْ أَكَلَ وَ ذُوَعَيْنَيْنِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ لَمْ يُؤَاسِهِ ابْتُلِيَ بِدَاءٍ لَادَوَاءَ لَهُ»^۱ یعنی «هر که مشغول خوردن باشد و دو چشم، او را بنگرد و چیزی به صاحب آن چشمها ندهد گرفتار بلائی گردد که درمان پذیر نباشد».

۵ - اگر همسفران نیاز به کمک داشتند بدون این که انتظار بکشید تا آنها تقاضا کنند یا منتی بگذارید با طیب خاطر خدمت را از هر ذکر و وردی مقدم دارید. که موسی - علیه السلام - به جهت خدمت شعیب نبی به طور راه یافت.

۶ - اگر در بین راه به مصیبت زدگانی برخورد داشتید، به آنچه که نیاز دارند همت نموده، مایحتاج آنان را فراهم آورید. ولو ناگزیر باشید دوباره به

وطن بازگشته و از سفر منصور شوید.

۷- اگر در جمع همسفران کسی حضور داشت که مقید به شرع نبود و مصمم بود مثلاً با موسیقی غنائی اوقات خویش را به اتمام رساند با پند و اندرز نصیحتش نمائید و اگر مفید واقع نشد برای حفظ شعائر اسلامی در صورتی که آسیبی نصیبتان نشود، وسیله را ترک کنید.

۸- چون به ارض طیبه قم رسیدید به آداب و شرائطی که برای زیارت حضرت فاطمه معصومه دخت و خواهر و عمه امام بیان داشته‌اند همت نمائید که حضرت رضا - سلام الله علیه - فرموده‌اند: «مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۱ یعنی «هرکسی او را زیارت کند بهشت از آن اوست» و حضرت امام جواد - علیه السلام - نیز فرموده‌اند: «مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲ یعنی «هرکس عمه‌ام را در قم زیارت کند بهشت از آن اوست». خلاصه علاوه بر این که امام صادق - علیه السلام - زیارت نواده خود را هم سنگ بهشت دانسته‌اند^۳ و بهشت را بر زائرش واجب^۴ حضرت رضا - علیه السلام - هم می‌فرمایند: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقُمْ كَمَنْ زَارَنِي»^۵ یعنی «هرکس حضرت معصومه را در قم زیارت کند همانند کسی است که مرا زیارت کرده باشد».

حضرت علی بن موسی الرضا - سلام الله علیهما - به سعد بن سعد احوص، کیفیت زیارت را چنین بیان فرموده‌اند: «هنگامی که به کنار قبر آن حضرت آمدی در نزد بالای سر آن حضرت رو به قبله بایست ۳۴ مرتبه

۱- عیون الاخبار ج ۲ ص ۲۷۱، وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۵۷۶.

۲- کامل الزیارات: ۳۲۴، عوالم ج ۲۱ ص ۳۳۱.

۳- تاریخ قم ص ۲۱۵ بحار الانوار ج ۶۰ ص ۲۱۹.

۴- تاریخ قم ص ۲۱۴ و مستدرک وسائل ج ۱۰ ص ۳۶۸.

۵- ناسخ التواریخ ج ۳ ص ۶۸ ریاحین الشریعه ج ۵ ص ۳۵.

بگو **اللَّهُ أَكْبَرُ**، ۳۳ مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** و ۳۳ مرتبه **الْحَمْدُ لِلَّهِ** و سپس زیارت حضرتش را بخوانید.

و در خاتمه زیارت عرضه بدارید: «**يَا فَاطِمَةُ اشْفَعِي لَنَا عِنْدَ اللَّهِ**» ای فاطمه معصومه در نزد پروردگار برای ما شفاعت کن.

۹ - و چون عده کثیری از مفاخر بزرگان شیعه محدثین آل الرسول و مفسرین و فقهاء امامیه و عالمان خادم آل بیت - علیهم السلام - و مؤمنین در آن ارض اقدس صورت عبودیت بر خاک نهاده‌اند ۱۰۰۰ صلوات و یک تلاوت **یس** هدیه به روحشان نمائید.

۱۰ - سپس عازم حرم مقدسه جمکران شده، در مسیر راه بی عدد عرضه بدارید:

«**السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ**» یا «**السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ**» و یا به صورتهائی دیگر که آموخته دارید.

۱۱ - به هر وسیله‌ای مشرف شده‌اید، در حریم نزدیک حرم کثیر الانوار و فیض آثار جمکران پیاده نشوید، بلکه کمی دورتر وسیله را ترک گوئید تا فیض پیاده رفتن هم نصیبتان شود. که در آداب مشاهد مشرفه به این توجه داده‌اند قدم‌ها را کوتاه و آهسته بردارید و به سلام یا صلوات‌ها مترنم باشید تا به آستانه ملائک پاسبان میقات حضور برسید.

آداب قبل از تشریف

به آنچه به طور اختصار متذکر می‌شویم توجه کامل داشته باشید و حتماً مراعات نمودن آن از وظائفی است که دارای آثار معنوی خاص الخالص خواهد بود.

۱ - بهتر است هرچند وضو باطل هم نگردیده باشد، تجدید شود. زیرا فرموده‌اند:

«الْوُضُو عَلَى الْوُضُو نُورٌ عَلَى نُورٍ».^۱

همانطور که حضرت صادق فرموده‌اند: هرگاه اراده طهارت و وضو کردی (چه مستحب و چه واجب) به طرف آب توجه کن مثل توجه کردن به سوی رحمت الهی^۲ به صافی کردن باطن خویش. در همین لحظات بکوش که کوشش تو ای سالک زائر، در جمیع طاعات و عبادات باید مثل صاف و زلال بودن آب باشد. زیرا حضرت خواجه کائنات محمد مصطفی - صلوات الله علیه و آله - فرموده‌اند: «مثل مؤمن خاص مثل آب است»^۳ اهل معرفت که جام شراب صافی نوشیده‌اند، چون دیده از غیر خدا پوشیده داشته‌ان و به لذائد زودگذر دنیا دل نبسته‌اند، سزاوار خلعت مجرد لاهوتی شده‌اند، لطائفی را بیان فرموده‌اند که از بازگو نمودن آن همه مسائل عالی عرفانی معذوریم لکن آنچه را می‌توان در این جایگاه بیان کرد به طور فشرده و اختصار به قید تحریر در می‌آوریم:

آب را در دهان مضمضه^۴ نمائید، دهان را از آلودگی‌هایی که لذات نفسانی فراهم آورده شستشو دهید تا حلاوت ذکر الهی را بچشید و چون استنشاق - آب در بینی - می‌کنید آن چنان باشد که بینی را از نجاست تکبر و نخوت پاک کرده تا روایح نسیم حدیقه قرب محبوب را استشمام کنید. زیرا:

بینی آن باشد که آن بوئی برد بوی او را جانب کوئی برد

۱ - محجة البيضاء ج ۱ ص ۳۰۱ و من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۶.

۲ - بحار الانوار ج ۱۸ ص ۸۱ مستدرک وسائل ج ۱ ص ۵۱.

۳ - مناهج انوار المعرفه ص ۲۸۹. ۴ - منظور شستن دهان با آب.

به هنگام شستن دستها همان طوری که ظاهراً دستها را می شوئید با طناً دست از غیر الله هم بشوئید که فرموده‌اند: «ما را خواهی ز خویشان دست بشو» که هر گیری را انسان برای نفس خود می طلبد. و آنگاه که مسح سر می کشید، چون مرکز تصمیم‌گیری می باشد، حب غیرالله را از بساط و جود دور کرده و آن موقع که مسح پا می کشید از حرکت در راه غیر خدا ظاهراً و باطناً بیزاری بجوئید و هرگاه چنین وضوئی تحقق پیدا کرد، فرمایش نُورُ عَلٰی نُورِ نَبَوٰی مَصْدَاقِ پیدامی کند و اگر مایل به ادعیه وضو به طور کامل می باشید به آنچه شیخ المحدثین مرحوم قمی -رحمة الله علیه- در مفاتیح بیان فرموده‌اند تأسی جوئید.

۲ - پا و لباس خود را واری نمائید که در طی مسافت راه به وسیله عرق بدن بد بو نشده باشد و بهتر است پا را بعد از وضو شستشو داده، جوراب تمیزی را که همراه برداشته بپوشید.

۳ - با خوشبو کننده‌ای که الکل نداشته باشد، مانند گلاب یا عطر گل محمدی خویش را معطر کنید. زیرا حضرت رسول خدا (ص) فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ»^۱ یعنی «همانا خدا خوشبو است و بوی خوش را دوست می‌دارد و پاکیزه است و دوستدار پاکیزگی می‌باشد».

۴ - انگشتر عقیق و فیروزه که همراه برداشته‌اید در دست کنید که امام رضا - علیه السلام - فرموده‌اند: «هرکس انگشتر عقیق در دست کند حاجات او به بهترین وجه برآورده شود»^۲ و از حضرت صادق - سلام الله علیه - روایت نموده‌اند که رسول خدا (ص) فرموده است: «خدای تعالی گفت من

شرم دارم از بنده‌ای که بر آورد دست خود را به دعا و در آن انگشتی فیروزه باشد من او را نومید کنم»^۱ اگر در ذهنی به تحریک شیطان، جولانی دیده شود که چه سنخیت بین عقیق و فیروزه با این فضیلت‌هاست می‌گوئیم همان رابطه‌ای که مثلاً فرموده‌اند اگر زنا زیاد شود مرگ ناگهانی زیاد خواهد شد و نظیر این گونه روایات که حقیقتِ اسرار آن نزد ولی خداست و چون ما را به آن حریم راهی نیست از آن بی‌خبریم وقتی به حریم دوستی خدا رسیدیم و از اولیاء الله - دوستان خدا - شدیم به آنچه نمی‌دانیم ملهم می‌گردیم.

۵ - اذن دخول خوانده، بدون این که برای زائری زحمت باشد وارد بر آستانه کفش داری شوید، با آرامی و مراعات حقوق آنان که تقدم داشته‌اند کفش‌های خویش را تحویل دهید و اگر از کفش‌هایتان، بوی بد استشمام می‌شود، بهتر است در کیسه‌ای قرار داده به کفشدار سپرده تا بوی کفش شما فضا را متغیر نکند.

زائران عزیز بدانند مراعات این گونه مسائل حال افراد را در آستانه ورود بر هر حرم مقدسه‌ای یا مساجد و تکایا و حسینیه‌ها و دارالذکرها و... متغیر نمی‌سازد که در شروع به زیارت یا عبادت یا عزاداری با حال گرفته مواجه شوند و علاوه به اعتبار «النَّظَافَةُ تَدْعُو إِلَى الْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ مَعَ صَاحِبِهِ فِي الْجَنَّةِ»^۲ یعنی «نظافت باعث ایمان است و ایمان با صاحب خود در بهشت است» چنین شخصی سزاوار بهشت می‌شود و کدام رضوانی از توجه امام - علیه السلام - که آرزوی مسافر عشق است مهمتر خواهد بود.

آداب تشرّف به حرم

طریق عشق جز آداب نیست. پس بی ادب که محروم می ماند از لطف حق، آداب صراط عشق را مراعات ننموده است. و ما سعی داریم آنچه می تواند گویای این آداب باشد به قید تحریر درآوریم. البته قابل تذکر است، گذشت زمان به آنچه دیروز از آداب و سنن فراهم آورده اند می افزاید. برای نمونه آن روز که غذا با دست صرف می شد و امروز که برای غذا قاشق و چنگال فراهم آمده است، آدابی بر آدابی افزون نیاز دارد. زمانی هم تشرّف به حرمی که انگشت شماری زائر داشته و امروز انبوهی از عاشقان، عاکفان آنند، مسلماً توجه بیشتری در حقیقت آداب افزون بر آن روزگار را می طلبد که باید حتماً مورد توجه قرار داده عامل بود.

۱ - زائری که می خواهد ساعتها در حرمی خلوت داشته باشد، مثلاً حرم جمکران بهتر است در آستانه، در صورتی که رفت و آمد را مزاحمت نشود بایستد، سریعاً جایی را برای خود انتخاب نماید که این از سرگردانی ساعتها بین زائران مانع می شود و عبور از میان جمعیتی که هر کدام به اعمالی مانند نماز و تلاوت قرآن و ذکر و دعا اشتغال دارند علاوه بر این که به سختی صورت می گیرد موجب در هم ریختن حضور قلب معتکفان خواهد شد و چه بسا زائری که به زحمت به جمعیت خاطر رسیده است و ما او را از آن حال خارج می کنیم.

۲ - حتی المقدور در صورتی که برای زائران ملتجی معتکف زحمتی نباشد می باید سعی کرد در حریم اولیه مسجد قبل از وسعت دادن اعتکاف نمود و اگر دست یافتن به چنین سعادت نصیب نشد به هر کجا که نشینند زیر جلوه قدسی حضرت محبوب قرار گرفته فیض باران می شود.

۳ - تا رسیدن به جائی که زیر نظر گرفته است چون ناگزیر می‌بایست از میان جمعیت زائران عبور کند، مسیری را برای رسیدن به مکان مورد توجه انتخاب نماید که کمتر به نماز اشتغال دارند و به هنگام قدم برداشتن و گذاشتن، به مَهر نماز و قرآن و کتب ادعیه‌ای که در مسیر قرار گرفته‌اند دقت نظر داشته باشد. چه بسا دیده شده بر قرآن یا کتب ادعیه قدم گذاشته‌اند یا مَهر شخصی را که مشغول نماز بوده است با قدم به سوئی پرتاب کرده‌اند.

۴ - دیده‌اید که در اغلب مشاهد مشرفه و اماکن متبرکه جایگاه‌های مخصوصی به شرافتی انحصاری وجود دارد، مثلاً در مسجد الحرام زیر ناودان و مقام حضرت ابراهیم - علی نبینا و علیه السلام - یا در محل میقات مثلاً مسجد شجره یا بین محراب و منبر حرم حضرت رسول اکرم، یا بالای سر ائمه طاهرین و پائین پای آن ذوات مقدسه و خلاصه در حرم منور به انوار قدسی جمکران حدود سابق مسجد و محراب جلب توجه نموده، همه زائران آرزوی اقامت آن را دارند و دیده شده است گروهی بدون این که توجه به غیر خود داشته باشند کوشیده‌اند به آن محیط وارد شده، سپس فراموش می‌کنند که دیگران هم حق و حقوقی دارند. مثلاً حقیر متوجه بوده‌ام در محراب جمکران نماز صد ایاک نعبد و ایاک نستعین را اقامه کرده‌اند.

مسلم است جز تعداد انگشت شماری موفق نمی‌شوند که از اقامت در محراب یا بالای سر امامان و زیر ناودان مسجد الحرام یا پشت مقام ابراهیم فیض برند.

پس بهتر است زائر به دو رکعت نمازی ولو به نیت حاجت باشد خویش

را متبرک و رحمت باران نموده جایش را به دیگران سپارد.
در غیر این صورت نسبت به حقوق برادران و خواهران ایمانی خود
تجاوز نموده، زمینه سر و صدا را، آن هم در مکانی که خاموشی می‌طلبد
فراهم آورده است.

اعمال فردی

آنگاه که زائر جایگاهی را برای جلوس انتخاب کرد و به آنجا رسید،
سجاده‌ای را که همراه برداشته است، بدون این که برای زائری زحمت
شود، گسترده بر آن قرار گیرد سپس ۲۵ یا ۴۱ یا ۷۰ یا ۷۷ یا ۴۰۰ مرتبه
استغفار کند که سیره ختمی مرتبت - صلوات الله علیه - بر آن بوده است به
هر کجا نزول اجلال می‌نمودند، بیست و پنج مرتبه استغفار می‌فرمودند.

نماز تحیت: سپس دو رکعت نماز تحیتی که حضرت صاحب الامر
تعلیم داده‌اند اقامه کنند.

صلوات

بعد از نماز تحیت به چند جهت در این مقطع به صلوات مترنم باشیم:
الف: فرستادن صلوات انسان را شبیه به ملائکه می‌نماید و بنابر
فرموده «من تشبه به قوم فهو منهم»^۱ از رحمتی که ملائکه در آن مستغرق
می‌باشند به او نیز سهمی می‌رسد.

ب: انسان با رتبه و مقام صلوات به مقام خلیلی می‌رسد. چنان که

ابراهیم (ع) به برکت صلوات به مقام خلیلی نائل آمد.^۱

ج: هر انسانی که مشتاقِ سعادت قرب الهی است، صلوات می فرستد. چنان که خدای تعالی به موسی خطاب فرمود: می خواهی من به تو نزدیک تر باشم از کلام تو به زبان تو و از دیدن تو به چشم تو و از روح تو به بدن تو و از اندیشه تو به دل تو، به حبیب من محمد مصطفی صلوات بسیار فرست.^۲

د: صلوات، موجب پاکیزه شدن عملهاست.^۳

ه: صلوات، ابلیس لعین دشمن دیرین آدمی زاده را ذلیل و خوار می نماید.^۴

و: این که به اعتبار فرموده امام رضا - علیه السلام - صلوات فرستادن نزد خدا معادل با تسبیح و تهلیل و تکبیر است.^۵

ز: به فرموده علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - صلوات فرستادن در محو کردن گناهان شدیدتر از فرو نشاندن آب آتش راست.^۶

ح: با صلوات، رحمت دریافت خواهد شد.^۷

ط: قبل از اشتغال به ذکر فردی و جمعی صلوات بفرستید.^۸

ی: هنگام عبور از کنار مساجد و ورود و خروج از آن.^۹

ک: در هر شب و روز فرستنده صلوات مورد شفاعت رسول خدا قرار

- ۱ - علل الشرایع ص ۳۴. ۲ - هدیه خدا تألیف اینجانب ص ۱۸.
 ۳ - امالی طوسی ج ۱ ص ۲۱۹. ۴ - شرح و فضائل صلوات ص ۱۱۴.
 ۵ - امالی صدوق ۴۵ عیون الاخبار ج ۱ ص ۲۹۴ جامع الاخبار ص ۶۸.
 ۶ - ثواب الاعمال ص ۱۸۴ - ۱۸۵. ۷ - بحار الانوار ج ۹۴ ص ۴۸.
 ۸ - تفسیر روح البیان ج ۷ ص ۲۳۰.
 ۹ - جلاء الافهام ص ۴۷۶ و احقاق الحق ج ۹ ص ۶۲۲.

می‌گیرد^۱ و گناهان آن روز و آن شب او آمرزیده می‌شود.^۲

ل: پیش از شروع در دعا کردن^۳ و بعد از دعا^۴ صلوات فرستادن را سفارش کرده‌اند و برای این که بهترین وجه صلوات را انتخاب کرده باشیم و به تمامی ذوات مقدسه عرض نموده: مستفیض بل مست فیض شویم صلواتی را که حضرت امام هادی - علیه السلام - بیان فرموده‌اند و در مفاتیح الجنان تحت عنوان «صلوات بر حجج طاهره» - علیهم السلام - وارد است، یک بار می‌خوانیم.

صلوات بر پیغمبر - صلی الله علیه و آله -

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحْيَكَ وَ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَلَالَكَ وَ حَرَّمَ حَرَامَكَ وَ عَلَّمَ كِتَابِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ دَعَا إِلَى دِينِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَ أَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَ سَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَ فَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّفَاءَ وَ كَشَفْتَ بِهِ الْغَمَاءَ وَ أَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَ نَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَ قَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَ أَهْلَكْتَ بِهِ الْفَرَاغَةَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أضعَفْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ وَ أَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَ كَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَ رَحِمْتَ بِهِ الْأَنَامَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَ أَعَزَّزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ وَ تَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَ عَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا.

۲ - بحار الانوار ص ۹۴ ص ۷

۱ - جامع الاخبار ص ۶۹

۳ - سنن ترمذی ج ۲ ص ۵۳ و سنن نسائی ج ۳ ص ۴۵

۴ - اصول کافی ج ۴ ص ۲۵۲

صلوات بر امیرالمؤمنین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَصَفِيهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدِعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالِدَّاعِي إِلَى شَرِيْعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَمُفْرَجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكُفْرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجْرَةِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

صلوات بر سیده نسوان فاطمه علیها السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَ أُمِّ أَحِبَّائِكَ وَأَوْصِيَاءِكَ الَّتِي أَنْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنْ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ الثَّائِرَ اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أُمَّةِ الْهُدَى وَجَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمَّهَا صَلَوةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقَرِّبُهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَأَبْلُغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ.

صلوات بر حسن و حسین علیهما السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطَيْ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ

الْوَصِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ مَظْلُومًا وَ
 مَضَيْتَ شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ
 بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَيِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ قَبِيلِ الْكُفْرَةِ وَ طَرِيحِ الْفَجْرَةِ السَّلَامِ
 عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بْنَ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ مُوقِنًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَ مَضَيْتَ
 شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَارِكَ وَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ
 التَّيْيِيدِ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَ إِظْهَارِ دَعْوَتِكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ
 جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
 قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَلْبَثَ عَلَيْكَ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ
 تَعَالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ وَ اسْتَحَلَّ دَمَكَ يَا بَنِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا
 عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَ اعْيَتَكَ فَلَمْ
 يُجِيبِكَ وَ لَمْ يَنْصُرِكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَا نِسَائِكَ أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ مِمَّنْ
 وَ الْأَهْمُ وَ مَا لَاهُمْ وَ أَعَانَهُمْ عَلَيْهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ الْأَيْمَّةَ مِنْ وَ لَدَيْكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى
 وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ
 مُؤْمِنٌ وَ بِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَايعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ
 عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي.

صلوات بر على بن الحسين عليهما السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيِ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ
 جَعَلْتَ مِنْهُ أَيْمَةَ الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ
 طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ اصْطَفَيْتَهُ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًا اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ حَتَّى تَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

صلوات بر محمد بن علي عليهما السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَ إِمَامِ الْهُدَى وَ قَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى وَ
الْمُنْتَجَبِ مِنْ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ عَلَمًا لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا لِبِلَادِكَ وَ
مُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِكَ وَ مُتَرَجِّمًا لَوْحِيكَ وَ أَمْرًا بِطَاعَتِهِ وَ حَذْرًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ
فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ
رُسُلِكَ وَ أَمَنَّاكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ.

صلوات بر جعفر بن محمد عليهما السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ
النُّورِ الْمُبِينِ اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَ وَحْيِكَ وَ خَازِنَ عِلْمِكَ وَ
لِسَانَ تَوْحِيدِكَ وَ وَليَّ أَمْرِكَ وَ مُسْتَحْفِظَ دِينِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَ حُجَجِكَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

صلوات بر موسى بن جعفر عليهما السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَرِّ الْوَفِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ
النُّورِ الْمُبِينِ الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فِيكَ اللَّهُمَّ وَ كَمَا بَلَغَ عَنْ
أَبَائِهِ مَا اسْتُوْدِعَ مِنْ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ وَ حَمَلَ عَلَى الْمَحْجَّةِ وَ كَابَدَ أَهْلَ الْعِزَّةِ وَ
الشِّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ جُهَالِ قَوْمِهِ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَ أَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى
أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَكَ وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

صلوات بر علي بن موسى عليهما السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضَيْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ وَقَائِمًا بِأَمْرِكَ وَنَاصِرًا لِدِينِكَ وَشَاهِدًا عَلَى عِبَادِكَ وَكَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

صلوات بر محمد بن علي بن موسى عليهما السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عِلْمِ التَّقَى نُورِ الْهُدَى وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ وَفَرْعِ الْأَزْكَيَاءِ وَخَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَآمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ وَأَرْشَدْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ وَأَرْشَدْتَ بِهِ مِنْ اهْتَدَى وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكَّى فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَبَقِيَّةِ أَوْصِيَائِكَ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

صلوات بر علي بن محمد عليهما السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ وَإِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ وَخَلْفِ أَيْمَةِ الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشِّرْ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَأَنْذِرْ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ وَحَذِّرْ بِأَسْكَ وَذَكَّرْ بِبَيَاتِكَ وَآحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَبَيَّنَّ شَرَائِعَكَ وَفَرَايِضَكَ وَحَضَّ عَلَى عِبَادَتِكَ وَآمَرَ بِطَاعَتِكَ وَنَهَى عَنِ مَعْصِيَتِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

صلوات بر حسن بن علی بن محمد علیهم السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَرِّ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ النُّورِ
الْمُضِيِّءِ خَازِنِ عِلْمِكَ وَالْمَذْكُورِ بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَخَلْفِ أُمَّةِ الدِّينِ
الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ
عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَحُجَجِكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

صلوات بر ولی الامر المنتظر علیه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ
وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَ
أَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَةَ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ
كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَ
عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعْهُ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ
رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ اخْذُلْ
خَاذِلِيهِ وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ
الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَأَمْلَاءِ بِه
الْأَرْضِ عَدْلًا وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَالِإِلَهَ السَّلَامُ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ
أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي
عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

تجدید بیعت با حضرت

به نص صریح قرآن بیعت با پیامبر اکرم بیعت با خداست^۱ و بیعت با

امام بیعت با خدا و پیامبر می‌باشد. خدا از مؤمنین آنگاه راضی شد که با رسول اکرم (ص) بیعت کردند^۱ و به استناد روایات وارده مؤمنانی بعد از ختمی مرتبت به هلاکت مبتلا نشدند که با امامان عصر خویش بیعت نمودند. زیرا امام صادق - سلام الله علیه - فرموده‌اند: «إِنَّ وِلَايَتَنَا وِلَايَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^۲ یعنی «همانا ولایت ما ولایت خدای عز و جل است».

زائری که وصال یارِ دلارام را می‌طلبد قبل از آن که ظهور تحقق یابد و نعمت دیدار نصیب شود در میان رکن و مقام به امر تازه با حضرت ولی عصر بیعت کند^۳ برای آن که اعمالش پذیرفته شود قلباً با امام عصر خویش بیعت می‌نماید. زیرا حضرت علی بن موسی الرضا - سلام الله علیهما - فرموده‌اند: «لَا تَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا لِعَبْدٍ إِلَّا بِوِلَايَتِنَا»^۴ یعنی «خدا هیچ عملی را از بنده نمی‌پذیرد مگر به ولایت ما».

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: به امام باقر - علیه السلام - عرض کردم فدایت شوم، شخصی روز روزه دار و شب به عبادت می‌گذراند، صدقه هم می‌دهد و جز خیر و خوبی از او نمی‌دانم جز آن که اقرار به ولایت شما ندارد؟ می‌گوید، امام تبسم کرد و فرمود: «يَا ثَابِتُ أَنَا فِي أَفْضَلِ بُقْعَةٍ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ» ای ثابت من در برترین مکانهای زمین هستم، «لَوْ أَنَّ عَبْدًا لَمْ يَزَلْ سَاجِدًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ حَتَّى يُفَارِقَ الدُّنْيَا وَ لَمْ يَعْرِفْ وِلَايَتَنَا لَمْ يَنْفَعَهُ ذَلِكَ شَيْئًا» اگر بنده‌ای همیشه در میان رکن و مقام باشد تا پایان عمر که از دنیا برود ولی ولایت ما را نشناسد این عبادت سودی به حال او ندارد.^۵

۱ - فتح: ۱۸.

۲ - مستدرک وسائل: ج ۱۰ ص ۲۱۲.

۳ - غیبت نعمانی ص: ۱۷۵.

۴ - جامع احادیث الشیعه ج ۱ ص ۴۲۴.

۵ - جامع احادیث الشیعه ج ۱ ص ۴۲۷.

ولی مهم اینست که می باید در زمان غیبت به چه چیزی تجدید بیعت نمود، با استفاده از فرمایش امام باقر - علیه السلام - که فرموده اند: «ده عمل است که اگر کسی با آنها خدا را ملاقات نماید به بهشت وارد شود: شهادت دادن بر یکتائی خداوند و شهادت بر رسالت حضرت محمد و اقرار به احکام و دستوراتی که رسول خدا آورده است و برپا داشتن و اقامه نماز و پرداخت زکوة مال و روزه ماه مبارک رمضان و زیارت حج «وَالْوَلَايَةُ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ»^۱ پس تجدید بیعت می نماید او که احکام از واجبات و مستحبات را نصب العین قرار داده و از محرّمات دوری می نماید، ولایت را قبول داشته، پیروی از اولیاء خداوند می کند و از دشمنان خدا که دشمنان رسول اکرم و امامان هستند بیزاری و برائت می جوید. که تنها به این سبب اعمال پذیرفته می شود و مسلمان مستحق بهشت می گردد و مسلماً این بهشت قبل از قیام قیامت، زیارت ولی عصر - ارواحنا فدا - و در یوم النشور که قیامت قائم می شود ظهور حقیقت محمد و آل طاهرین - صلوات الله علیهم اجمعین - می باشد. چنان که خواجه کائنات - صلوات الله علیه و آله - فرموده اند: «ملازم مؤدت ما اهل بیت باشید. زیرا کسی که خدا را در روز قیامت ملاقات کند و دوستدار ما باشد به سبب ولایت ما وارد بهشت می شود. قسم به آن کس که جانم در دست او است عمل هیچ بنده ای به حال او سود ندهد مگر به شناختن حق ما»^۲.

وقتی کار زائر در اعتقاد به امامان، خاصه ولی عصر - روحی فدا - به

۱ - یعنی «و ولایت و پیروی از اولیاء خداوند و بیزاری از دشمنان خدا» (مستدرک وسائل ج ۱ ص

۲ - جامع احادیث الشیعه ج ۱ ص ۴۲۸.

اینجا رسید تمام خیرها برای او فراهم می آید زیرا ابی ورام می گوید رسول خدا فرموده اند: «مَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَةِ أَهْلِ بَيْتِي وَوَلَايَتِهِمْ فَقَدْ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ»^۱ یعنی «هرکس را که خدا به وسیله شناخت اهل بیت من و ولایت ایشان منت گذارده باشد محققاً تمام خیرها را برای او جمع کرده است».

به برکت این شرافت فیض ها نصیبش می شود.

اول: باید یقین داشته باشد اگر در چنین موقعیتی از گناهان توبه کند پذیرفته می شود. زیرا علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین - سلام الله علیهما - به اصبع بن نباته فرموده اند: «إِنَّ وَاوِلَنَا يُغْفَرُ لَهُ وَ لَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الذُّنُوبِ مِثْلُ زَبَدِ الْبَحْرِ وَ عَدَدِ الرَّمْلِ»^۲ یعنی «همانا دوست ما آمرزیده می شود و اگر چه گناهانش هم چون کف های دریا و یا شماره ریگها باشد».

دوم: روایتی است که از امام سجاد علی بن الحسین - علیه السلام - وارد می باشد، فرموده اند: «مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَوَلَايَتَنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَا اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلَ شَهِدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ»^۳ یعنی هرکس در غیبت قائم ما (ع) بر ولایت ما ثابت ماند، خدا اجر هزار شهید، مانند شهیدان بدر و احد را به او اعطا فرماید».

و بهتر است برای تجدید بیعت این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَيْثُمْ وَ مَيَّتِهِمْ وَ عَنْ وَالِدَيْ وَ وُلْدِي وَ عَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مِدَادَ

۱ - بشارة المصطفى لشيعة المرتضى ص ۱۷۶.

۲ - مستدرک سفينة البحار ج ۱۰ ص ۴۴۶. ۳ - مستدرک السفينة ج ۱۰ ص ۴۴۷.

كَلِمَاتِهِ وَ مُنْتَهَى رِضَاهُ وَ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ
 لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً فِي رَقَبَتِي اللَّهُمَّ كَمَا
 شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ وَ فَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ وَ خَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النَّعْمَةِ
 فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ اجْعَلْنِي مِّنْ أَنْصَارِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ
 الذَّابِينَ عَنْهُ وَ اجْعَلْنِي مِّنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي الصَّفِّ
 الَّذِي نَعَتَ أَهْلُهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ: صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانُ مَرْضُوضٍ عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَ
 طَاعَةِ رَسُولِكَ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ.

ترجمه: پروردگارا! بر آقای ما حضرت صاحب الزمان - صلوات الله
 عليه - درود و تحیت فرست از تمام مرد و زن اهل ایمان که در مشرق و
 مغربهای عالمند و در برّ و بحر و کوه و بیابان جهانند و از همه زندگان و
 مردگان و از جانب پدر و مادر و فرزندان من تحیتی و درودی فرست که به
 وزن عرش (با عظمت) خدا و به مقدار مداد کلمات (وجودی نوری) خدا
 باشد و به منتهای خشنودی و رضای او و به عدد آنچه در کتاب (آفرینش)
 او به شمار آمده و علم او احاطه بر آن کرده. پروردگارا! من باز تجدید
 می کنم (امروز) عهد و عقد بیعتی را که از آن حضرت بر گردن جان من
 است. پروردگارا! چنانچه مرا به این شرافت (زیارتش) سرافراز فرمودی و به
 این فضیلت گزافی داشتی و به این نعمت بزرگم اختصاص دادی، پس
 پروردگارا! درود فرست بر مولای من و آقای من حضرت صاحب الزمان و
 مرا هم از یاران آن بزرگوار و پیروان مدافعین و نصرت کنندگان قرار ده و از
 آنان که در رکاب حضرتش به درجه رفیع شهادت می رسند با کمال شوق و
 بی هیچ گونه کراهت بگردان در آن صف لشکر آن بزرگوار که در کتاب مجید

خود اهل آن صف را مدح و توصیف کردی که فرمودی در قرآن آنها صفی باشند که در راه اطاعت تو و اطاعت رسول تو و اهل بیت پیغمبرت (ع) گویی در استقامت به مانند سد آهن ایستاده‌اند. پروردگارا! این بیعت و عهد در گردن جان من تا قیامت از او خواهد بود.

زیارت حضرت

بهترین اعمال شخصی پس از تجدید بیعت با حضرت اینست که از جای بلند شود، در حال ایستاده، خاضعانه و خاشعانه حضرتش به زیارتهائی که وارد است زیارت نماید.

و ما زیارتی را که حضرتش به افتخار محمد حمیری در پاسخ مسائلی فرموده‌اند^۱ بیان می‌داریم که کلید سعادت دو جهانست و گشاینده هر مشکل.

زیارت آل یاسین

حضرت بقیة الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء -

فرمودند:

«هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند تعالی و ما توجه کنید

این جملات را بگویید:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسٍّ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّنِي آيَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ

نَهَارِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلِمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرَ مَكْذُوبٍ.»

«سلام بر آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم). سلام بر تو ای دعوت کننده خلق به سوی خدا و تربیت یافته نشانه هایش. سلام بر تو ای باب رحمت خدا و فرمانروای دینش. سلام بر تو ای جانشین خدا و یاور حقش. سلام بر تو ای حجت خدا و نشان اراده اش. سلام بر تو ای همتای کتاب خدا و بازگوینده آن. سلام بر تو در همه لحظه های شب و روزت. سلام بر تو ای باقی نگهداشته خدا در زمین. سلام بر تو ای پرچم و نشانه افراشته و دانش ریزان و ای فریادرس و رحمت گسترده و ای وعده بی دروغ.»

«السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنَتُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَبِّحُ وَتُمْسِي. السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.»

«سلام بر تو هنگامی که به پا می خیزی. سلام بر تو هنگامی که می نشینی. سلام بر تو هنگامی که می خوانی و بیان می کنی. سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده می کنی. سلام بر تو هنگامی که تهلیل و تکبیر می گوئی. سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می کنی. سلام بر تو هنگامی که صبح و شام می نمائی. سلام بر تو در شب آنگاه که تاریکی اش

فراگیر شود و در روز آنگاه که روشنائی اش آشکار گردد. سلام بر تو ای پیشوای امانتدار. سلام بر تو ای پیشرو آرزو شده. سلام بر تو، سلامهای همه جانبه».

«أَشْهَدُكَ - يَا مَوْلَايَ - أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ. وَأَشْهَدُكَ - يَا مَوْلَايَ - أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَجَعْفَرَ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ.»

«ای مولایم! ترا گواه می گیرم به این که شهادت می دهم معبودی جز خداوند نیست؛ او یکتا است و شریکی ندارد و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده اوست و محبوبی جز او و اهلش نیست. و تو را گواه می گیرم - ای مولایم - که علی امیر مؤمنان حجت خداست و حسن حجت اوست و حسین حجت اوست و علی بن الحسین حجت اوست و محمد بن علی حجت اوست و جعفر بن محمد حجت اوست و موسی بن جعفر حجت اوست و علی بن موسی حجت اوست و محمد بن علی حجت اوست و علی بن محمد حجت اوست و حسن بن علی حجت اوست و شهادت می دهم که تو حجت خدایی».

«أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا» يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا. وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا

و نَكِيرًا حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ الْحَشْرَ حَقٌّ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعْدَ بِهِمَا حَقٌّ.»

«شما اول و آخر هستید. و اینکه رجعت و بازگشت شما (به دنیا) حقیقت دارد و تردیدی در آن نیست و این بازگشت در روزی است که گرویدن کسی که از پیش ایمان نیاورده یا خیری را در ایمانش کسب نکرده سودی نخواهد داشت. و شهادت می‌دهم که مرگ حق است و (آمدن دو فرشته) ناکر و نکیر حق است و از نوزنده شدن حق است و برانگیخته شدن حق است و صراط حق است و کمینگاه حق است و میزان حق است و گرد آوردن (خلایق) حق است و حساب حق است و بهشت و آتش حق است و وعده و تهدید به آن دو حق است.»

«يا مَوْلَايَ، شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ. فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مَنْ عَدُوٌّكَ. فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَفَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَ حَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ - أَوْلَكُمْ وَ أَخْرِكُمْ وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ.»

«ای مولایم! آنکه با شما مخالفت کرد بدبخت شد و آنکه شما را اطاعت نمود سعادت‌مند گشت. پس گواه باش بر آنچه ترا شاهد گرفتم و من دوست تو و از دشمنت بیزار هستم. حق همان است که شما از آن خرسندید و باطل آن است که شما از آن ناخرسند باشید و معروف و خوبی آن است که شما به آن فرمان دادید و منکر و زشتی آن است که شما از آن بازداشتید.»

جان و روانم مؤمن است به خداوند یکتای بی شریک و به رسولش و امیرمؤمنان و به شما. ای مولایم! به اولین و آخرینتان. آماده یاری شمایم و محبتم خالصانه برای شماست. آمین آمین».

دعا برای حضرت

هر چند از جمله وظائف روزانه است که می باید بدان کسب افتخار و فیض و عنایت و برکت نمود، ولی پس از زیارت دعا به وجود نازنین ولی نعمت کائنات بهترین آداب در این موضع می باشد.

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَعَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَلسَانِكَ الْمُعْتَبِرِ
عَنْكَ النَّاطِقِ بِحُكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ
الْحَجَّاجِ الْمُجَاهِدِ الْعَائِدِ بِكَ الْعَابِدِ عِنْدَكَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ
وَبَرَاتٍ وَأَنْشَاتٍ وَصَوْرَتٍ وَأَحْفَظْهُ مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ
شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَ
أَحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَأَبَاكَ أَيْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي
لَا تَضِيعُ وَفِي جَوَارِكِ الَّذِي لَا يُخْفَرُ وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ وَ
أَمْنِهِ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ أَمَّنْتَهُ بِهِ وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا
يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقُوَّةِ بِقُوَّتِكَ
وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَوَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ وَالْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ
وَخَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ حَفًّا اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ
وَأظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَ
قُوَّةِ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَادِلِيهِ وَدَمْدِمِ مَنْ نَصَبَ لَهُ دَمِيرًا مِنْ غَشَّةٍ وَاقْتُلْ بِهِ

جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عَمَدَهُ وَ دَعَائِمَهُ وَ اقْصِمَ بِهِ رُؤُسَ الضَّلَالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ وَ
 مُمَيَّتَةَ الشُّنَّةِ وَ مُقَوِّيةَ الْبَاطِلِ وَ ذَلَّلَ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ أَبْرَبَهُ الْكَافِرِينَ وَ جَمِيعَ
 الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا حَتَّى
 لَا تَدَعُ مِنْهُمْ دِيَارًا وَ لَا تُبْقَى لَهُمْ آثَارًا اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ
 عِبَادَكَ وَ اعزِّبْهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَ بَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ
 حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا مَحْضًا صَاحِحًا لَا عِوَجَ فِيهِ وَ لَا
 بِدْعَةَ مَعَهُ وَ حَتَّى تُبَيِّرَ بَعْدَ لِهَ ظُلْمِ الْجَوْرِ وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ وَ تُوضِحَ بِهِ
 مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ
 وَ اصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ
 الرَّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ
 الطَّامَّةِ أَنَّهُ لَمْ يَذَنْبْ ذَنْبًا وَ لَا آتَى حُوبًا وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يُضَيِّعْ لَكَ
 طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً وَ أَنَّهُ
 الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّهْرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ
 أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ وَ تَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَ
 تَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا قَرِيبًا وَ بَعِيدًا وَ عَزِيزًا وَ ذَلِيلًا حَتَّى تُجْرِيَ
 حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ تَغْلِبَ بِحَقِّهِ (عَلَى) كُلِّ بَاطِلٍ اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى
 يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَ الْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَ الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا
 الْغَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّالِي وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ تَبَتَّنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ ائْمَنَّا عَلَيْنَا
 بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ
 بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّيةَ سُلْطَانِهِ
 اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ وَ رِيَاءٍ وَ سُمْعَةٍ حَتَّى لَا
 نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى نُحِلَّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلْنَا فِي

الْجَنَّةِ مَعَهُ وَاعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ
وَ تُعَزُّ بِهِ نَصْرَ وَبَيْتِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ
اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ
وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ أُمُورَهُمْ وَ زِدْ فِي أَجَالِهِمْ وَ اعِزَّنَا نَصْرَهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا
أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَ ثَبِّتْ دَعَائِمَهُمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَ عَلَى
دِينِكَ أَنْصَارًا فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُرَانُ عِلْمِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ
دَعَائِمُ دِينِكَ وَ وُلَاةُ أَمْرِكَ وَ خَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ وَ صَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ
أَوْلِيَاؤُكَ وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَائِكَ وَ صَفْوَةُ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ
رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

دعا برای فرج

همانطور که انتظار فرج را افضل عبادات مؤمن^۱ یا شیعه^۲ که همان
مؤمن واقعی اسلام است دانسته‌اند و منتظران حضرتش را هم شأن
کسانی شمرده‌اند که با آن بزرگوار در خیمه مخصوص قرار گرفته‌اند و
درباره منتظر فرمانبردار از حضرت صاحب الزمان، امام صادق فرموده‌اند:
«طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ بِظُهُورِ غَيْبَةِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ
أَوْلِيَاؤُكَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ الَّذِينَ لِأَخْوَفِ عَلَيْهِمْ وَ لَهُمْ يَحْزَنُونَ»^۳ یعنی «خوشا
حال شیعیان قائم ما که انتظار ظهور او را در غیبتش دارند و فرمانبردار او
در ظهورش باشند! آنان اولیاء خداوند که هیچ ترس برای آنان نیست و
اندوهناک نیستند».

۱ - مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله - ارواحنا له الفداء - : ص ۲۰۴.

۲ - البته او که به امامت امامان دوازده‌گانه طرح شده در غدیر اعتقاد دارد شیعه و مؤمن می‌باشد.

۳ - یوم الخلاص: ص ۲۴۵.

ولی با این همه شرافت که در غیبت برای منتظران بیان گردیده، باز بهتر آنست بل وظیفه است که برای ظهورش دعا نمود. زیرا به اعتبار «إِنْتَظَارَ الْفَرَجِ مِنَ الْفَرَجِ»^۱ که علی بن موسی الرضا - علیه السلام - فرموده‌اند: «انتظار فرج، فرج است» دعا برای فرج هم فرج است. پس خواندن دعائی را که ذیلاً نقل می‌کنیم و مشهورترین آنهاست در قنوت و تعقیبات و آداب تشریف به جمکران یا سایر مقامات سیره خود قرار دهیم.

اللَّهُمَّ كُنْ لِيَوْمِكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لِيَا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

این مسکین از نزدیک که با بزرگان فقهاء امامیه ساعت‌ها و روزها زندگی داشته‌ام، ناظر بوده‌ام نه تنها در قنوت نمازها این دعا را می‌خواندند بلکه در خلوات خویش به این کلمات مترنم بودند، زمزمه می‌کردند و اشک می‌ریختند پس با تبعیت از نواب عامه حضرت وجه الله - ارواحنا فداه - ما نیز خوشی خلوات خویش را با این کلمات مقدسه معطر و منور نمائیم.

تسبیح حضرت قائم

اگر زمان تشریف به آستان بوسی حرم جمکران مطابق با هجدهم هر ماه تا آخر آن گردید، تأسی به تسبیح حضرتش از جمله سعادت‌هایی است که ذاکر را به فیوضاتی مستفیض می‌فرماید: «سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ أَرْضَى نَفْسَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلُ ذَلِكَ».^۲

حرز امام زمان

می‌توان در سعدترین ساعات و مقدس‌ترین مکانها که بهترین آنان مسجد الحرام و حرم النبی و مشاهد مشرفه امامان - علیهم السلام - است یا مقاماتی که حضرتش در آنجا وقوف داشته‌اند، مانند: مسجد سهله، مسجد کوفه، مسجد صعصعه، مسجد امام حسن مجتبی و جمکران قم و اگر هیچ کدام امکان نداشت در کنار تربت بزرگان علماء شیعه یا جوار قبور شهدا یا مسجد جامع شهر و یا در اماکنی که به نام حضرتش مشهورند، نوشت و همراه داشت و هم می‌توان به آن توسل روزانه داشت و شاید بهتر، جمع هر دو طریق است.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا مَالِكَ الرَّقَابِ وَ يَا هَادِمَ الْأَحْزَابِ وَ يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ وَ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ سَبَّبْنَا سَبَبًا لَا تَسْطِنِعُ لَهُ طَلَبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ»^۱

اعمالِ جمعی

از جمله اعمالی است که به تنهایی نمی‌توان در زمان اقامت در جمکران انجام داد، باید به وسیله عده‌ای از زائران سعادت آن را کسب نموده، فیوضاتش را ذخیره دنیا و آخرت کرد. بل مهمتر این که توجه حضرتش را به آن وسیله جلب نمود.

ختم قرآن در یک مجلس

در رساله شریفه «راه وصال امام زمان»^۱ به استناد روایات و نقل اقوال شخصیت‌های عالی رتبه تشیع که بعضاً مورد توجه حضرتش بوده‌اند، اشاره داشته‌ایم. از جمله اعمال پرفیض و برکت حتی برای رفع حوائج و گرفتاری و رسیدن به آرزوها، هدیه تلاوت قرآن در یک مجلس به حضرتش می‌باشد و چون این کار برای افرادی معمولی مانند حقیر مسکین غیر ممکن است می‌توانیم هر جزء از قرآن را بین افراد تقسیم نموده، به طور جمعی در یک مجلس آن هم در حرم جمکران ختم قرآنی را به حضرت ولی نعمت خودمان هدیه دهیم.

ختم ۱۵۱ هزار صلوات در یک مجلس

صلوات از بهترین توسلاتی است که در اسرع وقت سائل محتاج را با

آرزوئی برآورده به مقصد می‌رساند و حقیر نیازمند به دعای شما در رساله شریفه «هدیه خدا»^۱ انواع ختومات صلوات را متذکر شده‌ام و به طوری که از اطراف و اکناف برایم نقل کرده‌اند افراد زیادی که متوسل و متذکر بوده‌اند به حاجت رسیده‌اند.

و چون ختم تعداد ۵۹ هزار (=مهدی) یا ۱۵۱ هزار (محمد مهدی) به عدد نام مبارک حضرت صاحب العصر و الزمان - روحی فداه - یا ۱۴ هزار صلوات در یک مجلس برای شخص غیر ممکن است، می‌توان به تعداد مثلاً ۵۹ یا ۱۵۱ یا ۱۴ نفر صلوات را تقسیم کرد تا هر کدام با هزار مرتبه صلوات فرستادن هم در عرض ادب به ساحت اقدس مولایشان سهمیم باشند و هم حاجت رواگردند.

دعاهای وارده از ناحیه مقدسه برای رهائی از شدائد

غفلت از خدا و بی‌توجهی به ساحت قدس قدیسین عالمِ بالا خاصه آخرین آنها حضرت قطب زمان و غوث جهان - ارواحنا فداه - آدمی را به ورطه گرفتاریهای خطرناک افکنده، موجبات انکسار حال را فراهم آورده، زمینه بیداری شده، غافل را از غفلت رهائی بخشیده، به خود می‌آورد تا محمد و آل طاهرینش - صلوات الله علیهم اجمعین - را شفیع قرار داده، مورد لطف و عنایت بی‌علت قرار گیرد که خود نشانه‌ای از لطف خدای تبارک و تعالی است.

۱ - توسط انتشارات مروی تهران خیابان ناصر خسرو منتشر شده است.

تا غفلت از بندگی و فراموشی از خدا «نَسُوا اللَّهَ فَاُنْسَهُمْ اَنْفُسُهُمْ»^۱ تمامی ایام را فرا نگیرد، اغلب آنان که در شدائدی پیچیده شده‌اند و شیرینی زندگیشان به تلخی بلیه‌ای از میان رفته است، به این بارور نمی‌شوند این نتیجه کفران نعمتی است که در رضوانِ نعمت و عنایت حق کرده‌اند.

چنان که امام صادق - سلام الله علیه - فرموده‌اند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْعَمَ عَلَي قَوْمٍ فَلَمْ يَشْكُرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ...»^۲ یعنی «خدای عز و جل بر گروهی نعمت ارزانی دارد و آنان سپاس نگویند، آن نعمت و بال آنها گردد و جمعی را به مصائب گرفتار فرماید...»

حضرت علی مرتضی امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرموده‌اند:

راستی خداوند بندگان خود را به هنگام زشتکاری به کمبود میوه‌ها و بازداشتن برکت‌ها و بستن درِ خزینه‌های نیکوئی‌ها با آزمایش مبتلا و گرفتار فرماید»^۳.

پس چون خدا را از خاطر بردند، خدا نیز راه نجات را از خاطر آنها ببرد و این زمانی صورت می‌گیرد که آدمی خود را فراموش کرده، یعنی سعادت و خوشبختی خویش را از یاد می‌برد که قرآن عظیم در کریمه سوره حشر^۴ یادآور شده است: چون خدا را فراموش کردند خویش را هم فراموش نمودند. و خدای بر اساس این که خیر و محبت و رحمت و نعمت محض می‌باشد، از محبت و عنایت و لطف، آن طبقه از مبتلایان را به غم و اندوهی که از گرفتاریها خیزد مبتلا می‌نماید. زیرا امام صادق - سلام الله

۱ - و مباشید مانند کسانی که خدا را فراموش کردند پس خدا خودشان را از یاد برد (حشر: ۱۹).

۲ - مشکات الانوار ص ۷۰

۳ - تفسیر صافی چاپ قدیم ص ۵۰

۴ - آیه ۱۹ که از نظرتان گذشت.

علیه - فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا عَتَّهُ بِالْبَلَاءِ عَتًّا»^۱ یعنی: «به راستی خداوند هرگاه بنده‌ای را دوست دارد، به نوعی به بلائی از بلیات مبتلایش فرماید».

و این بلا آنقدر رفیق زندگی هست تا آدمی به جرم خویش آگاه شده بداند آنچه نازل گردیده علاوه بر آن که از جمله عنایت‌های حق می‌باشد و سزاوارش بوده است می‌باید از آنها توبه کند. علی مرتضی امیرالمؤمنین - علیه السلام - در ضمن خطبه‌ای فرموده‌اند: بلایا ادامه دارد تا به «عذر خواهی آگاه شده بازگشت و توبه نماید، گناهکاری گناه را از خود دور کرده ترک گوید»^۲. آنگاه که پیوند گسسته جبران شد به فرموده امام باقر - علیه السلام - خداوند هم اراده نموده بوده است «بنده خود را به وسیله بلا، هم پیمان و پیوسته»^۳ نماید.

در مدت ابتلاء غافل از خدا، نبی اکرم و امامان را برای رفع آنچه به صورت درد و غم دامن جان را گرفته و آرام و قرار را از بین برده شفیع نموده به ابواب الله اعنی محمد و آل - صلوات الله علیهم اجمعین - توسل جسته تا بتواند از میان شدائد و گرفتاری دنیائی به سوی خدا فرار کند. از جمله توسلات، ادعیه و اوراد و اذکاری است که حضرت ولی الله الاعظم بقیه الله فی الارضین - عجل الله تعالی فرجه الشریف - دستوراتی بیان داشته که به طور اختصار نقل می‌کنیم و انشاءالله دردمندان مستمند با به کار گرفتن آنچه فرموده‌اند و بدان سفارش نموده‌اند از معرکه غم‌ها و غصه‌ها نجات یابیم «این دعا را از همه خلق جهان آمین باد».

۱ - سفینه البحار ماده بلی

۲ - تفسیر صافی چاپ قدیم ص ۵۰

۳ - ان الله عز و جل لیتعا هدالمؤمن بالبلا یعنی خداوند بنده خود را به وسیله بلا هم پیمان و پیوسته می‌شود (بحار الانوار ج ۶۴ ص ۲۱۳).

زیارت عاشورا

باید قبل از هر چیز بدانیم زیارت عاشورا از احادیث قدسی است که در پی شهادت حضرت اباعبدالله - علیه السلام - جهت عرض ادب به خاک پای حضرت ثارالله، خداوند آن را تدوین نموده، به مؤمنان عاشق، تحفه و پیشکش داده است. و حضرت حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فدا - به مداومت آن امر کرده‌اند. زیرا انس با زیارت عاشورا، هم فیض زیارت سید الشهداء را نصیب می‌کند و هم به برکت مداومت آن پریشانیها و گرفتاریها دامن آدمی را رها می‌نمایند.

این اضعف ضعفا و خادم فقرا حسین بن حسن بن هادی بن مهدی بن پیر حیدر سمنانی به هر زمان برای رفع هر غم و اندوهی دست نیاز به سوی شهیدان عاشورا آفرین دراز نموده و التجا کرده‌ام به نتیجه رسیده‌ام. در این صورت زیارت عاشورا را هر روز مداومت داشته باشید و اگر فرصت جهت صد لعن و سلام نبود، به یک مرتبه اکتفا کنید و هم می‌شود «اللهم العنهم جميعاً» را صد مرتبه تکرار کرد و در سلام نیز صد مرتبه «السلام علی الحسین و علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین» را تکرار نمود و چون تمامی ذوات مقدسه از اصحاب آقا ابا عبدالله الحسین نیز محسوب می‌شده‌اند می‌توانید به صد مرتبه «اصحاب الحسین» اکتفا کنید.

نماز جماعت

برای شرح و دانستن موقعیت نماز جماعت، فیوضات و برکات آن حتماً

به اثر بی نظیر و بی سابقه «راهی به حریم کبریا»^۱ رجوع کنید که با لطائفی آشنا خواهید شد. و اما چون حضرت مولایمان نمازشان را اول وقت با اصحابی که شرافت حضور دارند اقامه می نمایند و نمازهای جماعت نیز در اول وقت اقامه می شود، اگر اربعین به اربعین، به جماعت حاضر شویم، در پی نماز، دعای فرج بخوانیم پریشانیها و گرفتاریها همانطور که دیو از فرشته می گریزد، دامن جان ما را رها کرده، از صحنه زندگیمان بیرون می روند.

زیارت جامعه

از جمله سفارشات نایب الحق، امام العصر و الزمان، حضرت بقیه خدا در زمین، توجه داشتن و مداومت به زیارت جامعه می باشد. علاوه بر این بر اثر انس با زیارت مضامین عالیه آن ملکه می شود. انسان را در معرفت یافتن به امام معصوم - علیه السلام - یاری می نماید. دارای فیوضاتی است که از امورات بسته زندگی گره گشائی می نماید و چون اهل ادعیه و زیارت به انواع گوناگونی اشاره نموده اند به همان کتب رجوع نمائید.

دعای علوی مصری

از جمله ادعیه بسیار ارزنده و مجربی است که هر کس به دشمنی مبتلا گردید و به بند کشیده شد، خودش یا شخصی به نیابت از جانب او بخواند به لحاظ آن که از زبان پر فروغ حضرت بقیه الله - روحی لتراب مقدمه

الفداء - خوانده می شود به نتیجه خواهیم رسید. و چون دعای شریف طولانی است می توانید از کتاب ادعیه یا رساله شریفه مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله تألیف آقای محمد خادمی شیرازی استفاده نمائید.^۱

خلاصی از بند

کفعمی - رحمة الله علیه - بر این عقیده است حضرت صاحب الزمان - روحی فداه - به شخصی که محبوس بود این دعای شریف را تعلیم فرمود، موجبات خلاصی مبتلا به بلیه زندان فراهم آمد و اگر گرفتاریها، مانند زندانی شوند، مشکلات چون زندانی ما را در بر گیرند، تاسی به آن رفع مشکل می نماید. که آنرا به شخصی که محبوس بود تعلیم فرمود پس خلاص شد.

«إِلٰهِ عَظْمِ الْبَلَاءِ وَ بَرِحِ الْخَفَاءِ وَ انْكَشَفِ الْغِطَاءِ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَ عَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَمَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ كَافِيَانِ وَ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ^۲»

۱ - صفحه ۲۵۴ به بعد تهران انتشارات کعبه خیابان ناصر خسرو یا قم مرکز نشر آثار شیعه خیابان

۲ - مفاتیح الجنان.

ارم تهیه بفرمائید.

استغاثه به امام زمان

در کتب ادعیه و اذکار و اوراد بخشی به استغاثه‌ها اختصاص دارد که گرفتاران به غم و اندوه هرگاه در فشار شدید قرار گرفتند و راه چاره را از هر سو به روی خود مسدود یافتند به آن استغاثه التجاء نموده تا به نعمت و رحمت آن نظر الهی را به خود جلب نموده، از چنگال غصه‌های جگر سوز رهایی یابند. از جمله آن استغاثه‌ها، استغاثه به غیاث مضطر مسکین است که می‌توان به برکت آن توجه حضرت را به خود جلب نمود و به عنایت بی‌علت وجود نازنینش از هر ورطه هولناکی رهایی یافت. سید علی خان شیرازی در کلم طیب می‌فرماید هر جا که باشی دو رکعت نماز به حمد و هر سوره‌ای که خواستی بگزار، بعد از سلام رو به قبله، زیر آسمان بایست و بخوان:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ
 اَكْرَمَنَا بِالْهُدَى وَ الْاِسْتِقَامَةِ وَ سَدِّدْ اَسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةَ وَ اَمْلَأْ قُلُوبَنَا
 بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اكْفِفْ اَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ
 السَّرْقَةِ وَ اغْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اسْدُدْ اَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ
 وَ الْغَيْبَةِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ عَلَمَانِي بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَةِ وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ
 وَ الرَّغْبَةِ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمِعِينَ بِالْاِتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَةَ وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ
 وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ
 عَلَيَّ السَّبَابِ بِالْاِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَيَّ النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ وَ عَلَيَّ الْاَغْنِيَاءِ
 بِالْتَوَاضُعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَيَّ الْغُرَاةِ بِالنَّصْرِ وَ الْعَلْبَةِ وَ
 عَلَيَّ الْاَسْرَاءِ بِالْاِخْلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ الْاَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَيَّ
 الرَّعِيَّةِ بِالْاِنْصَافِ وَ حُسْنِ السَّيْرِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَةِ وَ

اقض ما أوجبت عليهم من الحج والعمرة بفضلك ورحمتك يا أرحم
الرحمين.

تأسی در دعا به امام عصر

این مسلم است به کلمه «مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»^۱ همانطور که رسول
خدا - صلوات الله علیه و آله - فرموده‌اند «هر کس کار مردمی را خواه خوب و
خواه بد دوست داشته باشد همانند کسی است که بدان عمل کرده».^۲
حضرت حجة بن الحسن - روحی فدا - ادعیه‌ای را بیان فرموده‌اند و
حتماً به لحاظ سیاق ادعیه شخصاً نیز در مواقعی خوانده‌اند و ما می‌توانیم
در تعقیبات نمازهای یومیه یا بعد از سخنرانیها یا بعد از خطبه‌های نماز
جمعه یا بعد از اتمام تدریس و جایگاه‌هایی نظیر آنها به آن تأسی نمائیم و
ما رساله خویش را به آن متبرک می‌نمائیم. نقل کرده‌اند: حضرت قائم آل
محمد - عجل الله تعالی فرجه الشریف - به این دعای شریف مداومت
داشته.^۳

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَصَلَوَاتُهُ الدَّاعَةُ وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ
عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ خَلِيفَةِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ وَسُلَالَةِ
النُّبُوَّةِ وَبَقِيَّةِ الْعِتْرَةِ وَالصَّفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَمُلَقِّنِ أَحْكَامِ
الْقُرْآنِ وَمُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ
الْمَهْدِيِّ الْأَمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ الْمُرْتَضَى وَابْنِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ الْوَصِيِّ بْنِ
الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأَيْمَةِ الْهُدَاءِ الْمَعْصُومِينَ السَّلَامُ

۱ - جامع صغیر ج ۲ ص ۵۹۰ ش ۸۵۹۳. ۲ - مدینه البلاغه ج ۲ ص ۵۵۵.

۳ - مصباح کفعمی: ۸۱۶.

عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ
 الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ
 الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَئِمَّةِ الْحُجَجِ الْمَعْصُومِينَ وَ
 الْأِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي
 الْوِلَايَةِ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَفِعْلًا وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ
 قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَ
 قَرَّبَ زَمَانَكَ وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ
 الْقَائِلِينَ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ
 نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي كَذَا وَ
 كَذَا حَاجَاتِ خُودِ رَا ذَكَرَ كُنَيْدٌ فَاشْفَعُ لِي فِي نَجَاحِهَا فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ
 بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَمَقَامًا مَحْمُودًا فَبِحَقِّ مَنْ
 اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ وَأَرْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ سَلِ
 اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي وَاجَابَةِ دَعَائِي وَكَشْفِ كُرْبَتِي وَبِخَوَاهِ هَرَّجِه
 خواهی برآورده می شود انشاءالله تعالی.

و این دعا را نیز منسوب به حضرت دانسته اند.

«إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرِّ
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَالثَّرْوَةِ وَ عَلَى مَرْضَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ
 بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ وَ عَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكَرَمِ وَ عَلَى
 أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.»

سوگند دادن به امام زمان

بحث پیرامون موضوع حساس و حائز اهمیت که در کلام خدای تبارک و تعالی و پیامبران و امامان - علیهم السلام - هم دیده می‌شود، به لحاظ‌های زیادی نیاز به رساله‌ای مستقل دارد، زیرا مطالبی حساس به این موضوع مربوط می‌شود که تحقیق و پژوهش را می‌طلبد و متأسفانه کمتر مطرح کرده‌اند و اگر جایی هم اشاره‌ای نموده‌اند کفایت کننده نیست. مثلاً می‌باید نخست به انواع شئون سوگند اشاره نمود، سپس در ادبیات عرب که قرآن و کلام معصوم به آن زبان است جایگاه سوگند را شناخت و آنگاه گفت و شنید، نوشت و خواند و متأسفانه به چنین روش و سلیقه‌ای درباره سوگند چیزی ندیده‌ام. البته مزه آن حقایق عالی را در یک دوره یک ساله در بیت الشرف حاج علی آقا ناظم زاده «که هر کجا هست خدایا به سلامت دارش» از محضر علامه محقق، آیه الله العظمی، مرحوم حاج سید ابراهیم میلانی - قدس سره - که الحق خلاق مطالب در این زمینه بود استفاده برده‌ام و خوشبختانه گویا تلامذه به صورت نوار و تقریر نویسی داشته باشند. انشاءالله روزی به وسیله مشاطه ذوق، صاحب شوقی نوارها را پیاده کند و آرایش علمی و تحقیقی نموده به بازار علم و فضیلت عرضه شود. و متأسفانه این بی‌لیاقت بی‌کفایت از آن سرمایه که می‌توانستم محروم نباشم بی‌بهره‌ام؛ لکن به خاطر سپرده‌هایی از آن شبهای پرفیض دارم که مجموعه‌ای از لطائف و ظرائف، رموزات و اشارات قابل توجه است.

«زین قصه بگذرم که سخن می‌شود بلند».

در جاهائی که سوگند یاد می‌شود، دو لحاظ حائز اهمیت، توجه را به

سوی خود می‌کشاند:

نخست شخص می‌خواهد صداقت و درستی و راستی خود را به مقابل تفهیم کند و دیگر این که در صاحب لطف و کرم چون امید به محبت توجه او دارد، می‌خواهد با سوگند، ذوقِ عنایت را فراهم آورد.

اگر بخواهیم به حقیقت موضوع دست یابیم قبل از طرح هر بحث استدلالی می‌باید متوجه شویم سوگند می‌خورند که ندانسته‌ای پنهانی را به کسی بقبولانند و به اثبات رسانند؛ به او تفهیم کنند چنین حقیقتی را که تواز آن ناآگاهی و اطلاعی نداری وجود دارد، سوگند خدا و پیامبر و امام از آن همین لحاظ است پس می‌باید جایگاه خودمان را بشناسیم بل شناسائی کنیم.

اگر می‌خواهیم صداقت و اضطرار خودمان را به اثبات رسانیم، پس هنوز امام شناس نشده‌ایم زیرا امام - علیه السلام - اشراف بر تمامی امورات جاریه در عالم خلقت دارند و از آنچه لحظه به لحظه در کائنات می‌گذرد مطلع هستند.

و اگر بخواهیم با سوگند، حضرتش را به ذوق آوریم تا فیض باران شویم، آن هم ضرورتی ندارد زیرا، امام که فیض‌گیر از حق جل جلاله می‌باشد و فیاض به خلق است نمی‌تواند فیض رسان نباشد؛ به همین مرتبت و منزلت اشاره کرده‌اند و گفته‌اند:

«اگر نازی کند در هم فرو ریزند قالب‌ها» یعنی فیض که نسبت به همه جاها، حکم حیات را دارد اگر قطع شود، حقیقت کلام مبارک امام رضا (ع) «لَوْ خَلَّتْ مِنْ حُجَّةٍ طَرْفَةٌ عَيْنٍ لَسَاحَتْ بِأَهْلِهَا»^۱ به ظهور می‌نشیند و مسلم

۱ - یعنی «اگر زمین یک دم خالی از حجت باشد ساکنان خود را هلاک کند» (کمال الدین و اتمام

این زمانی است که قیامت قائم شده، آخرین سطور دفتر حیات به قلم عنایت امام نوشته می‌شود. پس ملتجی به امام - علیه السلام - که در جمعی به راز و نیاز اشتغال دارند به دو فیض مورد توجه قرار می‌گیرد: فیضی عام که شأن حضرت فیاض فیض گیر از خداست، و فیضی که برای دیگری است. لکن جمعی که با مستحق فیض همنشین می‌باشند نیز نصیب‌های دارند و فیض و عنایتی مخصوص به خود که باز دیگران را رحمت باران می‌نمایند سهم او می‌گردد.

حال جای طرح این سؤال پیش می‌آید، سوگند به چه منظوری است؟ آیا اگر آدمی به حکمتی که حقیقتش نزد حکیم علی الاطلاق معلوم است لایق عنایتی نباشد، این قسم دادن‌ها در اراده و تصمیم امام - علیه السلام - مؤثر واقع می‌شود؟ جواب منفی است بل باید معتقد بود، قسم در صورتی که سوگند دهنده شخص شایسته باشد زمینه تربیت امام را فراهم می‌آورد. در اینصورت تا طالب منظور و مقصودی را چون لایق چنین عنایتی نیست، نخست شایسته‌اش ننماید مورد توجه قرار ندهد ولی چون سزاوار عنایت و مرحمت و توجه شد با تقاضا و حاجتش هم آغوش سازد. و این استدلال را در ارتباط بسیار نزدیک و سراسر اسرار ولی تابعین، مصباح موحدین، کمیل بن زیاد نخعی، صاحب سر و یار شهید علی امیرالمؤمنین - علیه السلام - به خوبی مشاهده می‌کنیم.

آنجا که حضرت مولایش و مولایمان را مورد سؤال قرار می‌دهد، از حقیقت جو یا می‌شود، جواب می‌شنود:

«ترا با حقیقت چه کار!» یعنی ظرف وجودت برای چنین مظر و عظیم

کوچک است. «اقیانوس در پیاله نمی گنجد» وارد، قوی است که اگر در قالب کلام هم از عظمتش کاسته شود باز هیبت حقیقتش ترا متلاشی خواهد کرد و این را در رابطه با همام صحابهٔ علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - تاریخ به ثبت رسانده است؛ وقتی کلام حضرتش در شرح موضوع صفات متقین به اتمام رسید او نیز چشم از دنیا پوشید و جان به جان آفرین تسلیم کرد.^۱

به علاوه خوبست بدانیم امام - علیه السلام - را به ذواتی سوگند می دهیم که با خود خاطرات تلخ و دلخراشی را همراه دارد. مثلاً فرموده اند حضرتش را به عقیده وحی، عالمه مدرس ندیده بنی هاشم، نایب زهرای مرضیه حضرت زینب کبری سوگند دهید که داده اند و به حاجت رسیده اند.

می دانیم این نام مبارک برای تمامی امامان - علیه السلام - نه این که تجدید کنندهٔ وقایع دردناک و دلخراش کربلای پُر بلاست و چون امام از امری غافل نیست که آن را تجدید کنیم، پس به آتش رنج و غصه و غم و زجری که تا انقراض عالم هست و حضرتش از آن غفلت ندارند دمیدن است.

با این مختصر که سعادت قلمی نمودن و شرافت توجه شما را جلب کردن برای مسکین همراه داشت نتیجه می گیریم بهتر است امورمان را به حضرتش تفویض کنیم که با کریمان کارها آسان بود.

۱ - علاوه بر نهج البلاغه که به خطبهٔ همام در صفات متقین مشهور است در بحار الانوار ج ۳۳ ص ۲۶۵ و ج ۴۴ ص ۱۰۲ و ۶۱ ص ۱۶۹ کافی ج ۱ ص ۵۲۹.

شفیع نزد خدا و امام

حضرتِ قادرِ علی کل شیء که حکیم امور جاری در عالم خلقت است طراح اصلی واسطه - وسیله قرآن - بین حق و خلق می باشد و با دو کریمه از آیات قرآن آن را به ثبت رسانده تا جایی برای القاء شبهه بندگان زر و زور نباشد^۱ و حتی در ماجرای آدم ابوالوری او را به چنین التجائی هدایت نموده که اگر می خواهی در پی هبوط از رضوان قرب، منظور توجه باشی می باید به این ذوات مقدسه - محمد و آل علیهم السلام - متوسل شوی و دست توسل و تمسک به ذیل عنایات آنان دراز کنی که دعای رحمت خیر و نعمت آخرین توسل دلیلی روشن و سندی محکم بر این ادعاست. و در مرتبه دونِ حق که فوقِ خلق است التجاء به ابواب الهی - رسول خدا و امامان - نیز برای رسیدن به مقصد اقصای هر آرزو، نباید از شأن و موقعیت «وسیله» ای که حضرت حکیم در قرآن کریم مطرح نموده غافل بود. زیرا حضرات معصومین - علیهم السلام - نیز دارای ابواب بوده اند تا شفیع قرار گیرند^۲ چنان که شواهدی فراوان داریم. لکن فرصت نقل آن نیست و بهترین ادله ما بعد از آیات و روایات، عملکرد اصحاب پاک مانند سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، میثم، کمیل، اویس، قنبر و ... می باشد و این مسند حتی الی یوم القیامه مظهر عینی می طلبد. زیرا در کتاب تکریم الاولیا وارد است سؤال کننده ای از امام سجاد علی بن الحسین - علیه السلام - پرسید آیا شما و ابوابتان مثلاً مانند سلمان فارسی تا انقراض عالم وجود دارید؟ حضرت فرمودند: بلی. یعنی خواص امام عصر - عجل الله تعالی فرجه

۱ - مائده: ۳۵ و اسراء ۷۵.

۲ - ما در کتاب قمر بنی هاشم ظهور عشق اعلی که انتشارات مهتاب منتشر نموده، مطالبی در این زمینه داریم.

الشریف - در تمامی ادوار زیست می‌کنند که بابِ عنایت صاحب العصر و الزمان - روحی فداه - می‌باشند و حضرتش باب الهی هستند. امام صادق - سلام الله علیه - صدیقان از مؤمنان را شفیع شناسانده‌اند.^۱ البته به دو موضوع مهم می‌باید توجه داشت که این منصب برای امام - علیه السلام - به اراده خدا صورت گرفته و در مورد ابوابِ معصومین - علیهم السلام - به لحاظ قربشان به خدای تعالی چنین منصبی به آنها عنایت شده است. زیرا حضرت رحیم در قرآن کریم می‌فرمایند: «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»^۲ پس چه کسی را این جرأت است که در پیشگاه خدا یا معصوم به شفاعت برخیزد، مگر به فرمانشان.

و این که چه کسی مستحق شفاعت است یا بهتر بگوئیم شفیع در چه موقعیتی واسطه بین ما و محبوب می‌گردد؟ حضرت قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى»^۳ یعنی «هرگز آن مقربان درگاه از احدی جز آن کسی که خدا از او راضی است شفاعت نکنند». این محرومیت تا موقعی ادامه دارد که آدمی به سحاب توبه شستشو کند، زیرا رسول خدا - صلوات الله علیه - فرموده‌اند: «وَالْتَّائِبُ مُسْتَحِقٌّ لِّلشَّفَاعَةِ وَالْغُفْرَانِ»^۴ یعنی «شخص توبه کار استحقاق شفاعت و آمرزش دارد» در این صورت تأخیر در رسیدن به آرزو و فرج در امورات زندگی به لحاظ تائب نبودن است.

۱ - تفسیر صافی چاپ قدیم ص ۲۵۸.

۲ - بقره: ۲۵۵.

۳ - بحار الانوار ج ۷۸ ص ۲۵.

۴ - انبیاء: ۲۸.

خوابیدن در حرم

با کریمه «وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتاً»^۱ ملهم می شویم حضرت حق، خواب را مایه آسایش قرار داده است. حضرت مولی الموحدین، علی مرتضی، امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - هم فرموده‌اند: «النَّوْمُ رَاحَةٌ مِنَ الْمَمِّ»^۲ خواب آسایش از درد است. امام صادق - علیه السلام - نیز فرموده‌اند: «النَّوْمُ رَاحَةٌ لِلْجَسَدِ»^۳ خواب آسایش تن می‌باشد.

ولی سه موضوع در این زمینه می‌باید مورد توجه قرار گیرد: ۱ - نوع خواب ۲ - زمان خواب ۳ - جایگاه خواب.

نوع خواب: در مورد نوع خواب امام صادق - علیه السلام - شیعیان را

چنین سفارش می‌نمایند: «وَنَوْمُ الْمُتَعَبِّدِينَ وَ لَا تُنَمُّ نَوْمَةَ الْغَافِلِينَ فَإِنَّ الْمُتَعَبِّدِينَ الْأَكْيَاسُ يَنَامُونَ اسْتِرْوَاحاً، وَ أَمَّا الْغَافِلُونَ يَنَامُونَ اسْتِبْطَاراً...»^۴ یعنی «مانند متعبدان بخواب و از خفتن مانند غافلان اجتناب کن؛ زیرا متعبدان هوشیارند که خوابشان با آرامش، ولی غافلان با تکبر و نشاط می‌خوابند».

و از مستی خواب که آدمی بی‌هوش و گوش بیفتد بر حذر باید بود. زیرا مستی آن را در کنار مستی‌های حرام و حلال خراب کننده گذاشته‌اند. حضرت فاروق اعظم، صدیق اکبر، امیرالمؤمنین حیدر - سلام الله علیه - می‌فرمایند: «السُّكْرُ أَرْبَعُ سَكْرَاتٍ سَكْرَةُ الشَّرَابِ وَ سَكْرَةُ الْمَالِ وَ سَكْرَةُ النَّوْمِ وَ سَكْرَةُ الْمَلِكِ»^۵ یعنی «مستی بر چهار گونه است: مستی شراب و مستی مال

۱ - نباء: ۹. ۲ - غرر الحکم ج ۱ ص ۳۸۰.

۳ - من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۴۰۲ و امالی صدوق ص ۴۴۱.

۴ - بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۸۹. ۵ - بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۸۰.

و مستی خواب و مستی شاهی». این مستی اگر بر آدمی مسلط شود به فرموده رسول خدا - صلوات الله علیه - انسان «بهره خویش را از زندگی و آخرت از دست می‌دهد»^۱ و خلاصه باید دانست، دوستداری خواب همان - مستی خواب - است که رسول اکرم (ص) از جمله شش خصلتی دانسته‌اند که نافرمانی خدا با آنها آغاز شده است.^۲

و اگر این مستی خواب، دوست داشتن خواب را دو صد چندان کند، پرخوابی دامن گیر شود؛ آدمی را به جایی می‌رساند که امام کاظم - علیه السلام - فرموده‌اند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُبْغِضَ الْعَبْدَ النَّوَامَ»^۳ یعنی «همانا خدای تعالی بنده پر خواب را دشمن دارد» و لذا می‌بینیم که مادر سلیمان نبی به او می‌گوید: «ای پسر جانم از خواب (بسیار) حذر کن، زیرا در روزی که مردم نیاز به کارهای خود دارند (قیامت) تهی دست می‌مانی».^۴

حضرت صادق - سلام الله علیه - فرموده‌اند: «كَثْرَةُ النَّوْمِ مُذْهِبَةٌ لِلدِّينِ وَالْدُّنْيَا».^۵ یعنی «خواب بسیار دین و دنیا را می‌برد».

زمان خواب: هر چند از آیات^۶ و روایات^۷ ملهم می‌شویم که زمان خواب شب است یا این که خواب شب را هم به طور مطلق نهی کرده‌اند؛ حتی امام صادق - سلام الله علیه - فرموده‌اند: مردی را که تمام شب بخوابد دشمن می‌دارم^۸ و سفارش به اندک خوابی در شب هم نموده‌اند.^۹

۱ - مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۱۶. ۲ - بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۸۱.

۳ - وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۳۷ من لایحضر الفقیه ج ۳ ص ۱۶۹.

۴ - بحار الانوار ج ۷۵ ص ۲۸۰. ۵ - سفینه البحار ج ۲ ص ۶۲۴.

۶ - فرقان: ۴۷، روم: ۲۴، اعراف: ۹۷.

۷ - از متون روایی بحثی به آن اختصاص یافته است.

۸ - سفینه البحار ج ۲ ص ۶۲۴. ۹ - بحار الانوار ج ۷۵ ص ۲۸۰.

شاید به لحاظ آثار سوئی می باشد که پُر خوابی دارد و در ساعاتی حتی خوابیدن کوتاه در آن اوقات با همان نکبت توأم است، معصوم - علیه السلام - را بر آن داشته، امت را در قبال خواب غیر از شب هم، دلالت فرماید. امام باقر - علیه السلام - فرموده اند: «خواب در اول روز نادانی و کودنی است. خواب قیلوله - نزدیک ظهر - نعمت و خواب بعد از عصر حماقت و ابله‌ی و خواب میان نماز مغرب و عشاء موجب حرمان روزی است.»^۱

محمد بن مسلم درباره خواب صبح از امام باقر و امام صادق - سلام الله علیهما - می پرسد، می فرمایند: «روزی همان ساعت پخش می شود، من نمی پسندم که انسان در آن ساعت در خواب باشد»^۲ و امیرالمؤمنین علی مرتضی - سلام الله علیه - نیز خواب پیش از طلوع خورشید و پیش از نماز عشاء را با عنوان موجب تنگدستی و پراکندگی کار می شود نهی کرده اند^۳ البته اشاره به دو موضوع، خارج از لطف نیست: اول این که تنگدستی تنها در مسائل مادی خلاصه نمی شود، بلکه مسائل معنوی را هم شامل می گردد. هم چنین پراکندگی در امور معنوی نیز از جمله پراکندگیهاست. دوم این گونه روایات وارده بر اساس این بوده که عوام چون به گنه کلام معصوم - علیه السلام - که عیناً کلام خداست پی نمی بردند، ائمه طاهرین - علیهم السلام - به آنچه که مورد توجه آنان بوده، آنها را بیم می دادند و هم تشویق می کردند. البته قابل تذکر است بعد از ادای این گونه کلمات حتماً در عالم وجود موضوعات مطرح شده از ناحیه امام - علیه السلام - به لحاظ

۱ - جامع احادیث الشیعه ج ۱۷ ص ۶۰

۲ - جامع احادیث الشیعه: ج ۱۷ ص ۶۰

۳ - همان جلد ص ۶۱

کلامِ معصوم با همان خاصیت ثبت می‌شد و لذا امروز هم اگر کسی پیش از طلوع خورشید و نماز عشاء بخوابد به تنگدستی و پراکندگی دچار می‌شود.

جایگاه خواب: البته منظورمان از طرح موضوع جایگاه خواب، این نیست که کجا باید بخوابیم. این برای همه مسلم است در هر جایی که امکان خوابیدن فراهم باشد خانه، مسافرخانه، هتل، پارک، باغ، بیابان، صحرا و ... می‌شود خوابید و نیازی به مطرح نمودن ندارد. با دانستن این موضوع ما می‌خواهیم بدانیم آیا شاهد مشرفه و اماکن مقدسه، جایگاه خوابیدن می‌باشد؟ و اگر چنین امکانی وجود دارد به چه منظور و به چه شکل و چه مقدار می‌توان خوابید و در چنین صورتی آیا خواب مانند خوابیدن در همان جاهائی است که اشاره کردیم؟

برای نمونه علی بن جعفر - علیه السلام - می‌گوید: از برادر بزرگوارم امام موسی بن جعفر - سلام الله علیه - درباره خوابیدن در مسجدالحرام سؤال کردم، فرمودند: مانعی ندارد و از خوابیدن در مسجد پیامبر پرسیدم، فرمودند: شایسته نیست.^۱ و یا زراره از امام باقر - علیه السلام - درباره خوابیدن در مساجد سؤال می‌کند، می‌فرمایند: مانعی ندارد به جز مسجد پیغمبر (ص) و مسجدالحرام^۲ لکن از این دو روایت به موضوعی پی می‌بریم.

اول: اگر جواز خواب در مساجد در کلام امام - علیه السلام - دیده می‌شود به لحاظ خانه نداشتن بوده‌است. زیرا امام صادق - علیه السلام -

۱ - جامع احادیث الشیعه ج ۴ ص ۴۹۲. ۲ - همان: ج ۴ ص ۴۹۳.

می فرمایند: «مردم مسکین در زمان رسول خدا در مسجد می خوابیدند»^۱ و این که وقتی معاویه بن وهب از حضرتش درباره خوابیدن در مسجد الحرام و مسجد پیامبر (ص) سؤال می کند، در جوابش می فرمایند: «نَعَمْ فَأَيْنَ يَنَامُ النَّاسُ؟»^۲ آری پس مردم در کجا بخوابند؟ یعنی مردمی که جای برای خوابیدن ندارند کجا بخوابند؟ والا حضرت می دانستند که مردم در خانه هایشان می خوابند. ولذا در فتوای حضرات فقهای امامیه نیز با این برخورد می کنیم که فرموده اند: «خوابیدن در مسجد اگر انسان ناچار نباشد مکروه است»^۳.

جابر بن عبدالله هم می گوید: ما در مسجد خوابیدیم و امیرالمؤمنین - علیه السلام - نیز با ما بود رسول خدا وارد شدند و فرمودند: «قُومُوا فَلَا تَنَامُوا فِي الْمَسْجِدِ» «برخیزید و در مسجد نخوابید» ما برخاستیم که بیرون رویم، فرمودند: «أَمَا أَنْتَ فِتْمَ يَا عَلِيٌّ فَقَدْ أُذِنَ لَكَ»^۴ اما تو یا علی مأذون در خوابیدن هستی. یعنی صاحب مقام عصمت که دارای ولایت مطلقه الهیه است خواب و بیداریش هم یکسان می باشد می تواند از مسجد برای خوابیدن استفاده کند و لا غیر.

دوم: رسول خدا - صلوات الله علیه - فرموده اند: «مَنْ نَامَ فِي الْمَسْجِدِ بِغَيْرِ عَذْرِ ابْتِلَاةِ اللَّهِ بِدَاءٍ لَا زَوَالَ لَهُ»^۵ یعنی «هر که بدون عذری در مسجد بخوابد، خدایش به دردی پایان ناپذیر گرفتارش می سازد». در این صورت اگر کسی عذری داشته باشد می تواند طبق شرائطی برای خواب از مسجد استفاده کند. البته اگر صیغه وقف، فقط جهت شبستان مسجد خوانده اند

۱ - همان: ج ۴ ص ۴۹۲.

۲ - همان: ج ۴ ص ۴۹۲.

۳ - رساله محشی به متن آیه الله العظمی بروجردی. چاپ فراهانی ص ۲۰۶ مسئله ۹۲۳.

۴ - همان: ج ۴ ص ۴۹۳.

۵ - جامع احادیث الشیعه ج ۴ ص ۴۹۳.

و امکان استفاده از جاهای دیگر مسجد هست، تا ناچار نشود از شبستان استفاده نکند، زیرا دچار مکروهی که حضرات فقهاء فرموده‌اند نشود.

عذر زائر حرم جمکران

آنچه مسلم است همه زائرانِ جمکران در یک سلیقه و فکر و منظور نیستند که این خود هم معین کننده رتبت و منزلت معنوی اشخاص است و هم تکلیف خوابیدن در مسجد جمکران را مشخص می‌نماید.

اول: طبقه‌ای به لحاظ زیارت و سیاحت یا همراهی کردن با عده‌ای مشرف شده‌اند هرگاه هم خوابشان فراگرفت، هرکجا باب طبعشان قرار گیرد، به هر شکل و گونه و هر جایی باشد می‌خوابند. بدون تردید اینان همان طبقه‌ای هستند که رسول خدا(ص) فرموده‌اند «به دردی پایان ناپذیر گرفتار می‌شوند». هرکس به ضمائر اشخاص اشراف داشت و اگر به این نعمت مؤید نبود، لکن قوه تشخیص آن را دارا بود که از شکل و شمائل فرد، او را شناسائی کند، فوراً باید به خواب رفته را بیدار کنند و اگر جایی مناسب را می‌شناختند او را به آنجا هدایت نمایند.

دوم: طبقه‌ای هم یا به تمنای دیدار و یا به لحاظ رسیدن به حوائج مشرف شده‌اند. اینان از دو گروه خارج نیستند. نخست قادرند که در بیداری به مقصود برسند، داروی درد خویش را دریافت دارند، یعنی به مرتبه «ینظر بنورالله» رسیده‌اند. چشم از آنهاست، لکن نگاه و دید از خداست. نیازی به خواب ندارند و اگر به خواب روند به بلای فراق مبتلا شده‌اند و بی ادبی کرده‌اند. طبقه دیگرشان که دارای این مرتبت معنوی نیستند، می‌باید راهی برای رسیدن به منظور و مقصود خود پیدا کنند.

حضرت امام باقر - علیه السلام - می فرمایند: «هیچ کس نیست که بخوابد جز آن که نفس وی به سوی آسمان بالا رود و روح در بدنش باقی ماند. و میان روح و نفس سببی مانند شعاع خورشید وجود دارد».^۱

ما از کلام حضرتش مستفیض می شویم این نفس که به سوی آسمان بالا می رود، گشت و گذار نموده، با دانستنی های شخصی یا عمومی دوباره به جسم مراجعت می کند؛ اگر به تعلقات نفسانی و دلبستگی های حیوانی گرفتار نباشد، آنچه را دیده به خاطر داشته پس از بیداری به زبان می آورد. چون خواجه کائنات محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله - فرموده اند: «يَكْفِي أَحَدَكُمْ أَنْ يُوعَظَ فِي مَنَامِهِ»^۲ یعنی «کفایت می کند شما را که در خواب پند بگیرد» و می گوئیم او که در بیداری دریافت نمی کند، باید بخوابد تا به او در عالم رؤیا عنایت کنند. چنانکه رسول خدا فرموده اند: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا عَاتَبَهُ فِي مَنَامِهِ»^۳ یعنی «وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد او را در خواب عتاب کند».

مهمتر این که خواب را یک جزء از چهل و شش جز پیغمبری دانسته اند. فرموده اند: «رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَ أَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوَّةِ»^۴ یعنی «رؤیای مؤمن یک جزء از چهل و شش جزء پیغمبری است» و آنجا نیز که خواسته اند خواب را تقسیم بندی نمایند، فرموده اند: «الرُّؤْيَا ثَلَاثَةٌ فَبُشْرَى مِنَ اللَّهِ وَ حَدِيثُ النَّفْسِ وَ تَخْوِيفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۵ یعنی «رؤیای سه قسم است: مژده خدا، حدیث نفس و تهدید شیطان است» در این صورت

۲ - تطير الانام في تعبیر المنام: ص ۱۴۱.

۱ - تفسیر المیزان، ج ۱۷ ص ۲۹۲.

۴ - غرر الحکم ج ۵ ص ۳۷۶.

۳ - نهج الفصاحه ص ۲۹ ش ۱۵۶.

۵ - همان: ص ۳۵۲ ش ۱۶۸۱.

عاشق طالب دیدار که آستان جمکران را میعادگاه حضرت دوست می‌داند، آنگاه که یقین کرد خدا در عالم خواب با او صحبت می‌کند، مژده‌اش می‌دهد و خواب را از لحاظ حیثیت جزئی از چهل و شش جزء پیامبری می‌داند می‌خواهد بخوابد پند یا عتاب، مژده یا دیدار که همه آنها نوعی از عنایت خداست نصیبش شود. چنان که خواجه کائنات محمد مصطفی (ص) فرموده‌اند: «رُؤْيَا الْمُؤْمِنِينَ كَلَامٌ يُكَلَّمُ بِهِ الْعَبْدُ رَبَّهُ فِي الْمَنَامِ»^۱ یعنی «رؤیای مؤمن سخنی است که خداوند در خواب با بنده خود گوید». از طرفی علی بن ابیطالب، امیرالمؤمنین علی الاطلاق فرموده‌اند: «مَنْ كَثُرَ فِي لَيْلِهِ نَوْمُهُ فَاتَهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا لَا يَسْتَدْرِكُهُ فِي يَوْمِهِ» یعنی «هر کس در شب، خوابش بسیار باشد آنچه در روز نتوانست آن را دریابد در شب نیز آن را از دست خواهد داد».

ملهم می‌شویم شخصی که در بیداری نمی‌تواند فیض گیر باشد، اگر شب را فقط صرفاً خواب کند به نتیجه نخواهد رسید. به این معنا می‌باید قسمتی از شب را با خدای تعالی خلوت نماید، به استغفار و تلاوت قرآن و ذکر و دعا و اوراد، خویش را مستحق و سزاوار عنایت سازد و سپس کمی هم بخوابد تا در عالم خواب حقایقی را به او بنمایانند.

و برای تأیید مطلبمان که در عالم خواب می‌توان شرفیاب حضور شد، همین بس که از ناحیه مقدسه امام صادق - علیه السلام - برای شرفیابی در خواب هم ادعیه‌ای وارد شده است^۲ و امثال علامه بحر العلوم در دره نجفیه به عنوان دیدن امام در خواب مطلبی را بیان فرموده‌اند.

۲- ترجمه مکیال المکارم: ج ۱ ص ۴۳۰.

۱- نهج الفصاحه ص ۳۴۴ ش ۱۶۴۲.

شکل خوابیدن

حال که مُسَلَّم شد عذر به کمال نفس نرسیدنِ عده‌ای بی‌شمار، بهترین دلیلی است که بتوانند در مسجد بخوابند تا شاید جمالِ جمیل وجه الله را در عالم واقعه زیارت کنند، می‌باید به موضوعاتی توجه داشته باشند:

۱ - سعی کنند دور از حریم اولیه مسجد جائی را برای خوابیدن و در خواب مشرف شدن انتخاب نمایند.

۲ - حتی المقدور کنجی دور افتاده از تجمع زائران باشد و هیچ کدام برای یکدیگر زحمت نشوند.

۳ - اگر پای دیوارها را انتخاب کنند و دیگران هم این جایگاه را به چنین افرادی اختصاص دهند، بسیار مطلوب به نظر می‌رسد.

۴ - بهترین شکل خوابیدن، صورتِ نشستن و زانوهارا در بغل گرفتن، سر را در روی دستها گذاشتن است و تقریباً اکثر مردم چنین خوابیدن را آموخته دارند. توجه به زندگی حضراتِ عرفای امامیه، این نوع خوابیدن ممدوح دیده شده و پسند آن ذوات مقدسه قرار گرفته است. زیرا عارفان که کوشیده‌اند سنت سنیّه محمد و آل طاهرینش را مو به مو انجام دهند تا بر اثر چنین نعمت آسمانی به کمال نفس برسند، بر خلاف صوفیان که در ریاضاتِ من درآورده گرفتارند تا بتوانند با تردستی جلب توجه خلق نمایند، نوع راحت خوابیدن را مذموم دانسته‌اند و لذا سالها بر سر زانوهارا مختصری خفته‌اند.

۵ - اگر به ناچار خواستند دراز بکشند و به صورتی که خوابیدن تحقق می‌یابد نخوابند که بی‌حرمتی محسوب شود، بهتر است، پاها را در شکم جمع کرده به هیأت جنین در رحم در آورند که نشانه ادب و احترام است.

۶ - در حریم و مسیر رفت و آمد زائران ن خوابند؛ زیرا ممکن است در خواب مورد فیض قرار گرفته، زائری رهگذر با ضربه‌ای او را بیدار کند یا به خود آورد و آنگاه است که حسرت می‌خورد چرا چنین شد. و اگر تکرار فیض دیدار در خواب تجدید نشود همیشه با این حسرت قرین خواهد بود.

۷ - بعضاً زائران که مدت‌ها سرگردان بوده‌اند تا جایی را برای نشستن پیدا کنند، از خواب دیگران به تنگ آمده، وقتی از کنارشان می‌گذرند پا بر عضوی از آنها می‌زنند یا مثلاً دست و پای زائر به خواب رفته را لگد می‌کنند تا بیدارش کرده باشند که این عمل زشت اگر موجب ایذای مؤمن شود، آدمی را از حریم توجه عنایت صاحب الامر دور می‌سازد.

خواب و شکل خوابیدن مذموم

اگر خوابیدن در حرم جمکران که از لحاظ مبانی فقهی، حکم مسجد را دارد و لذا به مسجد جمکران هم مشهور است، چون تمام احکام شرعی مسجد را دارا است و باید تمام احکامی را که درباره مسجد بیان داشته‌اند مراعات نمود، بدون تردید خوابیدن بدون داشتن عذری و یا به لحاظ این که در عالم خواب فیض باران شود، مذموم و عمل به مکروه فقهی است که حضرات مراجع تقلید به آن فتوا داده‌اند و چه بسا شیطان لعین، دشمن همیشه در کمین بخواهد آدمی را به خواب مذموم در مسجد - مکروه - مبتلا کند تا از رسیدن به فیض حضور محروم بماند، پس اگر خواب دامن را گرفت بهتر است فوراً برای تجدید وضو حرم را ترک نموده در فضای باز صحن قرار گیرد.

و اما شکل خوابیدن مذموم، به رو در افتادن است که صورت و شکم رو به زمین قرار می‌گیرد و پشت به سوی آسمان. اگر با چنین خوابیده‌ای مواجه شدید، او را بیدار کنید. زیرا رسول خدا به مردی که در مسجد این چنین خوابیده بود رسیدند با پای مبارکشان به او زده، فرمودند: «قُمْ وَ اقْعُدْ فَإِنَّهَا نَوْمَةٌ جَهَنَّمِيَّةٌ»^۱ یعنی: «برخیز و بنشین که این نوع خواب جهنمی است» و حضرت امام صادق - سلام الله علیه - دستور داده‌اند «هرکس را دیدید که در خواب به رو افتاده، بیدارش کنید».^۲ البته باید دانست که امیرالمؤمنین - علیه السلام - به رو یعنی دَمَر خوابیدن را نوع خواب ابلیس و برادرانش دانسته‌اند.^۳

احتلام در خواب

یکی از جهات بسیار مهمه‌ای که خوابیدن غیر معصوم - علیه السلام - در اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه نهی شده است و از کلام رسول خدا - صلوات الله علیه - نیز استنباط می‌شود چنان که به غیر علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - فرمودند:

در مسجد نخوابید؛ در همان لحظه حضرتش را اذن دادند^۴ و اصل سد ابواب خانه‌ها به مسجد، جز درب خانه علی مرتضی امیرالمؤمنین - علیه السلام - نیز بر همین اساس بوده که آل بیت رسول خدا از هر رجسی پاک هستند و بدون تردید در عالم خواب هم محتلم نمی‌شده‌اند «که شرح این

۱ - سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۲۲۸. ۲ - من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۵۰۳.

۳ - تفسیر نور الثقلین ج ۲ ص ۱۷۸ در بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۹۰ و اصول کافی ج ۱ ص ۵۱۳ از حضرت امام عسکری - علیه السلام - هم نقل کرده‌اند.

۴ - روایت نقل شد.

فضیلت بگذار تا وقت دگر».

زائر برای این که در حرم جمکران یا در هر حرم دیگری و یا مساجد به هنگام خوابیدن به چنین بلیه‌ای مبتلا نشود، بهتر است به هیئتی که در بستر آسوده و راحت می‌خوابد و استراحت می‌کند خویش را بر زمین حرم یا مسجد نیفکند بلکه به همان شکلی بخوابد که از نظر گذشت.

و شاید از آثار دستور وضو قبل از خواب همین^۱ باشد که آدمی به شیطان گرفتار نیاید. پس توجه داشتن به دستورات شرع انور هر کدام دارای فیوضات و برکاتی است. به همین اعتبار تأسی به ادعیه‌ای که برای قبل از خواب وارد می‌باشد می‌تواند خوابیده را از شری که شیطانی است در امان خانه آن محفوظ بدارد. این مسکین با وجود دعا‌های عالی مضامینی که از ناحیه مقدسه رسول خدا^۲ امیرالمؤمنین^۳ و امام صادق^۴ و سایر معصومین - علیهم السلام - وارد شده است به نوعی تأسی جستم که مضامین آن با موضوع سنخیت بیشتری داشت. حضرت علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - فرموده‌اند وقتی کسی اراده خفتن کند پهلو بر زمین نگذارد بگوید: «أُعِيدُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ خَوْلَتِي بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ عَظَمَةِ اللَّهِ وَ جَبْرُوتِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ رَأْفَةِ اللَّهِ وَ غُفْرَانِ اللَّهِ وَ قُوَّةِ اللَّهِ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ وَ جَلَالِ اللَّهِ وَ بَصْنَعِ اللَّهِ وَ أَرْكَانِ اللَّهِ وَ بَجْمَعِ اللَّهِ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ بِقُدْرَةِ اللَّهِ عَلَيَّ مَا يَشَاءُ»^۵

۱ - محجة البيضاء: ج ۲ ص ۲۶۷.

۲ - جامع الاصول من احادیث الرسول ج ۵ ص ۷۸ و ۸۰.

۳ - ناسخ التواریخ ج ۶ ص ۵۳.

۴ - جامع احادیث الشیعه ج ۱۷ ص ۷۶ و ۷۷ و وافی چاپ جدید ج ۵ ص ۱۵۸۳.

۵ - ناسخ التواریخ ج ۶ ص ۵۴.

یعنی: «نفس و دین و کسان و مال و همه کارهای خود و آنچه خدا روزیم فرموده و به من داده در پناه عزت خدا، عظمت خدا، جبروت خدا، سلطنت خدا، رحمت خدا، رأفت خدا، آمرزش خدا، قوت خدا، جلال خدا، صنع خدا، ارکان خدا، جمع خدا، رسول خدا و قدرت خدا قرار دادم بر آنچه بخواهد».

و اگر او که در مسجد خوابیده است در خواب محتمل شد و یا خانمی در حین اشتغال به امور عبادی ایام عذر شرعی اش آغاز گشت، فوراً مسجد را ترک گفته تا به معصیتی مبتلا نشوند.

نشانه خوابِ روحانی: شاید به این وسعت، مطلب را دنبال کردن

ضرورتی نداشته باشد؛ لکن چون مایل بودم رساله‌ای فشرده با کمترین نقص به عزیزانم که امیدم اینست از دعایشان در شریفترین مکان فراموشم ننمایند پیشکش کنم، بی توجهی به طرح چنین بحثی را با سلیقه‌ام مغایر دیدم. همه آنان که با مسائل مربوط با خواب آشنائی داشته‌اند و در راه کمال نفس قرار گرفته‌اند، خواسته‌اند بدانند در چه مرحله از سلوک به این نعمت، نوازش شده‌اند که خوابشان هم روحانی است؟ می‌دانید که فرموده‌اند: «خواب برادر مرگ» می‌باشد. پس وقتی آدمی خوابید و بیدار شد، مُرده‌ای را ماند که در یوم النشور سر از بالین خاک در اطاق قبر برمی‌دارد.

اگر خوابیده چنین حالی برایش فراهم آمد که بدون جهت از خواب بیدار شود، توجه نماید در چه اندیشه است و یا به چه کلامی مترنم می‌باشد؛ اگر در افکار نفسانیت باشد، خواب نفسانی است و اگر در اندیشه

حیوانی به سر برد، خواب شیطانی و اگر با مسائل عالی الهی سرگرم باشد خوابش روحانی بوده است.

و مهمترین نشانه چنین شرافتی اینست که زبانش به کلمه جلاله الله - خدا - و نظیر آن مشغول باشد.

دوم: خوابی که به این بیداری توأم نباشد، نشانه غرق در مستی خوابست و خدای تعالی از چنین خوابی راضی نیست زیرا امام صادق - سلام الله علیه - آنجا که می فرمایند:

خداوند سه چیز را دشمن می دارد، فرموده اند: «نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ وَ ضِحْكٌ»^۱ یعنی «خوابی که بیداری با آن نباشد».

سوم: اگر از خواب روحانی محروم هستید و تمایل دارید چنین سعادت نصیبتان باشد، به چهار دستورالعمل توجه داشته آن را به کار گیرید:

اول: با وضو بخوابید.

دوم: یکی از ادعیه وارده را بخوانید.

سوم: آنقدر کلمه جلاله را بگوئید تا بخواب روید یا با تسبیحات حضرت زهرا - سلام الله علیها - انس کنید.

چهارم: هرگاه از خواب، در بین خواب بیدار شدید به دستوری که امام باقر - علیه السلام - فرموده اند عمل کنید، بگوئید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ»^۲ تا برای آنان که هنوز به این شرافت نائل نیامده اند، در خواب هم متذکر بودن، ملکه شود. آنان نیز بکنند آنچه مسیحا می کرد.

وقتِ خواب دیدن: البته انسان هر وقت استراحتی داشته باشد

ممکنست با صحنه‌هایی که برخورد داشته یا عقیده و آرزوئی که وجودش را پُر کرده‌اند در خواب به صورت رؤیا مطالبی را ببیند و این ممکنست به هر زمان و جایی رخ دهد. لکن آن عده از دل‌باختگان ولی الله الاعظم امام زمان - روحی فدا - که می‌خواهند تا حضرتش را در خواب ببینند و بیشتر می‌خواهند تا حضرت دوست را بیشتر در خواب ببینند و اگر بدانند مُردگان هم خواب می‌بینند، حاضرند بمیرند تا ولی نعمت و صاحب اختیار خود را برای همیشه در خواب ببینند، شدیداً به این دقت نظر دارند تا بدانند چه ساعاتی خواب از حرکات شیطان و القائنات او در امان است. رسول اکرم - صلوات الله علیه - فرموده‌اند: «أَصْدَقُ الرُّؤْيَا بِالْأَسْحَارِ» یعنی «راست‌ترین خواب‌ها را در سحرگاه توان دید»^۱ و اگر بخواهیم در این ساعت به خواب مذموم مبتلا نشویم، بهتر است به صورت معمولی در بستر ن خوابیم، بل همان شکل جنینی بسیار کارساز و مفید می‌باشد. و هیأت خواب را هم نخواهد داشت. البته چون به لحاظ دیدار و به نیت وصال یار می‌خواهد، اگر قسمتی از سحر را که وقت سفارش شده به بیداری است صرف خواب بکند مانعی ندارد.

زیرا مراعات تمامی دستورات شرع انور به جهت اینست که آدمی مورد توجه و عنایت صاحب شرع و شریعت قرار بگیرد. و اگر به عنایت بی‌علت لطف امام عصر - ارواحنا فدا - خوابگاه، میعادگاه شود چه اشکالی دارد وقت سحر را فدای این دیدار نمائیم.

عاکفان خیمه فراق که در تب دوری سوخته‌اند و با غم مهجوری

ساخته‌اند، گفته‌اند: «سحرم دولت بیدار به بالین آمد» و به من غم زده فراق و ماتم دوری را تحمل نموده که جامهٔ صبوری را دریده‌ام «گفت برخیز که آن خسرو شیرین آمد».

پس در پی رحمت هر برکت و فیض سحری، سپیدهٔ صبح وصال در افق تاریخ فراق می‌دمد، لسان الغیب اهل راز خواجهٔ شیراز در سحر، سرچشمه زلال آب حیات را دیده و بادهٔ تجلی صفات را سرکشیده است.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

بی خود از شعلهٔ پرتو ذاتم کردند

باده از جام تجلی صفاتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

و لذا اهل سلوک که قطع مسالک ناسوت کرده‌اند و بادیه فراق را طی نموده‌اند، بهترین ساعاتِ راز و نیازِ سالکانه و دریافت‌های عارفانه و دیدار عاشقانه را سحر دانسته‌اند و گفته‌اند «پیر میخانه سحر جام جهان بینم داد».

به همین اعتبار است که رسول خدا (ص) سحر را بهترین وقت دانسته‌اند.^۱

و اگر بخواهیم بین بیداری سحر و خواب مختصر آن جمع کرده باشیم، بهترین سبک و روش اینست که این ساعت را به استغفار و ذکر مشغول باشیم؛ آنقدر بی‌عدد مندرک بوده تا شکرِ ذکر بر ما مسلط شود و حالت

خواب رفتگی به اصطلاح عوام چرت زدن دامنگیرمان گردد که نه خواب هستیم و نه بیدار که شباهت به خوابیدن پیامبران پیدا می‌کند. زیرا آن ذوات مقدسه مانند همه مردم چشمهایشان می‌خوابید لکن بر خلاف مردم دل‌هایشان نمی‌خوابید»^۱

اگر غیر اهل عصمت و طهارت - علیهم السلام - که مشتاق هستند تشبه به آن زمین کرده به تن مطهران پیدا کنند، باید چنان هوشیارانه در خواب باشند که به واردی از ملاء اعلیٰ به خود آیند. زیرا در همین اوقات برقی از منزل لیلی مقصود، درخشیدن می‌گیرد و مجنون دل افکار را به مقصد می‌رساند.

دعای به رؤیت رسیدن

اهل دل که سعادت عشق ورزی به ساحت قدس حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - نصیبشان بوده و افتخار تشریف یافته‌اند، به استناد روایات وارده از ناحیه مقدسه معصوم - علیه السلام - پرده چهره رازی عزیز و مقدس را کنار زده‌اند و برای دیدار، یک دستور روزانه داده‌اند و فرموده‌اند: هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند و بر آن مواظبت نماید آنقدر عمر خواهد کرد تا به دیدار حضرت صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - مشرف خواهد شد، دعا چنین است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدِّقَ صَلَّوْا تُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدْتُ فِي قَبْضِ رُوحِ

عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَسَائَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِأَوْلِيَائِكَ الْفَرَجَ وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ وَلَا تَسُوتِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي فُلَانٍ.» (هر کس را می خواهید نام ببرید).^۱

و دعائی است اگر بخواهید علاوه در بیداری حضرتش را در خواب زیارت کنید، هر چند می توان بعد از هر نماز واجبی به آن مداومت نمود، قبل از خواب بهتر است در بستر نشسته یا اگر در مسجد جمکران یا سهله یا صعصعه یا کوفه یا امام حسن مجتبی هستید به همان ترتیب که گفته شد دعا را بخوانید سر بر زانو نهاده بخوابید. دعا در آخر کتاب آمده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيَّنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلِهَا عَنِّي وَ عَن وَالِدِي وَ عَن وُلْدِي وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجَدُّ لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عِشْتَ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الدَّائِمِينَ عَنْهُ وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَي عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرِّرًا كَفَيْتَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَدِّدًا قِنَاتِي مُلْبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي. اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ أَكْحُلْ بَصْرِي بِنَظْرَةِ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ وَ قَوِّ ظَهْرَهُ وَ طَوِّلْ عُمرَهُ وَ أَعْمِرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَحْيِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» فَاطْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيكَ وَ أَبْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ

رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَّقَهُ وَ يُحَقِّقُ
اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يُحَقِّقُهُ اللَّهُمَّ أَكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ
إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرِيهِ قَرِيباً وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

دارو دردِ فراق

عده‌ای از متوسلین به حضرت روح قرآن و قطب زمان هادی دوران صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ممکنست حوائج مادی دنیائی هم داشته باشند، لکن به اماکن مقدسه‌ای نظیر مسجد سهله، مسجد کوفه، مسجد صعصعه و جمکران که خدا از هر آفتی مصونشان بدارد مشرف می‌شوند، خواست و تمنائی جز دیدار حضرت یار دلارام ندارند و این مکانهای مقدس را آستان حضور حضرت دوست می‌دانند، برای این تبار علاوه بر آنچه در رساله شریفه «راه وصال به امام زمان» به قید تحریر در آورده‌ایم به ختم و توسلات زیر هم اشاره می‌نمایم:

اول: این دستور العمل را ستری از اسرار غریبه به جهت دیدار حضرت امام - ارواحنا فداه فداه - دانسته‌اند. هرکس ۴۰ روز صبح آن را بخواند خداوند دیدار حضرت مهدی را روزی او گرداناد.

ختم به این صورت است که در چهل روز ۱۷۴۸۸ مرتبه به صورت زیر هر روز ۳۶۰ مرتبه به غیر از روزهای دهم، بیستم، سی‌ام و چهلم که این چهار روز، روزی ۱۱۳۲ مرتبه دعای مورد نظر را بخواند.

با وضو، در جایی که پاک است رو به قبله بنشیند، صلوات بفرستد، از گناهان استغفار نماید، یک مرتبه بخواند: «يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ هُوَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يَا مَنْ هُوَ

بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ عَلِيُّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس اصل دعا را بخواند: «يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا فَاطِمَةَ وَبَنِيهَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَدْرِكْنِي يَا فَارِسَ الْحِجَازِ أَدْرِكْنِي يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ أَدْرِكْنِي وَلَا تُهْلِكْنِي».

همه روزه ۳۶۰ مرتبه جز روز دهم و بیستم و سیام و چهارم ۱۱۳۲ مرتبه بخواند.

و در انتهای هر روز یا روز چهارم در پی ذکر و دعاها ده مرتبه صلوات و فاتحه و اخلاص بخواند.

ختم دیگر: بعد از نمازهای واجب به عدد نام مبارک حضرت که ۵۹ یا ۱۵۱ می باشد بخوانید:

«يَا رَبَّ الْحُسَيْنِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ إِشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ بِظُهُورِ الْحُجَّةِ».

ختم دیگر: بعد از نماز در سجده بی عدد تکرار شود: «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالنُّورَةَ الْحَمِيدَةَ».

ختم دیگر: بعد از نمازها به سلام ثلاثه مرسوم عمل کنید، در انتها دستها را بلند کرده بگوئید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ».

برای این که از تکرار موضوعات مورد نظرتان خودداری کرده باشیم، حتماً به رساله «راه وصال امام زمان» رجوع نمائید که با دقت کامل به این مطلب پرداخته ایم.

توسل به امام زمان (عج)

یکی از ابواب نجات که غم بلیه‌های هول‌انگیز و وحشتناک را از دل می‌زداید و مضطر و امانده در گرفتاریهای کویر مادیات را رهائی می‌بخشد

تا در کوی عافیت خیمه آسایش و آرامش زند، توسل به ساحت قدس حضرت حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - است. این بیچاره درمانده در رساله مبارکه «راه وصال امام زمان» بیست و هفت (۲۷) ختم که مفتاح کارهای بسته می باشد، بیان داشته ام. به آن تاسی جوئید و به لحاظ این که رساله حاضر به کمبودی ناقص نشود، چند نمونه توسل نیز که به این رساله اختصاص دارد نقل می نمائیم تا مکمل ختومات رساله راه وصال امام زمان - ارواحنا فداه - باشد و انشاءالله اگر این دستورالعملها بلاگردان و غمزدا بود، از دعایتان فراموشم نفرمائید.

توسل اول: که جهت گشایش هر کاری بسیار مؤثر و مجرب است. ۷۰

مرتبه بگوئید: «یا الله یا محمد یا علی یا فاطمة یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکنی».

ختم و توسل دوم: زیر آسمان، خارج از سقف ایستاده با حال وضو

رو به قبله ۷ هفت بار بگوئید: «یا فارس الحجاز ادرکنی یا اباصالح المهدي ادرکنی یا اباالقاسم ادرکنی و لا تدعنی الی عاجز ذلیل».

ختم و توسل سوم: هرکس به غم و بلیه ای مبتلا آمد، به مدت

سیزده روز، هر روز هزار مرتبه در یک وقت معین با تسبیح تربت حضرت اباعبدالله الحسین - علیه السلام - هر روز به روح یکی از چهارده معصوم صلوات بفرستد: او به روح رسول خدا، دوم حضرت فاطمه زهرا (س) سوم علی - علیه السلام - تا حضرت امام حسن عسکری - ارواحنا فداه - و بعد رو به قبله تسبیح را آویزان نموده و هر وقت حاجتش بر آورده شد، هزار مرتبه صلوات به روح مقدس امام زمان فرستاده، قدرت خدا را مشاهده کند.

ختم و توسل چهارم: هرگاه چنان به ورطه‌ای افتادید که امکانی برای خلاصی از آن را فراهم ندیدید، هر روز صبح قبل از اذان و بعد از اتمام نمازها ۵۹ یا ۱۵۱ مرتبه بگوئید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِي أَمْرِكَ الْقَائِمِ اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ».

ختم و توسل پنجم: هرگاه امری شما را مضطرب کرد، در یک وقت و ساعت معین ۴۱ روز میان نماز مغرب و عشاء دو رکعت نماز حاجت بخوانید و ۵۹ مرتبه بگوئید: «يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دُعَاهُ وَ يَكْشِفُ الشُّوْءَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا حُجَّةَ بَنِي الْحَسَنِ الْأَمَانَ الْأَمَانَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي».

ادرکنی یک نفس، به هر تعداد ممکن شد بگوئید انشاءالله به مقصود نائل آئید.

ختم و توسل ششم: هر درمانده در امری برای رسیدن به حاجت در ثلث آخر شب دو رکعت نماز بخواند با حضور قلب و بعد از آن سر به سجاده گذارده، ۴۰ مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرُوحِ صَاحِبِ الزَّمَانِ الَّذِي مَا أَشْرَكَ بِاللَّهِ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي».

ختم و توسل هفتم: برای رفع هم و غم و اندوه و قرض و رهائی از چنگال دشمن و دفع ضررهای جانی و مالی بعد از نمازها تا چهل روز بخوانید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَ لِيكَ وَ حُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ إِلَّا اعْتَنَيْتَنِي بِهِ عَلَيَّ جَمِيعَ أُمُورِي وَ كَفَيْتَنِي بِهِ مُؤْنَةَ كُلِّ مُؤَدٍّ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ أَعْتَنَيْتَنِي بِهِ فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُورِي وَ كَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوٍّ وَ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ دَيْنٍ وَ وُلْدِي وَ جَمِيعَ أَهْلِي وَ إِخْوَانِي وَ مِنْ يَعْنِي أَمْرُهُ وَ خَاصَّتِي آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

نماز هدیه

از جمله روشها برای رسیدن به حوائج، هدیه نماز به حضرات ائمه طاهرین - علیهم السلام - می باشد که دارای فیوضات خاصی است. اگر چهل روز دو، دو رکعتی نماز - چهار رکعت - نماز به حضرت صاحب الزمان هدیه کند و در بین دو رکعت بخواند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْهُ أَيَّاهَا وَ أَعْطِنِي أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ» حاجت بخواهد به عنایت حضرتشان به مقصود خواهد رسید.

نماز حاجت

حضرت مولایمان در تشرفات دستوراتی فرموده اند که هر کدام برای رسیدن به حوائج، باب المراد است؛ مانند زیارت عاشورا، زیارت جامعه و ... از جمله نمازی را دستور فرموده اند که در کتابهای متعدد به طرق معتبر و مختلف روایت گردیده. حقیر به نظرم آمده جمع بین آنچه فرموده اند بشود تا به تمام آن طرق عمل گردیده و به طور حتم و یقین دارای برکات و عنایات خاصی خواهد بود. زمان این نماز را شبهای جمعه نقل کرده اند. در هر مکانی که هستید و می توان چهل شب جمعه یا چهل شب چهارشنبه یا چهل شب به صورت زیر خواند:

دو رکعت است، در هر رکعت حمد را تا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می خوانید، سپس صد بار می گوئید «ایاک نعبد و ایاک نستعین» حمد را تمام کرده، سوره اخلاص - قل هو الله - را می خوانید. ذکر رکوعها و

سجده‌ها را با هفت مرتبه به صورت «سبحان ربی العظیم و بحمده» و «سبحان ربی الاعلی و بحمده» به جا آورده. قنوت را به صورت طولانی بخوانید که کلمات فرج و صلوات بر حضرت داشته باشد و شایسته است دعائی را که حضرت علی امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - در خواب به بعضی از صالحین امر فرموده‌اند خواند:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْخَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» ادعیه‌ای را که حُسن عاقبت بخیری و رسیدن به حوائج و دفع شر دشمنان است بخواند خوب است.

بعد از سلام نماز بخواند تهلیلی را که پیامبر اکرم فرموده‌اند: دعای من دعای پیغمبران پیش از من است «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و سپس تهلیلی را بگویند که رسول خدا - صلی الله علیه و آله - در روز فتح مکه فرموده‌اند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

سپس تسبیح حضرت فاطمه مظلومه شهیده - سلام الله علیها - را که در تعقیب نمازهای یومیه وارد شده است بخوانید و بعد تسبیح معروف آن حضرت را که بعد از نمازشان وارد شده است بخوانید. «سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ شَامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَلَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ

سُبْحَانَ مَنْ يَرَىٰ أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفا سُبْحَانَ مَنْ يَرَىٰ وَقَعَ الطَّيْرِ فِي الْهُوَاءِ
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا لَا هَكَذَا غَيْرُهُ.»

و در پی این تسبیح صد مرتبه صلوات بر محمد و آل او بفرستید و در
پی، این دعا را بخوانید که علامه حسن بن فضل طبرسی در مکارم
الاخلاق آورده‌اند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَطَعْتُكَ فَالْمَحْمَدَةَ لَكَ وَإِنِّي عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةَ لَكَ مِنْكَ الرَّوحُ
وَمِنْكَ الْفَرْجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ اللَّهُمَّ إِنِّي كُنْتُ
عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيمَانُ بِكَ لَمْ أَتَّخِذْ
لَكَ وُلْدًا وَ لَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لِأَمْنًا مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ وَ قَدْ
عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَىٰ غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ وَ لَا الْخُرُوجِ عَنِ عِبُودِيَّتِكَ وَ لَا
الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَ لَكِنِّي أَطَعْتُ هَوَايَ وَ أَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ فَلَكَ الْحُجَّةَ عَلَيَّ
وَ الْبَيَانَ فَإِنِّي تُعَذِّبُنِي فَبِدُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ لِي وَ إِنِّي تَغْفِرُ لِي وَ تَرْحَمُنِي فَإِنَّكَ
جَوَادٌ كَرِيمٌ أَنْقِدْ رَأْسِي كَمَا أَنْقَدْتَ رَأْسَ نَارِ كَلْبٍ إِذَا نَفَسَ قَطَعَ غَرْدًا.

سپس بگوید:

يَا أَمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ
شَيْءٍ وَ خَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ
تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ سَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّىٰ لَا أَخَافُ
وَ لَا أَحْذِرُ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ
يَا كَافِيَّ إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ وَ يَا كَافِيَّ مُوسَىٰ فِرْعَوْنَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

و بعد دعائی را که سید بن طاوس - قدس الله روحه العزیز - نقل

نموده‌اند بخواند.^۱

بعد از اتمام هر دو دعا که برای رسیدن به مقصود، رعایت جانب احتیاط می‌باشد، هفتاد مرتبه بگوید «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

و بعد به سجده برود، دویست بار بگوید یارب یارب... و هر حاجتی که دارد بخواند.

نوشته‌اند این نقل از لفظ مبارک امام - علیه السلام - است که فرمود: «فَمَنْ صَلَّى صَلَاتَهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ»^۲ یعنی «هرکس این دو رکعت نماز بگذارد چنان است که دو رکعت نماز در کعبه گزارده باشد». و بعد به عدد نام مبارک حضرتش - ۵۹ یا ۱۵۱ - صلوات بفرستید.

ضامن استجابت دعا

برای این که رساله از مقصود فشرده نویسی خارج نشود به طور اختصار به موضوعاتی که در استجابت ذکر و دعا و ورد مؤثر می‌باشد اشاره می‌نمائیم:

الف: نخست بهتر است به عدد اسم خودتان مثلاً محمد (۹۲) و علی (۱۱۰) یا فاطمه (۱۳۵) استغفار کنید تا اگر عصیانی سد استجابت است محو گردیده و مکرر بخوانید.

یا رب اگر گناه من شده سبب دعای من

یا رب مرا به حالت اهل دعا ببخش

۱ - در صفحه ۶۳ همین کتاب درج شده است.

۲ - جنة المأوی میرزا حسین نوری ص ۲۳۰ حکایت.

مرحوم خادم آل الرسول، حیدر آقا تهرانی متخلص به معجزه که از بقیة السلف اهل سلوک بود، به این پیشه تأسی داشت و می فرمود برکات این خواسته را دیده‌ام.

ب: قبل و بعد ادعیه و اذکار و اوراد، فرستادن صلوات را ضامن استجابت دانسته‌اند. پس بهتر است قبل از شروع به توسل و ختومات و اذکار و اوراد و ادعیه، به عدد اسم رسول خدا - ۹۲ یا ۱۳۲ - صلوات بفرستید. سپس به صلواتی که ابن بابویه از جناب ابو حمزه ثمالی روایت نموده‌اند - و حضرت امام صادق - علیه السلام - فرموده‌اند این گونه صلوات فرستادن تمام گناهان را محو می‌کند - تأسی جسته، قبل از شروع بخوانید: «**صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ**» چون تعدادی معین نشده است، شما چهارده مرتبه بخوانید که با فیض توجه معصومین - علیهم السلام - قرین باشد.

ج: مولایمان حضرت علی بن ابیطالب فرموده‌اند: هر کس دوست می‌دارد که دعایش رد نشود، پیش از آغاز کردن به ادعیه و اذکار و اوراد بخواند: «**مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجَّهًا إِلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعْبُدًا لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَلَطُّفًا لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَذُلًّا لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِنْضَارًا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِكَانَةً لِلَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ تَضَرُّعًا إِلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِغَاثَةً بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِغَاةً بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لِأَحْوَالٍ وَ لَأَقْوَةِ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.**»

و انشاء الله به حرمت کلام نفس و عین و نظیر رسول خدا - صلوات الله علیه - مولایمان علی مرتضی - سلام الله علیهما - دعا یمان به نعمت اجابت قرین باشد.

د: کثیری از اهل ذکر و دعا بر این عقیده‌اند دعائی را که حضرت امام حسین - سید الشهداء، علیه السلام - به سید الساجدین - علیه السلام - تعلیم فرموده‌اند، بعد از ذکر و دعا بهترین تأیید کنندهٔ مطلب و مؤید استجابت است.

قطب راوندی - رحمة الله علیه - در کتاب دعوات می‌نویسد: «حضرت سجاد فرموده‌اند: روز عاشورا پدرم امام حسین (ع) در حالی که خون جوش می‌زد مرا به سینه چسبانید و فرمود: پسر جان دعائی را که حضرت زهرا - سلام الله علیها - از رسول خدا (ص) و او از جبرئیل آموخت و به من تعلیم داد حفظ کن از برای هر حاجت و مهم و غم و پیشامد کار بزرگ و هر مصیبتی مفید است و فرمود دعا کن و بگو: یعنی دعا کردی این دعا را بخوان.

إِلَهِي بِحَقِّ يُسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِّ طُهُ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ
عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مَنْفَسُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا
مُخْرِجُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا مَنْ
لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي.

بخواهید که دعاهایتان مستجاب شود. به طور حتم و یقین به آن لحظات دلخراش که ساکنان ملاء اعلیٰ را به ضجه و شیون واداشته بود دعايمان به درگاه اجابت خواهد رسید.

خدمت

نزدیکترین راه به قرب

اهل سلوک که به عملکرد آل بیت - علیهم السلام - توجه داشته‌اند، بر خلاف تبار صوفیان طی طریق کرده‌اند از شناسائی کثرت به خلوت توجه یافته‌اند. به این یقین رسیده‌اند با یک دل و دو دلبر نمی‌توان قطع بادیه فراق نمود. به همین لحاظ درب آمد و شد بر دل را بر روی این و آن بسته‌اند. دلشان جز یک دلبر نداشته و به خدمت عاکفان کوی دوست که رهروان وادی معرفتند قیام نموده‌اند به «خدمت» زیرا در آئین مقدس اسلام اهمیت فوق العاده‌ای به آن مبذول داشته. اینان که در خدمت یک دلبر درآمده‌اند، معتقدند به اعتبار کلام مبارک نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - «فَمَنْ سَبَقَهُمْ بِخِدْمَةِ لَمْ يَسْبِقُوا بِعَمَلٍ إِلَّا الشَّهَادَةُ»^۱ با هیچ کاری جز شهادت نمی‌توان از سبقت گیرنده در خدمت پیشی گرفت و لذا فرمایش خواجه کائنات، اول مخلوقات - صلوات الله علیه و آله - را شعار نموده و گفته‌اند: «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ»^۲ مهتر و سرور قوم کسی است که به آنان خدمت می‌کند و به طور حتم این عابدان معتکف کوی دوست به راز «إِنَّ اللَّهَ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا دَامَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ»^۳ که رسول خدا فرموده‌اند رسیده‌اند و به جان یقین کرده‌اند «تا وقتی که بنده در راه کمک رسانیدن به برادر دینی خود باشد، خدایش کمک فرماید»^۴

و به سفارش امام صادق - علیه السلام - که فرموده‌اند «إِخْدِمَ أَخَاكَ» (خدمت برادرت کن) توجه نموده، از جمله اعمالی که انسان را به حوائج

۱ - یعنی «اگر یکی با خدمتی از آنان سبقت گیرد آن قوم با هیچ کاری از او پیشی نگیرند مگر در شهادت» (کنز العمال ج ۶ ص ۷۱۰).
 ۲ - همان: ج ۶ ص ۷۱.

۳ و ۴ - مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۴۱۱ متن و ترجمه آن.

می‌رساند خدمت دانسته، و الحق چه سعادت‌تی است عاشق به خدمتِ هواداران و دل‌باختگانِ حضرتِ شاهِ عشق یا اماکنی که به قدم مبارک مولایمان متبرک شده است. مانند: مسجد سهله، کوفه، صعصعه و جمکران کمر همت بسته، عاشقانه با خدمت طی مسافت بین فراق و وصال را بنماید و در حالی که خادم بوده است، از هجران گذر کرده، به آغوش سعادت دیدار افتد. زیرا علی مرتضی امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - فرموده‌اند: «وَمَنْ خَدَمَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ خَدَمَهُ» یعنی «کسی که خدای سبحان را خدمت نماید، خدا در خدمت او خواهد بود»^۱ به علاوه حضرت امام صادق - علیه السلام - فرموده‌اند: خدای تعالی به دنیا وحی نموده است «أَنْ أَخْدِي مَنْ خَدَمَنِي وَآتَعِبِي مَنْ خَدَمَكِ»^۲ یعنی «به هر کس که به من خدمت کرد، خدمتگزاری کن و هر کس که به تو خدمت کند وی را در رنج و زحمت نیفکن» و چون به استناد آیه اطاعت، اطاعت از امام و پیامبر عیناً تبعیت از خداست، پس خدمت به امام و پیامبر و رهروان صراط نبوت و ولایت خدمت به حق تعالی می‌باشد.

در این صورت خدمت، دنیا را خادم آدمی نموده و به فرموده رسول خدا(ص) «إِنَّمَا مُسْلِمٍ خَدَمَ قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَّامًا فِي الْجَنَّةِ»^۳ یعنی «هر مسلمانی که خدمت مسلمانان دیگر کند، بر خدا است که به تعداد افراد خدمت شده در بهشت به آن مسلمان، خدمتکار عطا فرماید» و کدام بهشتی از رضوانِ توجّه امام به آدمی والاتر که ذلیل را عزیز می‌کند. در این صورت خدمت از جمله ابواب رحمت خدا و

۲ - بحار الانوار ج ۷۵ ص ۲۰۳.

۱ - غررالحکم ج ۲ ص ۷۱۲.

۳ - وسائل ج ۶ ص ۵۹۴.

محمد و آل طاهرین، خاصه ابی الوقت، مولی الزمان، صاحب الامر - روحی فداه - می باشد.

به اعتبار آن چه نقل شد، چه خوش است بل چه سعادت می باشد که زائر حرم جمکران، ساعتی از مدت زمان اقامت خویش در جمکران را به خدمت اختصاص دهد و این را به دو شکل می توان انجام داد:

اول: زائر عاشق که امید به تجلی حضرت دوست و دستگیری او دارد، بدون این که به مسئولین اداره امورات حرم جمکران بگوید، به خدماتی مانند جمع کردن مهرهای نماز که در صحن مسجد بر اثر بی توجهی بعضی زائران زیر دست و پاست، به جای اصلیش گذاشتن و هر گونه باز مانده اقامت زائران از قبیل کتاب دعا و تسبیح و... یا دستمال کاغذی و کیسه کفش و نظیر اینها و برداشتن چشم گیرهایی که در ردیف اشغال می باشند و صحن حیاط را کثیف کرده اند و شستن دستشوئی ها، مستراح ها که بسیار حائز اهمیت است، وقتی را صرف کند.

در شرح احوال عارفان به مقصد اقصای آرزو رسیده، برخورد می کنیم که نخست در اماکن عمومی یا مدرس خود به خدمت مستراح گماشته شده اند.

و هر گونه خدمت دیگری که می توان بدون رجوع به مسئولین حرم مطهر جمکران به آن اشتغال داشت.

دوم: می توان به کشیک خانه خدام حرم مراجعه نمود، استدعا کرد او را افتخاراً به خدمتی مأمور فرمایند و آنچه را معین و مقدور فرمودند به جان پذیرفته و نوکری آستان ملائک پاسبان حضرت مولای عالمیان را بر پادشاهی ترجیح دهد و مقدم دارد.

انواع خدمت

این مسلم است که خدمت در آنچه گفتیم خلاصه نشده و نمی‌شود، بل به شکل‌های مختلف می‌توان چنین سعادت‌ی را در کنار افتخارِ جارو‌کشی حرم یا نظافت دستشوئی و نظیر آن کسب نمود:

الف: اگر افتخار نداشتیم که در حرم جمکران به خدمت قیام کنیم، می‌توانیم پیروان صالح حضرت مولایمان را دیدن کنیم که حضرت فرموده‌اند: «ثواب زیارت ما برایش نوشته می‌شود».^۱

ب: خدمت کردن به مولایمان صاحب العصر و الزمان با انجام دادن اموراتی که حضرتش به آن امر فرموده‌اند؛ برای نمونه خدمت به والدین.

ج: خدمت به وسیله اموری که تجلیل و توقیر یا نصرت و یاری و یا احسان به آن ذات نازنین الوجود محسوب می‌شود هر چند که امر صریح یا خاص به آن عمل نشده باشد.

د: به مناسبت روز تولد و ظهور جسمانی حضرت حجة بن الحسن العسکری از مریض‌هائی که بی‌سرپرست هستند یا اگر هم کسانی را دارند به لحاظ واگیری مرضشان عیادت کننده ندارند یا اطفال یتیم و سالمندانی که در مراکز عمومی و خصوصی پرستاری می‌شوند از جمله خدمات ارزنده است.

ه: نقل فضائل حضرت با تألیف کتاب اگر نشد با خواندن آن فضائل برای دیگران و یا خریداری نمودن و هدیه به ارادتمندان حضرت دادن و یا وقف کتابخانه‌های عمومی نمودن.

و: هدیه به خادمین حضرتش دادن که نیکان امت محسوب می‌شوند.

ز: در سالروز ظهور جسمانی آن زمین کرده به تن مطهر، به خدمت مالی و قدمی قیام نمودن.

ح: آنهایی که دارای وسیله شخصی هستند به هر مقدار راه که می‌توانند زائران را به میعادگاه دیدار برسانند، توانسته‌اند فیض خدمت را به خود اختصاص دهند.

ط: در نام گذاری فرزندان خود یا دیگران که با شخص مشورت می‌کنند نام حضرتش را به طریق‌های گوناگون مثلاً «عبدالمهدی»، «غلام مهدی»، «عبدلحجه» و نظیر اینها بر فرزندان نهادن و به نوعی به این مهم تشویقشان نمودن.

ی: آن عده از ارادتمندان حضرتش که توانائی بنای مسجد یا کتابخانه یا درمانگاه و نظیر اینها را دارند، تأسیس نموده و به نام مبارک آن بزرگوار مشهور و معروفش سازند و در صورت امکان هفته یا ماهی یک بار به طور رایگان در درمانگاه بیماران مورد معالجه قرار گیرند.

ک: قبل از سالروز ظهور جسمانی حضرتش اعلام دارند هر نوزاد پسر یا دختری که در آن روز متولد می‌شود، اگر نامش را به مبارکی و میمنت آن روز، نام آن بزرگوار بگذارند مورد این گونه... محبت قرار می‌گیرد.

ل: اگر مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مهدیه‌ها و... شب و روز تولد آن حضرت به هر کس که نامش، نام مبارک حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - می‌باشد جائزه‌ای بدهند تمام شهر به این شهرت خواهد یافت و چه بجاست که افراد متمکن در محله‌های خویش چنین سنتی را مقرر و معین نمایند و یقیناً از مهمترین شعائر اسلامی - شیعی خواهد بود.

م: چه بجاست در مجالس و محافل مذهبی که با بردن نام رسول خدا

صلوات فرستاده می‌شود، با شنیدن نام مبارک علی بن ابیطالب و حجة بن الحسن - سلام الله علیهما - نیز حاضرین عرض ادب نموده، فضای مجلس را با صلوات فیض باران کنند.

ن: ذاکر که به ذکر شریف و مبارک صلوات اشتغال دارد و در مجامع عمومی که با صدای بلند می‌باید صلوات فرستاده شود زیبنده است که به و «عجل فرجهم» صلوات را کامل نمایند.

وظیفه ما در ایام غیبت

از جمله سنت‌های برخاسته از سینه سینای غدیر که تا امروز حفظ شده است و غدیریان - شیعیان - به آن حساسیت داشته‌اند، پیروی کردن از ائمه آل بیت - علیهم السلام - و الگو قرار دادن آن ذوات مقدسه در اخلاق و اعمال و کردار می‌باشد که تا کنون مؤمنان به امامت امامان دوازده گانه، به حسب حال خود انجام داده‌اند و باید به این یقین بارور بود که معنی تشیع و حقیقت مأموم از امام بودن همین است و با این اقتداء و پیروی کردن، از نور علوم امام برخوردار می‌شود. زیرا علی بن ابیطالب - سلام الله علیهما - نامه‌ای به عثمان بن حنیف فرماندار بصره می‌نویسند: «توجه کنید که هر مأمومی را امامی هست که به او اقتدا می‌کند و از نور علمش برخوردار می‌گردد»^۱ و متقابلاً او را نتوانسته مأموم باشد یعنی اقتداء نماید و اطاعت کند مبعوض‌ترین نزد خداوند شناخته، زیرا علی بن الحسین - سلام الله علیهما - فرموده‌اند: «مبعوض‌ترین مردم نزد خداوند

کسی بوده است که به سنت و مذهب امامی بوده باشد و به اعمالش اقتداء نکند»^۱ در این صورت امروز که شیعیان مأموم حضرت حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - می‌باشند، می‌باید به اعمال حضرتش اقتداء نمایند تا رستگار شوند. زیرا به اعتبار کلام مبارک امام صادق (ع) که فرموده‌اند: «نَحْنُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ وَمِنْ فُرُوعِنَا كُلِّ بَرٍّ وَعَدُونَا أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ فُرُوعِهِمْ كُلِّ قَبِيحٍ وَفَاحِشَةٍ»^۲.^۱ یعنی: «ما اصل و ریشه هر خوبی هستیم و هر نیکی از فروع ما می‌باشد و دشمنان ما اصل و ریشه همه شرها و بدی‌هایند و هر کار زشت و قبیحی از فروع آن‌هاست»، سرچشمه زلال فضیلت‌ها که مبداء و منشاء نیکی‌هاست از امامان جاریست؛ یعنی هر خیری از آن ذوات مقدسه آغاز و به وجود نازنینش ختم می‌گردد.

علاوه حق تبارک و تعالی که پیامبران را برای تضمین هدایت و سعادت، خوشبختی و نیک‌اندیشی به رسالت مبعوث نموده، همه و همه مبشر این حقیقت بوده‌اند: هیچ کس اختیار آن را ندارد تا از غیر عرشیان خاک نشین پیروی کند. چنان که حضرت امام صادق - سلام الله علیه - فرموده‌اند: «وَاللَّهُ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ خَيْرًا فِي أَتْبَاعِ غَيْرِنَا...»^۳ یعنی «به خدا قسم! خدا اختیار به کسی نداده در پیروی کردن از غیر ما» حضرت امام باقر - علیه السلام - نیز فرموده‌اند: «اگر کسی تمام شبهای خود را به نماز و تمام روزهایش را به روزه بگذراند و تمام مال خویش را صدقه دهد و همه عمر خود را حج‌گزارد، ولی ولایت ولی خدا را نشناسد و دوستش ندارد و همه کارهای خود را به رهنمائی او انجام ندهد، به خدا حق ثوابی

۲ - وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۴۷.

۱ - اصول کافی ج ۲ ص ۷۷ ح ۹.

۳ - وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۸۵.

ندارد و در زمره اهل ایمان به شمار نخواهد آمد.^۱

در این صورت شیعیان می‌باید به ایام غیبت کبری «همه کارهای خود را به رهنمائی او و نواب عامه حضرت که به زمان غیبت کبری حجت‌های آن بزرگوارند انجام دهد.

چگونه برای تشیع زینت باشیم؟

معصوم - علیه السلام - شیعیان خود را به موضوعی بسیار مهم توجه داده‌اند: «**كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا سِينًا**»^۲ یعنی «برای ما زینت باشید و مایه ننگ ما نشوید» شیعیان کوشا بوده‌اند با اقتداء به عملکردهای امامان خود، هم مایه ننگ نباشند و هم از جمله مبعوض‌ترین افراد به حساب نیایند و البته این پیروی انسان را به رتبه و درجه اهل ایمان می‌رساند و او را در جایگاه مؤمنین به لحاظ مؤمن بودن با آنان جلیس می‌سازد و این به جهت پیروی کامل کردن، حاصل شود. چنان که امام صادق فرموده‌اند: «ما کسی را مؤمن نمی‌شماریم تا این که نسبت به تمام امر ما پیرو و علاقمند باشد»^۳ از کلام امام - علیه السلام - چنین مستفیض می‌شویم که تکامل یعنی به کمال نفس نائل آمدن به وسیله تبعیت از معصوم - علیه السلام - تحقق می‌یابد.

این پیروی تنها در امورات عبادی و نظیر آن نیست، بلکه می‌باید در تمامی امور به آنان تاسی جسته از ایشان تبعیت کنند که اطاعت و پیروی، خود نوعی ترویج از آرمان ولایت کبری به شمار می‌رود و درست همان

۲- اصول کافی ج ۲ ص ۷۷ ح ۹.

۱- وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۴۴.

۳- اصول کافی ج ۲ ص ۷۸ ح ۸۳.

دستوری است که فرموده‌اند: «مردم را با غیر زبانهایتان (به مذهب خویش) دعوت کنید»^۱ یعنی اعمالتان، کردارتان، رفتارتان چنان تأثیر داشته باشد که گفتارِ مبشران دارد.

در کنار سبک زندگی خصوصی که می‌باید نمونه‌ای از عملکردهای امامان - علیهم السلام - باشد و ناظران را با یک روش اسلامی مواجه سازد، از جمله وظائفی است که منظور امام - علیه السلام - را تأمین نموده، بدون این که زبان نقشی را ایفاء کند و سخنرانی ارشاد مآبانه صورت پذیرد و اثر بخشی نماید، انسان می‌تواند به نتیجه‌ای که مبشران حق و حقیقت با سخنرانیها به آن دست یافته‌اند دست یابد موضوع بسیار حساس و حائز اهمیت تربیت فرزندان به رویه و سیره ائمه آل بیت - علیهم السلام - است. که پیروی از برنامه تکوینی خداوند می‌باشد.

اگر تربیت صحیح تحقق یابد، جوان آینده در دوران کودکی به درستی پرورش یابد و از راهنماییهای لازم برخوردار شده، فن زندگی را به خوبی فراگرفته باشد می‌تواند تا پایان عمر از اندوخته‌های تربیتی خویش استفاده کند. خود را به شایستگی با محیط خانواده و اجتماع منطبق نماید. هم ایام زندگی را با خوشبختی و سعادت بگذراند و هم نحوه زندگی فردی و اجتماعی اش بهترین تبلیغ برای اسلام محسوب شود. و برعکس آنان که در دوران کودکی نادرست تربیت شده، از سیره آل الرسول - علیهم السلام - دور افتاده‌اند، در جوانی و بزرگسالی راه صحیح زندگی نمی‌شناسند و با خلیات زشتی که دارند هم قادر نیستند خود را به خوبی با جامعه منطبق کنند و هم ترویج کننده بدی در تخریب اسلام به شمار

می‌روند و بدبختانه مانند امراض ساری از نسلی به نسل بعد سرایت می‌کند.

دختران و پسران جوانی که خود در کودکی بد تربیت شده‌اند و گرفتار بیماری فساد اخلاقند، اگر فرزند بیاورند بدون آن که خودشان بخواهند یا بدانند، صفات مذموم و خلیات ناپسند خویش را که بر اثر دوری پدران و مادران از اسلام اصیل، چون بیماری به آن‌ها انتقال یافته، آنان نیز به فرزندان خویش منتقل می‌کنند. هم بدبخت و منحرف بار می‌آیند و هم قادر نیستند با اعمال خود مبشری برای اسلام باشند. پس همانطور که علی امیرالمؤمنین - علیه السلام - فرموده‌اند: «وَلَدُ السَّوِّءِ يُهْدِمُ الشَّرْفَ وَ يَشِينُ السَّلْفَ» یعنی «فرزند بد بنیان شرف را واژگون می‌سازد. موجب عیب و ننگ گذشنگان می‌گردد»^۱ به اعتبار «يُفْسِدُ الْخَلْفَ»^۲ فسادآیندگان را هم تأمین می‌کند. در حقیقت نه تنها شرف انسانی، بل شرافت اسلامی را واژگون نموده، آینده‌دنیای اسلام را با فساد مواجه می‌سازد.

در این صورت یکی از روش‌هایی که می‌توان مردم را با غیر زبان به مذهبمان دعوت کنیم تمام اموراتی است که عمل آدمی در آن نقش مؤثر دارد و از جمله آنها تربیت فرزندانمان به روشی است که پیشوایان آسمانی اسلام تعلیم داده‌اند. و این بهترین بخشش مربیان به فرزندانشان می‌باشد. زیرا علی مرتضی امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - فرموده‌اند: «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَ لَدَا نَحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنِ»^۳ یعنی «هیچ پدری بهتر از ادب شایسته و خوب، چیزی به فرزند خویش نبخشیده است» و حضرت امام

۱ - غرر الحکم ج ۶ ص ۲۲۲.

۲ - ج ۶ همان.

۳ - مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۶۲۵ مسند احمد حنبل ج ۴ ص ۷۸.

صادق فرموده‌اند: «إِنَّ خَيْرَ مَاوَرَّثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْآدَبُ الْإِلْمَالُ»^۱ «همانا بهترین چیزی که پدران به فرزندان خود میراث می‌دهند ادب است نه مال» و این بهترین باقیات الصالحاتی است که با غیر زبان - گفتار و سخنرانی - می‌تواند مروج اسلام ناب محمدی باشد.

شوق آفرینی

نسبت به امام زمان

و اگر بخواهیم عملاً از جمله مبشران مولایمان حجة بن الحسن العسکری - ارواحنا فداه - باشیم، بدون این که از زبان استمداد طلبیم و روش سخنرانی و خطابه را بیاموزیم، هم بهترین مبشر باشیم و هم با مرگ این افتخار را از دست ندهیم، علاوه بر تأسیس مراکز علمی، درمانی، کمک‌رسانی که به نام مبارک حضرتش مزین باشد، می‌باید پایه‌های روش زندگی خودمان را بر اساس سیره امامان - علیهم السلام - گذاریم. یعنی چنان زندگی کنیم که مورد تأیید و قبول حضرت بقیه خدا، امام زمان - ارواحنا فداه - باشد. مهمترین آن داشتن فرزندان خادمان و ناشر فضیلت‌هاست که انسان‌ها را از سقوط در پرتگاه نابودکننده حیوانیت حفظ می‌نمایند و از سرایت بیماریهای اخلاقی جلوگیری نموده، مانع می‌شوند بلای بی‌اعتقادی مانند امراض ساری از هر نسلی به نسل بعد سرایت کند.

پس وقتی به این یقین رسیدیم تربیت خوب و یا بد سازنده افراد اجتماع است، اگر خودمان که آرزوی فرزند داریم خویش را مورد

وارسی‌های دقیق قرار ندهیم و یقین حاصل نکنیم که شایستگی پدر و مادر شدن - مربی - داریم یا نه، نباید به چنین مهمی سرنوشت ساز اقدام نمائیم. زیرا کسانی که در کودکی بد تربیت شده‌اند و این بدی را با خود تا این زمان همراه آورده‌اند، گرفتار بیماری فساد اخلاقند؛ اگر فرزند بیاورند بدون آنکه خودشان بخواهند یا بدانند صفات مذموم و خلیقات ناپسند خویش را به فرزندان خود منتقل می‌کنند. در حقیقت آنان را بدبخت و منحرف بار می‌آورند. به این اعتبار، اول خود را از لحاظ شایستگی به مرتبه‌ای که شایسته پدر و مادر شدن است می‌رسانیم، سپس با اطعمه و اشربه کاملاً طیب و طاهر و دوری از هرگونه محرّمات، همانطور که شرع انور، و معلمان سعادت بشر راهنمایی نموده‌اند، اولین مرحله را پشت سر می‌گذاریم و سپس در دوران بارداری، مادر را به پاسداری از طهارت و عصمت، عفت در کلام و نگاه و مصرف حمایت نموده، حتی پس از تولد نوزاد چون شنیدن‌ها و دیدن‌ها برای دلبستگی‌های آینده‌کودکی و نوجوانی بسیار مؤثرند، نوزادمان را با صدای تلاوت قرآن و صحنه‌های شوق‌انگیزی که او را به دامن پیشوایان آسمانی افکنده تا تولید محبت امامان، خاصه حضرت بقیة الله الاعظم - روحی فداه - نماید تقویت معنوی می‌کنیم.

ولی آن چه می‌باید به آن توجه کامل داشت و هرگونه غفلت می‌تواند مسیر زندگی فرد، در حقیقت چون فرد جامعه را می‌سازد، اجتماع را معین نماید، از پس تولد نوزاد است و نخستین آن، طرح بحث مورد توجه ماست که اولین حق فرزند بر والدین می‌باشد و اگر مراعات نگردد می‌تواند نوزاد را به همان سو بکشاند که از آن جاست. و این مهم سرنوشت ساز،

انتخابِ نام فرزندان می‌باشد که ممکنست تا این اندازه تعیین کننده ندانیم؛ ولی مسلماً نامها خُلق و خوی را به همان جایی می‌کشانند که از آنجا هستند و این را می‌توانیم از حساسیت پیشوایان آسمانی آئین مقدس اسلام فهم کنیم که از جمله حق فرزند بر پدر دانسته‌اند. رسول خدا - صلی الله علیه و آله - می‌فرمایند: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ وَ يُحْسِنَ مَوْضِعَهُ وَ يُحْسِنَ أَدَبَهُ»^۱ یعنی حق فرزند بر پدر آنست که نام نیک بر او گذارد و جایگاهش را نیکو کند (محیط زندگی تحصیلی) و در حسن ادب او بکوشد. دقت در کلام مبارک حضرت نبوی ما را متوجه می‌سازد که حُسن ادب - ادب شایسته - و جایگاه مناسب برای رشد جسمی و فکری - خانه و مدرسه - هم تأثیر با نام نیک را نخستین نیکی پدر به فرزندش می‌دانند و می‌فرمایند: «أَوَّلُ مَا يَبْرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمٍ حَسَنٍ...»^۲ یعنی «نخستین نیکی که پدر به فرزندش می‌کند انتخاب نام نیک برای اوست».

و ما می‌گوئیم انتخاب نام، شوق آفرینی در جامعه برای صاحب اصلی نام می‌کند؛ لذا می‌بینیم حتی امامان - علیهم السلام - با انتخاب نام‌های فرزندان خویش دو موضوع را به ما تفهیم نموده‌اند: این که نام نیک، نام ایشانست و دیگر اصرار داشتن به چنین روشی.

شنیده دارم امام بزرگوارمان سیدالشهداء حسن بن علی - سلام الله علیهما - وقتی مورد سؤال قرار می‌گیرند چرا نام فرزندان خویش را به «علی» اختصاص داده‌اند؟ می‌فرمایند: خداوند، هر چند فرزند پسر عنایتم

۱ - نهج الفصاحه ص ۲۹۳.

۲ - وسائل الشیعه ج ۷ ص ۱۲۲ فروع کافی ج ۶ ص ۱۸.

فرماید، آنان را «علی» نام خواهیم گذاشت. یعنی هر کس به محبت ما سرافراز و به ولایت ما قوی و امامت ما معتقد است، در حقیقت بهشت و رضوان موعود جایگاه او می‌باشد، وظیفه دارد از ما پیروی کند؛ در این مقطع (نام گذاری فرزند) نام ما اهل بیت را بر فرزند خویش گذارد که این بهترین روش ترویج سیره آل بیت - علیهم السلام - به غیر زبان است و امام - علیه السلام - فرمود: «مردم را با غیر زبانهایتان (به مذهب خویش) دعوت کنید»^۱

و هر کس چنین افتخاری نصیبش نشود به چند تخلف فتنه‌انگیز مبتلا گردیده:

اول: برخلاف دستور اکید پیامبر و امامان، نام نیک برای فرزندش انتخاب نکرده است.

دوم: از نخستین نیکی در حق فرزندش کوتاهی نموده و عمل کرده‌ی پیشوای آسمانی خویش را الگو قرار نداده است.

سوم: و مهم‌تر این که در حق موالیانش جفا کرده، زیرا رسول خدا - صلوات الله علیه - فرموده‌اند: «مَنْ وُلِدَ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَوْلَادٍ لَمْ يُسَمِّ أَحَدَهُمْ بِاسْمِي فَقَدْ جَفَانِي»^۲ هر کس را چهار فرزند متولد شود و یکی را به نام من نام‌گذاری نکند به من جفا کرده است.

چهارم: نامی که حاکی از بندگی خدا باشد برای فرزندش انتخاب ننموده، زیرا امام باقر - علیه السلام - می‌فرمایند: «أَصْدَقُ الْأَسْمَاءِ مَا سُمِّي بِالْعُبُودِيَّةِ»^۳ یعنی «درست و راست‌ترین نامها آنست که حاکی از بندگی

۱ - اصول کافی ج ۲ ص ۷۸ ح ۱۳.

۲ - فروع کافی ج ۶ ص ۱۹، جواهر الکلام ج ۳۱ ص ۲۵۴ وسائل الشیعه ج ۷ ص ۱۲۶.

۳ - فروع کافی ج ۶ ص ۱۸.

خدا باشد» چند نام مبارک است که می‌باید در مقابل همانهایی که حق مسلم علی را غصب کردند و همسر مظلومه‌اش را سیلی زدند و دل شیعیان - غدیریان - را شکستند، به آن باید حساسیت داشت. مانند: «علی»، «مرتضی»، «ابوطالب»، «حمزه»، «خدیجه»، «فاطمه»، «غدیر»، «کوثر»، و خلاصه امامان شیعه، خاصه اسامی مبارکی که گویا و نشانه اخلاص و ایمان به حضرت حجة ابن الحسن العسکری - روحی فداه - باشد. مانند «عبدالمهدی»، «عبدالمنتظر»، «عبدالقائم»، «عبدالحجة»، «مهدی»، «حجت» و ... که بهترین نام در عصر غیبت می‌باشد و دارای آثار اجتماعی خوبی است. مثلاً توجه به ساحت قدس امام غائب را زیاد می‌کند و بهترین ترویج عملی همیشگی از امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - محسوب می‌شود. علاوه امام کاظم - علیه السلام - فرموده‌اند: فقر و تنگدستی در خانه‌ای که محمد یا احمد یا علی یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه نام باشد راه ندارد.^۱ ولی متأسفانه دیده شده است عده‌ای از مؤمنین به لحاظ شدت علاقه‌ای که نسبت به صاحبان اصلی نامهای مقدس دارند، به جهت احترام به آن نامهای مبارک، فرزندان خویش را به اسمهای نیک نام‌گذاری نمی‌کنند و می‌گویند بیم داریم مثلاً نام شریف و مقدس فاطمه را «فاطی» تلفظ کنند. متأسفانه غرب‌زدگان وطنی که هنوز لهجهٔ محلی پدر و مادر ایشان حاکی از خیلی مسائل است، فاطمه را «فنی» تلفظ می‌کردند و شنیدم که محمد را «ممی» صدا می‌نمودند تا شاید مرز دهاتی بودن را شکسته، احساس متمدن بودن را تقویت کنند. و خویش را تا وقتی که همراه والدین نیستند و شناسنامه

آنها در دسترس قرار نمی‌گیرد با شکل و شمائلی که فراهم آورده‌اند و تغییر لهجه، نعمت ایرانی بودن یعنی شرافت داشتن را فدای بی‌شرافتی‌ها کنند.

اینجاست که می‌باید به نقشه دشمنان اسلام پی‌برد و یقین حاصل کرد از حساسیت ما نسبت به مبانی اعتقادی و سنت‌های دینی رنج برده، آن را مهمترین مانع پیشرفت خویش در جامعه ما شناخته‌اند. مسلماً آن عده که حاضر می‌شوند «مملی» و «فاطی» یا «فنی» ... خطاب کردند، می‌توانند بهترین هنرپیشه‌ای باشند که مسلمان ایرانی را نسبت به تعهدات خود بی‌تفاوت سازند.

در این صورت می‌باید با نام‌گذاری فرزندانمان و لباس پوشیدن و... سنت‌های مذهبی و وطنی خودمان را از خطر نیستی حفظ کنیم و هم آن جا که مکان‌ها و زمان‌ها زمینه‌ساز اشاعه فضیلت‌ها با سخنرانی نیستند توانسته باشیم با غیر زبانمان مبشر باشیم و عملاً مردم را به آئین مقدسی که سعادت فرد و جامعه را تضمین می‌کند دعوت کنیم و بدانیم تربیت فرزندانمان به سیره و عملکرد امامان - علیهم السلام - که تربیت ناب انسانی محسوب می‌شود از جمله همان دعوتی به شمار می‌رود که بر اساس و پایه عمل قرار گرفته است و نیازی به زبان ندارد و الحق پدران و مادران بی‌شماری بوده‌اند که چنین سعادت‌ی را برای خود به محشر برده‌اند. اگر به وسیله موقوفات و تأسیس مراکز علمی و درمانی، باقیات الصالحاتی نگذاشته‌اند، فرزندان‌ی تربیت نموده‌اند که بهترین موقوفه بوده‌اند و گوئی همیشه زنده‌اند. زیرا روایت شده است «هر کس بدون فرزند بمیرد گوئی در میان مردم زیست نمی‌کرده و هر که بمیرد و

فرزندی داشته باشد گوئی نمرده است»^۱.

چنان که امام صادق - سلام الله علیه - فرموده‌اند: «مرد را پس از مرگش پاداشی در پی نخواهد بود به جز سه خصلت: صدقه‌ای که آن را در حال حیات خویش جاری کرده و پس از مرگش نیز باقی و جاری بماند و سنت و روش خوبی که پس از مرگش بدان عمل شود و **وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ** و فرزند شایسته‌ای که برای او استغفار کند»^۲. به همین لحاظ‌های الهی بوده‌است که حضرتش فرموده‌اند: **«الْوَلَدُ الصَّالِحُ مِيرَاثُ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ إِذَا قَبِضَهُ»**^۳ یعنی: «فرزند صالح میراث خداوند است برای مؤمن هنگامی که مؤمن قبض روح شود». که به طور حتم و یقین هر کدام از ما با چنین فرزندان تربیت شده‌ی دیروز که مربیان فردا ایند آشنائی داریم و وظیفه‌ی هر آشنا شده با چنین ذخیره‌های مردمی جامعه اسلامی است از آن دلسوزان که «مهدی» نام و «فلاحیان» روش هستند، بذر هرگونه نیکی را در کشتزار زندگی غمزدگان که دیده بر قدوم شادی‌ها دوخته‌اند چون کشاورزی صالح و دلسوز می‌کارند. نیکی کاشته شده را پرورش می‌دهند، تا به شکوفه نشینند، یا آنان که «محمود» حال و «محمد» نام هستند سعادت را «حمید خانی» شایسته و ستوده‌اند. آنهایی که «علی» را الگو قرار داده تا «نیکمرد»ی کنند و خلاصه تمامی آنان که نمونه‌هایی از تربیت‌های اسلامی - شیعی به شمار می‌روند و به عالی‌ترین مدارج معنوی نائل آمده‌اند یاری کرده، به روح مربیان‌شان درود فرستیم، چنین فرزندان‌ی که برای والدین - مربیان - خود در دنیا و عقبی رحمت به شمار می‌روند، تربیت نمودند. چنان که

۱ - مکارم الاخلاق ص ۲۱۹ بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۹۱ من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۴۸۱ وسائل

الشیعه ج ۷ ص ۹۶ ۲ - سفینه البحار ج ۲ ص ۶۸۴

۳ - مستدرک الوسائل ج ۲ ص ۳۸۹

رسول خدا فرموده‌اند: عیسی بن مریم به قبری عبور فرمود، صاحبش را عذاب می‌کردند، سال دیگر از همان قبر گذشت دید صاحب قبر را عذاب نمی‌کنند، عرض کرد: پروردگارا! در سال پیش بر این قبر گذشتم، دیدم صاحبش عذاب می‌شود و امسال بر او می‌گذرم عذابی نمی‌بینم. خدا به او وحی فرمود: «إِنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقًا...». پسر شایسته او راهی را اصلاح کرد (در نتیجه عذاب از وی برداشته شد).

در این صورت بهترین وظیفه در ایام غیبت مولایمان حجة بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اینست که با غیر زبانهایمان - اعمالمان - نیز مردم را به تشیع روح اسلام ناب محمدی دعوت کنیم و بهترین آنها تربیت فرزندانمان با نام‌های معصومین - علیهم السلام - و سیره ایشان می‌باشد.

نعمتی که اگر نبود

توفیق رفیق نمی‌شد

این سعادت اگر به عنایت بی علت از در تنهایی در آمد و در خلوت مونس جان دردمند و در جلوت شرافت خود و عشیره معنوی و تبار قبیله‌ای گردید، توفیقی بود از طور محبت او که «رضا» سلام الله علیه را «عبد» است و «بار فروش» عشق به آل الرسول می‌باشد. به راستی اگر ایثار اوقات «حسین» خصالی و «یوسفی» کمالی نبود، بدون هیچ شک و تردیدی راه به چنین رضوان بهشت آفرین نمی‌بردم، بل آنچه این مجموعه و سائر تألیفات برنگاشته از این خامه را سبب شد و تدوین نمود، ورای شوق و ذوق، همت و استقامت، مسکین بیچاره‌ای چون این

بی بضاعت بود که با چنین سرمایه همیشگی این وامانده، جز تدوین قصه آوارگی امکان تدوین نبود و نیست؛ بل آنچه کارساز و دستگیر آمد، وفاداری «عباس» مثال «گودرزی» تباری بود که چون ستاره «واحدی» در آسمان توفیق بدرخشید و سعادت شد. این لطف «خدا داد» توفیق «رحمانی» بود که به نعمت «محمد»ی، رحمت «رضا»ی حق را همراه آورده، مکتب نشین «روستا» را به مدرسه عشق کشاند و لایق ای صحنه عشق به قائم آل محمد (عج) نمود.

الهی این افتخار که چون «سهیل» از خاکساری آستان ملائک پاسبان «مهدی» «محمدی» برخاسته ماه مجلس شده، هر تاریک خانه‌ای را که به نور ولایت عرشیان خاک نشین روشن نیست، به نور خاک نشینان عرشی که محمد و آل اویند ظلمت زدائی نماید و هر خواننده را نسبت به «مهدی» آخر الزمان که «زندگی» - تشنه - دیدار نیست، شیفته بفرما.

خدایا هر ارادتمند به مولای متقیان خصوصاً عزیزانم را که مایه این سعادت شدند «عبد» علی - علیه السلام - بمیران و در یوم محشر «جعفری» محشور بفرما.

فرزندان نور چشمانشان را که «معصومی» دور از هر گناه و «رضا» به اراده حقند و با صوت قرآن و عشق به آل محمد نیرو و توان یافته‌اند «سلسبیلی» از شراب زنجبیلی قرار داده تا هر مریض «سقیفه» را به جرعه‌ای از «کوثر» قرآن شفا بخشند و خود شفا شوند، از تبار «نیکان» گردند که اینان با اقبالی «مسعود» و طالعی «منصور» قدم به صحرای محشر گذارند و به «مرگان» قدمگاه بهشتیان را تا سراپرده «انسیه» حورا بروبند «یارب» به اجابتش قرین دار.

امید آن دارم

این عرض ادب به ساحت مقدس عاکفان عتبه مقدس آن غوث زمان،
قطب جهان، مورد رضای خداوند متعال و منظور نظر کیمیا اثر بقیه خدا،
سلیمان ملک وجود، حضرت مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه
الشریف - افتد و فیض گیران، دعای خیر خویش را بدرقه راه عمر چنین
بیچاره وامانده نموده، تا توفیقات بیشتری در راه نشر فضائل آل الرسول -
صلوات الله علیهم اجمعین - نصیب این بی لیاقت، نه به لحاظ بضاعت و
استطاعت، بل به جهت توجه نظرش، گردد.

و اگر رغبت خیمه نشینان کوی عشق که صحیفه حاضر را خوانده‌اند و
فیضی برده‌اند تعلق گرفت، والده مکرمه‌ام معصومه کاکوئی و تربیت
کننده‌ام کوکب کاکوئی که قریب نیمه قرن به پرستاریم عزیزترین ایام
عمرش را صرف کرد و پدر الحق پاک و با فضیلت‌م مرحوم حاج حسن آقا
حیدرخانی که در بیستم ماه رمضان ۱۴۲۲ مطابق ۱۵ آذر ۱۳۸۰ مرا تنها
گذاشت به طلب مغفرتی، حمد و سوره‌ای یاد نمایند.

یکشنبه

تحویل ۱۳۷۸

سوم ذیحجه ۱۴۱۹

به

امید دیدار

فیض لقاء جمال جمیل
حضرت وجه الله الاعظم

و در آرزوی

به

پایان

رسیدن دوران غم بار
غیبتش و به انتظار روز ظهور
مقدسش و به امید فیض
شهادت در

رکابش